

کارگران جهان متحد شوید!

۱۰۴

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال سوم - دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۰ بها ۳۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- هر دم از این باغ بری می‌رسد صفحه ۲۰
- پایان اعتصاب غذای زنان کمونیست صفحه ۲۷
- ششمین سالگرد پیروزی خلق قهرمان ویتنام بر امپریالیسم آمریکا صفحه ۲۴
- پروژه مجتمع تولید فولاد اصفهان: ارثیه غارتگرانه رژیم شاه و بندی دیگر در تحکیم وابستگی به امپریالیسم صفحه ۲۵

فرار قهرمانان ۷ زندانی کمونیست از زندان سپاه شیراز

صفحه ۲۶

هر چه گسترده‌تر باد مبارزه انقلابی کارکنان آواره صنعت نفت

صفحه ۱۶

قرار داد ۱۷ میلیارد تومانی با امپریالیسم انگلیس: گامی دیگر در تحکیم و گسترش سرمایه‌داری وابسته

صفحه ۲۳

نظا هرات کمونیست‌ها در اول ماه مه

روز جمعه ۱۱ اردیبهشت از جانب سازمان ماورق‌های فدائیان کارگران و توده‌های آگاه به نظا هرات کمونیستی فرا خوانده شدند به افشای ماهیت ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی پرداخته و سرود انقلاب را در خیابان‌ها پخش کردند اما رژیم ارتجاعی حاکم از این امر بوحشت افتاد.

رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست‌های ضد انقلابی و سرکوبانه خویش از یکسوی کودتا را همزمانی اول ماه مه نیروهای انقلابی را قاطعانه درهم شکند و از طرف دیگر با وحشت از آواج جنبش انقلابی خلق، کوشید با دادن اجاره جهت سرگردانی بقیه در صفحه ۷



کوشه‌ای از نظا هرات اول ماه مه کمونیست‌ها در میدان قزوین - تهران

اطلاعیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در مورد راهپیمایی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)

کارگران و زحمتکشان ایران! اول ماه مه در فرا رسید و در سراسر جهان، میلیون‌ها کارگر به استقبال عید خونین خویش شتافتند. کارگران امپریالیسم و همه رژیم‌های ارتجاعی سیر را ردیگر کوشیدند تا با سرکوب انقلابیون و کمونیست‌ها و نیز فریب توده‌ها، مانع از آن شوند تا کارگران بدنبال شعارهای طبقاتی شان روان شوند.

روزیونیست‌های خائوس - خروشقی و نیز سه‌جانی در کشور - های مختلف جهان کوشیدند تا بیای عمال امپریالیسم غرب جشن اول ماه مه را از مضمون انقلابی خویش تهی کرده آنرا در خدمت سرمایه‌داری بکار گیرند.

جشن اول ماه مه، در همین پیسها خواسته خونین بقیه در صفحه ۲

دستاوردهای دومین کنگره سازمانی کومله را گرامی بداریم!

صفحه ۱۱

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران

بقیه از صفحه ۱ اطلاعیه

ما نیز، روزنامه‌های صنفی و طبقاتی و تلاش انقلاب و فدا انقلاب برای بسیج توده‌ها بود، ارتجاع حاکم، تمام نیروی سرکوب و وسایل تبلیغاتی اش را بسیج کرده تا مانع از آن شود که کمونیستها و انقلابیون - شعارهای واقعی زحمتکشان را در این روزهای توده‌ها ببرند، رژیم که پیش از این، نظرات سازمان دانشجو - یان و دانش آموزان پیکار در ۳۱ فروردین - امسال را به مناسبت سالگرد اول اردیبهشت به خون کشیده و در وفاق پیکارگر کمونیست، ایرج ترابی و آذر مهرعلیان را به شهادت رسانده بود، رژیم که نظرات سازمان مجاهدین خلق در شهرهای شمالی و تهران را به شدت سرکوب کرده و چندین شهید بجای گذاشته بود، از ادا مصلحت و مزایای نظرات و راهیهای انقلابیون و کمونیستها به شدت می‌هراسید، رژیم میکوشید تا آنجا که میتوانست مانع از برپایی جشن اول ماه مه توسط انقلابیون و بخصوص کمونیستها گردد چرا که از شعارهای انقلابی نظرات هر کس که کمونیست در این روز که بذراگای درمیان توده‌ها می‌افشانند و چهره اش را هر چه بیشتر افشا میکرد و حشمت داشت، بدین ترتیب از چند روز پیش از نظرات، بیوهای تبلیغاتی رژیم بکار افتاد تا زمینه را برای سرکوب انقلابیون و کمونیستها را هموار سازد، از بهشتی و رفعتجانی گرفته تا نبوی و مهدوی کنی در محاصره‌های گدازی شان از هیچ خط و نشان کشیدنی برای انقلابیون و کمونیستها دریغ نکردند، آنها میکوشیدند تا با استناد به اطلاعیه‌ها و مساعده ای دادستانی و با آزاد گذاشتن نوکرانشان یعنی رویزیونیستهای خائن توده‌ای و اکثریت به سرکوب انقلابیون و کمونیستها بپردازند، این جناحهای تبلیغاتی در روزهای آخر هفته گذشته و بخصوص پس از دعوت به راهپیمایی مشترک اول ماه مه از سوی سازمان ما و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به اوج خود رسید، تا آنجائی که آیت الله خمینی نیز مجبور شد روز پیش از جشن اول ماه مه اعلامیه شدیدی بر علیه انقلابیون صادر کند، بدین ترتیب رژیم برای جلوگیری از آتکاهای توده‌ها سیاست خائنه ای را تدارک دید، از یکسوی کوشید تا تبلیغات وسیع حول اول ماه مه، تمام نیروی خویش را برای انجام نظرات حول شعارهای ارتجاعی به نمایش بگذارد و توده‌های تومزه و نا آگاه متعایل به خویش را به خیابان بکشانند و از سوی دیگر با دادن اجازه برای برگزاری میتینگ به نوکران سرمایه‌داری، رویزیونیستهای خائن توده‌ای و فدائی (اکثریت) که بدنبال باز کردن پای سوسیال امپریالیسم به ایرانند، آنها را در سطح جامعه برجسته نمود تا در عین نظرات به آزادیخواهی توجیه توده‌ها را از راهپیمایی کمونیستهای واقعی منحرف نماید

و آنکاه با استفاده از سپاهیان کمیتها بسیج و جماعتداران حزب جمهوری اسلامی، به سرکوب راهپیمایی کمونیستها بپردازد، بدین ترتیب راهپیمایی انقلابیون و کمونیستها در روز اول ماه مه ممنوع اعلام شود و عریض میتینگ خائنین رویزیونیست از رادیو و تلویزیون تبلیغ گردید، آری نوکران سرمایه داری آزاد دنیا به مداحی رژیم جمهوری اسلامی بپردازند، آنها با بیدار شدن، تنها چهره گریه رژیم را رنگ آمیزی کنند، اما کمونیستها و دیگر انقلابیون باید سرکوب شوند تا نتوانند توده‌ها را آزاد کنند.

رژیم پیوندها میکوشد و انمود سازد که با دادن اجازه رسمی به رویزیونیستها، با مصالح آزادیخواه شده و آزادیهای دمکراتیک را سرکوب نمی‌کند، اما توده‌ها با سرکوب انقلابیون و کمونیستها بیش از پیش درم، با بنده در رژیم جمهوری اسلامی تنها نوکران سرمایه‌داری و امپریالیستها آزادند، و هر کسی که از کارگران و زحمتکشان دفاع کند بخون کشیده میشود، اگر نیروهای ارتجاعی در مذبذب‌دنگه این روز را بر علیه نیروهای انقلابی بکار گیرند متقابلا سازمان ما نیز در پی آن بوده که با اتحاد عمل با سازمانهای کمونیستی و انقلابی در مقابل قطبهای ارتجاعی موجود، یعنی قطب ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی و رویزیونیستهای توده‌ای و اکثریت و نیز قطب ارتجاعی لیبرالها، قطب انقلابی را به نمایش بگذارند، و با این اتحاد عمل انقلابی بکوشند تا هر چه بیشتر روز اول ماه مه را به روز دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان بدل نماید، سازمان ما در پی آن بوده که این روز را به روز اتحاد نیروهای انقلابی بر علیه ارتجاع و امپریالیسم بدل سازد و به افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی و دفاع از آزادیهای سیاسی و محکوم ساختن جنگ ارتجاعی بپردازد، و در پی همین سیاست نظرات مشترکی را با سازمان چریکهای فدائی خلق در روز اول ماه مه تدارک دید، این اتحاد عمل منجر به تشکیل یک قطب انقلابی در مقابل تمامی نیروهای ارتجاعی گردید و این خود موفقیتی برای جنبش دمکراتیک و فدا امپریالیستی مبین ما محسوب میشود.

رژیم جمهوری اسلامی برای جلوگیری از راهپیمایی سازمان ما و سازمان چریکهای فدائی خلق در اول ماه مه را گنای سرکوبش را بکار انداخت، از صبح روز جمعه ۱۱ اردیبهشت عده‌اش از سپاهیان، افراد کمیت، بسیج و جماعتداران جمهوری اسلامی در محل میدان جمهوری اجتماع کرده و به افرادی که بسوی میدان روان بودند حمله و می‌شدند و با شان رژیم، به دستگیری و مجروح کردن هر فردی که گمان میکردند، قصد شرکت در نظرات را دارد می‌پرداختند، ۳۰۰ قه و جماعتی با ردیگر در خدمت

خا بوش کردن میرا دا انقلابیون و کمونیستها بکار گرفتند، با اسلحه‌های جدید و از ریفربیه ندای دعوت کمونیستهای باخ گرفته و در اطراف میدان جمهوری مستقر شدند، با شورهای منظم نیروهای سرکوب رژیم که منجر به دستگیری و زخمی شدن چند نفر گردید، تصمیم بر آن گرفته شد که راهپیمایی در میدان جمهوری لغو شده و راهپیمایی‌های موضعی از چند نقطه تهران انجام گیرد، این نظرات در خیابان اسکندری و بخصوص میدان قزوین انجام گرفته و مورد استقبال توده‌ها قرار گرفت.

بدین ترتیب جشن اول ماه مه امسال با سرکوب جشن انقلابیون و کمونیستها همراه بود و با شان رژیم نه تنها به نظرات کمونیستها حمله ور شدند، بلکه حتی به نوکران خود، یعنی رویزیونیستهای خائن اکثریت نیز رحم نشد و در میان آنها تا رنگ منقش کردند و سپس سفیدها کوشدند تا این بمب - اندازی را بگردن نیروهای کمونیست و بخصوص سازمان ما بيفکنند، در حالیکه توده‌ها به دروغهای این جناحینکاران بیش از پیش آشنا هستند و با دادرند که چگونه جلادانی چون هیئت را بشتاک را آتش میزدند و سپس بگسردن کمونیستهای افکندند.

در هر حال، اول ماه مه امسال نیز بیش از پیش رسوا گر چهره رژیم بود و اول ماه مه در کشور ما نیز همچون سایر رژیمهای ارتجاعی با مجروح کردن، با دستگیری و سرکوب شرکت کنندگان در راهپیمایی کمونیستها همراه بود، بی شک اقدامات ارتجاعی رژیم در اول ماه مه امسال با زهم بر نفرت توده‌ها خواهد افزود و در بستر بحران اقتصادی کنونی که ناشی از حاکمیت رژیم نگهبان سرمایه‌داری وابسته است و در تکنای گران، بیکاری، تورم و کشتار روبرو رژیم، مزارات توده‌ها با زهم اوج بیشتری خواهد گرفت و در بسترش انقلاب، توده‌ها با سرکوب و کشتار رژیم را با تهر انقلابی خواهد خوانند.

بگذار رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش بر سر نیزه و سرکوب تکیه زند.

بگذار رویزیونیستهای خائن توده‌ای و فدائی (اکثریت) برای خوشحالی به هر خیابانی دست بزنند.

توده‌های انقلابی مین مادر فردای نه

چندان دور حساب خود را با تمام دشمنان توده‌ها تحفه خواهند کرد.

زنده باد اول ماه مه!

زنده باد سوسیالیسم!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۶۰/۲/۱۲

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

جنبش کارگری



دزدی ۵۰ هزار تومانی انجمن اسلامی کارخانه پوشش

انجمن اسلامی کارخانه پوشش که در خدمت به سرمایه داران و جاسوسی بر علیه کارگران و همکاری با سپاه در سرکوب مبارزات این کارخانه روی اداره حفاظت را سفید کرده، اخیراً دو نفر از اعضای بنام "احمدی" و "رضا خلیلی" که نور چشمی های مکتبی جمهوری اسلامی نیز هستند، مقداری از روغن و نوشابه های کارخانه را که پس از بستن کانتینر کارخانه باقی مانده بود، دربار می فروشتند و همراه با پول پرتقال هایی که کیلویی ۹ تومان خریده و ۲۰ تومان به کارگران فروخته بودند، بالا می کشند و بدین ترتیب این عناصر خود فروخته و ضد کارگر ۵۰ هزار تومان پول کارگران را به جیب می زنند. این ۵۰ هزار تومان حاصل عرق پیشانی و دسترنج کارگران پوشش است که به جیب این مفتخوران میرود.

این دزدبها و کلاشها هنگامی صورت میگیرد که کارگران با دستمزد خود بیختی میتوانند از پس این همه گراسی و فحشی برآیند و شکمن و بچه های خود را سیر کنند....

این دزدبها زمانی صورت میگیرد که شورا های واقعی کارگری کارخانه را سرکوب میکنند، تا همین انجمن های جاسوسی را به کارگران تحمیل کنند. این دزدبها جز نا چیزی از دزدبها و جپا و لپاشی است که سرمایه داران و نوکسرا رنگارنگی از کارگران میکنند.

بنقل از اخبار کیلان نشریه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات کیلان با اندکی تلخیص

توطئه اخراج کارگران مجتمع فولاد اهواز

همانطور که در شماره قبلی "پیکار" نقل کردیم، رژیم جمهوری اسلامی با اجرای توطئه ای همه جانبه قصد اخراج کارگران مجتمع صنایع فولاد اهواز و تعطیل کردن آن را دارد. مدتهاست که در صدد اجرای این هدف ضد کارگری خویش است و اخیراً با طرح باز خرید جباری این فمد خود را به وضوح آشکارا ساخت. اما از آنجا که از مبارزه کارگران و حشدا در دنیا و اعلام صریح نیت خود خشم انقلابی کارگران را شعله ورسا زد، از اینرو اخبار با تشکیل "تتاق طبقه کارگر - تشکیلات کیلان با اندکی تلخیص و تفسیر

مبارزات کارگران شیرپاستوریزه مشهد

به کارخانه های زاندارهای مسلح (۳ افسرو ۱۵ زاندارم) که اسلحه را بطرفشان گرفته بودند، مواجه میشوند. مزدوران رژیم جمعا ۱۴ نفر از کارگران و کارکنان را به دادگاه جلب کرده و از بقیه میخواهند که با دادن تعهدی مبنی بر عدم اعتصاب بسرکار بر روند. اما کارگران با عزمی استوار و یکصد اعلام میکنند که هیچکس تعهد نخواهد داد و اینکه همه برای حمایت از رفقایشان به دادگاه خواهند رفت.

پس از آنکه اقدامات فوق نتوانست در عزم کارگران خللی وارد کند، رژیم به حربه املیش یعنی سرکوب متوسل گردید. آنها برای سرکوبی ۱۸۰ کارگر و کارمند مبارز کارخانه، تمام مکانات سرکوبگری خود را به ساد روزاندارم و بسیج گرفته تا یک اتوبوس چماق دار را بخدمت گرفته و بیکارخانه یورش میبرند. در این جدال نا برابری که بقول یکی از کارگران "تعداد کارگران از تعداد تفنگها کمتر بود"، اگر چه تعداد زیادی دستگیر میشوند ولی با ردیگر وحشت رژیم سرمایه داری از قدرت کارگران و عجز در مقابل اراده آنها آشکارا میگردد.

مزدوران رژیم با گرفتن تعداد غلب دستگیر شدگان را آزاد میمانند. اما کمابان ۴ کارگر و کارمند مبارز را دست آنها با قفسی میمانند و مبارزات کارکنان انقلابی برای آزاد ساختن آنها و پیگیری خواسته هایشان ادامه دارد.

بعد از انتصاب یکی از اعضای سپاه ساداران به سمت مدیر عامل کارخانه شیرپاستوریزه منطقه خراسان، یکسانت بر ساعات کار کارگران افزوده شد. کارگران که قبلاً با مبارزات خود ۴۴ ساعت کار در هفته با احتساب رفت و برگشت را بدست آورده بودند، روز ۶۰/۱/۲۱ به این عمل مدیریت اعتراض کرده و خواهان بازگشت ساعات کار به حالت اول شدند. بدنبال این قضیه فردای آن روز دو نفر از کارکنان مبارز را اخراج می نمایند. کارگران که در اوایل خرسال گذشته نیز شاهد اخراج کارگران مبارز توسط هیئت با صلاح "پاکسازی" بودند، شروع به اعتراض کرده و خواهان انحلال هیئت "پاکسازی" و جلوگیری از این اخراجهای بی رویه شدند.

بدین منظور روز ۶۰/۱/۲۹ کارگران دست از کار کشیده و شعار اخراج مدیر عامل و هیئت "پاکسازی" را میدهند. مدیر عامل مزدور از ترس کارگران پا به فرار گذاشته و به زاندارم سر متوسل میشود. اما کارگران با عزمی استوار قطعنامه ای شامل موارد زیر را می کنند:

۱- تشکیل شورای واقعی ۲- بازگرداندن ۲ نفر اخراجی ۳- تعیین تکلیف کارگران موقت ۴- اخراج مدیر عامل و تعیین جانشین ذیصلاح
آنگاه کارگران به انتخاب شورا پرداخته و پیگیری سه ماده دیگر قطعنامه را پیش رویش می گذارند. فردای آن روز کارگران هنگام مراجعت

اخراج حدود ۸۰ نفر از کارگران مبارز پوبلین

سراسری بر علیه تمام کارگران... هدف از این اقدام ضد کارگری سرکوب و جلوگیری از مبارزات کارگری و جباول و غارت بیش از پیش کارگران است... آنها با اتحاد و همبستگی کارگران، تنها مبارزه متحده کارگران، تنها ایجاد شوراهای واقعی است که کارگران می توانند از تجاوز و تهاجم سرمایه داران و مزدورانشان به حقوق خود جلوگیری کنند.

بنقل از اخبار کیلان نشریه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات کیلان با اندکی تلخیص و تفسیر

بدنبال اخراج ۸ نفر از کارگران مبارز پوبلین و تظاهرات و حمایت کارگران شاغل از کارگران اخراجی، سپاه ساداران سرمایه دار، کارخانه را تعطیل کرده و به کارگرانی که جلوی کارخانه جمع شده بودند، میگویند "ما شما را ده ناده ناپاکسازی کرده و بعد از کارخانه را با میکسیم و بدنبال آن اسامی حدود ۸۰ کارگر مبارز و زحمتکش را بعنوان افراد ناپاکسازی شده، اعلام میکنند. این اقدام سرسیدگان ضد کارگری جمهوری اسلامی، توطئه ای است شوم

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳۲ یادداشتها...

تبدیل میگردد. در شرایط اعتدالی جنبش، همواره توده‌های وسیعی از مردم، همچون زمین حاصل - خیزی، آماده پذیرش بذره‌های مبارزه و اعتراض و حرکت‌های انقلابی هستند. در هفته اخیر، سرآغاز این حرکتها و جنبش‌های سیاسی در دستر اعتدالی انقلابی جامعه، گشتا روحشیا نه چند تن - سن از کمونیستها و انقلابیون در تهران و برخی شهرها بود که همچون جرقه‌ای به آتش خشم بخش‌های وسیعی از مردم شعله‌زد و آنان را به اعتراض و - داشت و به میدان نمایش سیاسی اعتراض آمیز گشاند. این حرکت مانده گذشته اما بشکلی برجسته تری نشان داد که جامعه ما در شرایطی قرار دارد که ضد انقلاب، بی هیچ "مزاحمتی" بر مردم و انقلاب تعرض کند و گام‌های گام‌خویش را تثبیت نماید. اکنون زمانی است که هرگونه مظالم و سرکوب و کشتار و خفقان رژیم بطور روزافزون با سدی از اعتراض و مقاومت توده‌ای روبه‌رو میشود. و روح مبارزه را موج وارد جبهه می‌راند. می‌انگیزد، و این همان چیزی است که رژیم را به وحشت می‌اندازد، بطوریکه خود با زبان خویش این وضعیت را چنین ترسیم میکند:

"آنها (گروهها - پیکار) میخواهند عمداً درگیری درست بکنند و ما را به طور کامل از انقلاب چهلیم به چهلیم درست میکردیم و راهیما می‌داشتیم. عین همان برنامه‌ها را گروهها دارند پیاده میکنند." (۱)

البته تردیدی نیست که این روحیه تعرض در میان مردم، هنوز غالباً به نفع کلیه رژیم جمهوری اسلامی، بلکه علیه جناحی از آن - جناح غالب یعنی حزب جمهوری اسلامی - است. و این خود ناشی از توهّمات وسیع و عمیقی است که اکثریت مردم نسبت به لیبرالهای ضد انقلابی دارند. لیکن از آنجا که جناح حزب اکثریتون بر بخش مهمی از ابزارهای بالفعل سرکوب تسلط دارد، و نیز سیاست بکبار رجس سرکوب و چماق را در برابر سیاست "چماق و نان شیرینی" لیبرالها در پیش گرفته است، نقش غریبی در اعمال سرکوب و خفقان و کشتار مردم ایفا میکند و از این لحاظ غالباً تعرض و مبارزه مردم متوجه این جناح ضد انقلابی است.

دردوران رکود جنبش، ضد انقلاب، بهیوسته بی‌مبارایدون و روبرودن با یک مقاومت و اعتراض جدی، به تعرض، سرکوب و کشتار میپردازد اما در شرایط اعتدالی هر حرکت ضد انقلابی، ارتجاع توده‌ها را به خروش و امیدارد و خشم انقلابی آنها را نمود مادی می‌بخشد. نمایشات سیاسی - توده‌ای اخیر جلوه‌ای از این واقعیت در شرایط امروزی ایران است.

۲- حوادث اخیر با ردیکالترین واقعیت را به اثبات رسانید که روند قطب‌بندی‌های اجتماعی و سیاسی، در شرایط کنونی جامعه، تا چه حد سرعت و شدت گرفته است. ویژگی جنبش انقلابی و وضعیت سیاسی ایران چنین است که توده‌های

مردم، در جریان فروپاشی توهّماتشان نسبت به رژیم و بخصوص حزب، به سرعت به قطب‌های مختلف گرایش می‌یابند و به گرد آن جمع میشوند. واقعیت این است که هم‌اکنون بخش وسیعی از توده‌های مردم، میان قطب‌های نیروهای سیاسی مختلف، "تقسیم" شده اند و بخش مهمی از مبارزه خویش را در دستر شعارات و اختلافات میان این نیروها، به جریان می‌اندازند. از همین رو حرکتها و اعتراضات اخیر، اگرچه توسط سازمانهای سیاسی آغاز شده و سازمان داده شده است، و اگرچه توده‌های اصلی شرکت‌کننده در آن را، هواداران این نیروها تشکیل میدهند، اما در عین حال این حرکتها و اعتراضات انعکاسی از مبارزه سیاسی توده‌های مردم است. ارتجاع میکوشد این مبارزه را "مخالفت" و حرکت جدا از توده - گروهکها "و آن را صرفاً یک "دعوی سیاسی" قلمداد نماید. لیکن واقعیت این است که این نمایشات سازمان یافته، جلوه‌ای از انکاسی از وضعیت جنبش خلق و اعتدالی انقلابی است. بهیود نیست که این اعتراضات و حرکات از آن چنان استقبال در میان توده مردم برخوردار میشود که ارتجاع را به وحشت می‌اندازد. هرگز روز دوشنبه را در تهران دیده‌باشی که بی‌شمار گروه مردم کوچوبازار، از مغازه‌ها، منازل و دریاچه - روها از جمعیت وسیع شرکت‌کننده در تظاهرات استقبال میکردند و چگونه ارتجاع و مزدورانش وحشت زده و ما یوس از بسیج حداقل جمعیت برای مقابله و عرض اندام در برابر این نمایش وسیع، به نظاره مشغول بود، و چاره‌ای جز توسل به چماق و گلوله نداشت.

۳- حوادث سیاسی اخیر با ردیکالترین تظاهرات درون رژیم را فزونی بخشید و بحران را در درون آن تشدید نمود. اختلافات در شوه مواجهه با این جریانات، مجدداً گسترش یافت و در ورش در برابر عرض اندام نمودند. جناح حزبی علیرغم وحشت و هراس عمیقش از انفرا دونا ثرات ناشی از این حوادث، با ردیکالترین ضرورت سرکوب غریبان و خشن برای "تجات" حاکمیت رژیم وحشی دست‌زدن به کشتار وسیع را، تاکید کرد و آن را ایگانه‌راه مقابله با بحران کنونی نامید. بهزاد نبوی، مشاور رجائی و از مهره - های اصلی ارتجاع حاکم، پس از این جریانات بر ضرورت "فاطمیت" بیشتر در برابر "گروهکهای ضد انقلاب" تاکید کرد و در این رابطه از "تزلزلات" گذشته انتقاد نمود. سرفاله روزنامه آزادگان، یعنی سخنگوی صریح جناح باصلاح مکتبی رژیم، در سرفاله چهارشنبه هفته گذشته خود تحت عنوان "توطئه گروهکها و قاطعیت"، وقیحانه خط سرکوب و کشتار وسیع را، به گونه‌ای که کشتار وسیع اندونزی را بیاد می‌آورد، یگانه خط صحیح رژیم حاکم تصویر کرد. و ضمن ریشخند لیبرالها در رابطه با "بحث آزاد" پیکار گروهها، اعلام کرد که باید "همان کار را با آنها

(گروهها و نیروهای سیاسی انقلابی - پیکار) کرد که آنان با جمهوری اسلامی میکنند." و سپس

هشدار داد که "اگر امروز به زباله ریختن این - این عناصر مخالف انقلاب و اسلام را احتیاجی را هر چند جزئی برای دولت و مسئولان پیکار خواهد آورد و مطمئناً در فردائی که این - توانسته اند شکل خود را هر چه قویتر باز - سرکوب اجباری اینان، لطافت جانی و مالی فراوان بسیار خواهد آورد." و سپس اعلام نمود که "حزب الهیها (یعنی همان مزدوران چماق - بدست، بمب‌انداز، یعنی باند های سیاه ترور - می‌بینید که چگونه سرخ این باند - ها از محافل رژیم سر در می‌آورد!) خواهند توانست "این کودکان" سفیه با زخورده را نیز با کمال قدرت، "به جهنم رهسپار کنند!"

این مواضع، در واقع از یکونشانه تشدید روند سرکوب و کشتار و خفقان به موازات رشد و گسترش بیشتر جنبش و فعالیت نیروها در آینده است و از سوی دیگر نشان ضعف و زبونی ارتجاع از توسل به هرگونه "فرم" در هر شکل خود، برای به سکون گشادن جنبش میباشد. اما بگذرد - سرمداران رژیم ضد انقلابی زوزه کشند و جنگال - های خونین خود را نشان دهند. حادثه اندونزی در ایران تکرار نخواهد شد و آنها عاجز تر از آنند که با رای با زگرداندن ثبات در نظم ضد انقلابی خویش را داشته باشند.

اما لیبرالها، آنها در مکتبیک تناقض گرفتار آمدند: از یکسو، حرکات اخیر، بدلیل تعرض به قانونیت رژیم، و بدست آوردن نوعی استقلال، از دایره مضامین و شکل "مبارزه‌ای" که آنها در مقابل حزب جمهوری خواهان آنند - فرا تر رفت (از این لحاظ از این حوادث دلخوشی نداشتند!) یعنی صدر علت این حوادث را ناشی از "میل به تجاوز از قانون" دانست. نکته مهم این است که بنی صدر با این موضع عمل نشان میدهد در صورتیکه جنبش توده‌ای بیش از پیش به سمت استقلال پیش برود و به نفی آلترنا تيو لیبرالها بپردازد، لیبرالها خود را - ب -

سرکوب بیشتر آماده میکنند. او از "تجاوز" محبت میکند و پرواضح است که تجاوز به حقوق بورژوازی قابل "تنبيه" و یا بزبان دیگر سرکوب است! و این واقعیتی است که ما همدین با توجه به - انحرافات لیبرالی خود با - از آن درس بگیرند. از سوی دیگر لیبرالها کوشیدند که با ز سیاست "نان شیرینی" خود را ترویج کنند و آنرا "راه حل" واقعی بحران کنونی جامعه قلمداد نمایند. با زرگان، لیبرال معروف در سرفاله میزان به تبلیغ این راه حل کذائی خود پرداخت. او به صراحت، با لمانتاریسم ضد انقلابی خویش را به مثابه سوپا باطمینان رژیم تصویر کرد. گویا بدجلوی انفجارهای توده‌ای و خیزش قهرآمیز مردم را بگیرد. و اگر نه آنها نه با نفس سرکوب مخالفند و نه زمانی که مبارزه توده مردم خصلت انقلابی خود را با زباید، آنها در سرکوب تردید بخود راه خواهند داد. (نمونه کردستان از این لحاظ بخوبی این واقعیت را نشان داده است.)

بقیه در صفحه ۵

خلق ها و مسئله ملی



ضربات سنگین پیشمرگان انقلابی کومله بر دشمن در سنج

روزنوزدهم فروردین ماه پیشمرگان کومله (پل شهید قطبه و شهید جلال) وارد سنج شده و ضمن به کنترل درآوردن محله شریف آباد در چند نقطه به کمین دشمن نشستند. عده ای از جاسوسان که در یکی از منازل محله اجتماع کرده بودند از وجود پیشمرگان با خبر میشوند و در پشت با میا سگر - بندی میکنند. درگیری آغاز میشود. پس از مدتی زیر ضربات شدید پیشمرگان عده ای از جاسوسان کشته و بقیه مجبور به ترک سنجها بشان میشوند. تعرض پیشمرگان بسوی مقر نیروهای دشمن در محله شریف آباد دگسترش یافت و این مقر نیز زیر آتش آر. بی. جی و سلاحهای سبک قرار گرفت. پاسداران و جاسوسان پس از دادن تلفاتی مجبور به تخلیه مقر گردیدند. با توجه به وسعت محل مورد کنترل پیشمرگان ما دشمن و حشده و سزای سیمه برآکنده شده بود. مردم که متوجه حضور پیشمرگان کومله شده بودند از پشت درها و پنجره ها صحنه نبرد را می دیدند. آنان را تشویق مینمودند. پیشمرگان با خواندن سرودهای انقلابی و روحیه عالی بطور منظم عقب نشینی نموده و محله را ترک نمودند. در این جریان یکی از پیشمرگان زخمی گردید که به آرا می بوسله رفقا پیش از میدان درگیری خارج گردید و به پا یگانه برگردانده شد.

بدنیا ل حمله غافلگیرانه و کوبنده پیشمرگان ما به مقر خسرو آباد در چند روز گذشته این تعرض کسترده به نیروهای دشمن، روحیه مردم شهر و روستاهای اطراف را بسیار بالا برده است. میزان دقیق تلفات دشمن هنوز اطلاع دقیقی بدست نیاورده ایم.

(بمنقل از خبرنا مه کومله شماره ۱۲۰)

خمپاره باران روستاهای محال شهر ویران "مهاباد"

عصرو ۱۳/۳۱/۶۰ با بگاه ارتش مستقر در تپه کوه کهریز در جاده ارومیه مهاباد روستاهای منطقه شهر ویران را خمپاره باران نمود. در این جریان در روستای "خورخوره" ۳ نفر از یک خانواده شهید و ۳ نفر از اهالی زخمی گردیدند. با وجود این جنايتها که بطور روزمره از جانب مزدوران رژیم دادا مه دار در روحیه مبارزاتی مردم این منطقه بسیار عالی است.

(بمنقل از خبرنا مه کومله شماره ۱۲۲)

توطئه خلع سلاح پیشمرگان کومله توسط اعمال حزب دموکرات و شهادت يك پیشمرگه انقلابی

اعلامیه کومله را در اینجا میاوریم:

هم میهنان مبارز!

خلق رزمندہ کرد!

"بعد از ظهر روز ۲۵/۴/۶۰ چند دسته از پیشمرگان کومله در ادا مه جوله سیاسی خود وارد روستای "قم قلمه" در اطراف مهاباد میشوند. چند دسته از افراد مسلح حزب که در آنجا بودند با ایجاد اغتشاش سعی میکنند مردم را از جمع شدن و شنیدن سخنان مسئولین مهاباد بازدارند. اما موفق نمیشوند. حزبها که چنین می بینند دست بعمل نا جوا نمرده نه و خائنه همیشگی خود میزنند. آنها با دعوت مسئولین مهاباد که میخواستند برایشان دامگذاری کنند، اما مسئولین ماکه بقیه در صفحه ۶

حزب دموکرات بدنیا ل حمله وحشیانه به مقر ما زمان مادیوکان و شهادت ستن از رفقا، اکنون تنها جمکسترده ای را به کمونیستها و انقلابیون کردستان آغاز کرده است. آخرین نمونه آن توطئه عمل مسلح این حزب جهت خلع سلاح پیشمرگان انقلابی کومله بود که طی آن یکی از پیشمرگان قهرمان کومله رفیق علی حبیب پناه (کارگر مکانیک اهل مهاباد) بدست عمال جنايتكار حزب بشاد دت رسید. رفقای کومله در این مورد اعلامیه ای منتشر کرده اند. ما ضمن افشا و محکوم کردن جنايات حزب دموکرات، ضمن حمایت فاطما نه و انقلابی از کومله و دیگر نیروهای کمونیستی و انقلابی در کردستان و تاکید بر ادا مه و راه انقلابی رفقای قهرمانی همچون پیشمرگه شهید علی حبیب پناه، قسمتهاي از

تظاهرات باشکوه زحمتکشان در سوما ارومیه

پایگاهي در میان توده های مردم کردستان نداشت از همان ابتدای روی کار آمدن نش فئودالها و مرتجعین منطقه را مسلح نمود و آنها هم زحمتکشان روستا را مورد تعرض قرار دادند. برای نمونه در همین منطقه سوما مدها خانوادها از خائنه و کائنه خود اواره ساختند. اما اکنون زحمتکشان تصمیم قاطع خود را برای کسب حقوق خویش و درهم شکستن این مرتجعین گرفته اند و در این راه از پشتیبانی بیدریغ پیشمرگان انقلابی جنبش مقاومت برخوردارند. بعضی از شعارهای این تظاهرات چنین بود: اتحاد فئودال، اشراف، و اشراف، سازشکار محکوم است، زنده باد جنبش مقاومت خلق کرد، بیژری هیژری کومله زده همه تکیشی لکه لکه و و همچنین در یلاکاردهای متعددی از جمله شعار زیر نوشته شده بود: "در مبارزات خلق کورد مذاکره جداگانه محکوم است".

(بمنقل از خبرنا مه کومله شماره ۱۲۰)

روزنا نزد هم فروردین بدعوت کومله تظاهرات بزرگی با شرکت بیش از ۴۰۰۰ نفر از روستائیان زحمتکش منطقه "سوما" در میدان اسلحه برگزار گردید.

عده زیادی از روستائیان مسلح همراه پیشمرگان کومله در این تظاهرات شرکت داشتند در تمام طول راه هیمنائی و تظاهرات شرکت کنندگان بر علیه جاسوسان و مرتجعین منطقه و نیز به پشتیبانی از جنبش مقاومت خلق کرد شعار میدادند. برگزاری این تظاهرات بدنیا ل میتینگ قبلی سازمان مادر اول فروردین ماه تکان تازه ای به مبارزات زحمتکشان این منطقه داده است. در پایان این تظاهرات ابتدا پیام هوا داران کومله در سوما، برادوست و شبیران خوانده شد و سپس یکی از مسئولین کومله در منطقه طی سخنانی از شرکت فعال روستائیان زحمتکش در مبارزه برای کسب حقوق خویش و پشتیبانی از جنبش مقاومت ستایش کرد و اظهار داشت: "رژیم جمهوری اسلامی که هیچ

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!



بقیه از صفحه ۵ توطنه خلق سلاح...

تاکنون چندبار معنای مذاکره حزب را دیده اند این دعوت را قبول نمیکنند. بعد از آن پیش مرگان در خانه های مردم تقسیم میشوند اما پس از گذشتن ساعتی، چندتن از مسئولین و افراد حزب از تاریکی شب استفاده کرده و تحت عنوان اینکه حتماً مذاکره با بد صورت گیرد و با اظهار دوستی دروغین به خانهای که چندتن از مسئولین و پیشمرگان کومله در آنجا بودند وارد میشوند. چند دقیقه از این با اصطلاح "مذاکرات" نمیگذرد که حزبیها با توطنه قبلی بر سر پیشمرگان مبارزه میکنند و با ضربات خنجر یکی از مسئولین مبارزه می کنند و خلق و خلق نموده و دوتن دیگر نیز از رفقای مارا خلق سلاح مینمایند که یکی از رفقای ما موفق میشود خود را از دست این جانبا نجات داده و به بقیه پیشمرگان خبر دهد.

پیشمرگان ما که با طرفدار یکی شب و قاطبی بودن با افراد مسلح حزب از یک طرف و عدم تشخیص افراد مسلح حزب از مردم عادی به دلیل تاریکی از طرف دیگر نمی توانستند در آنجا عکس العمل فوری نشان دهند، بلافاصله به یکی از مقرهای حزب در یکی از دهات نزدیک حمله کرده و بعد از مدتی همه افراد مسلح حزب را در آنجا دستگیر و خلق سلاح می نمایند. در این هنگام چند دسته از افراد مسلح حزب خود را به آنجا رسانده و با تیراندازی حزبیهایی از پیشمرگان انقلابی و قهرمان کومله بنام کاک علی حبیب پناه (کا رگرمکا نیک اهل مها باد) شهید میگرد.

دیگر پیشمرگان کومله در یک روستای دیگر به محض دریافت اخبار فوق یکی از مقرهای حزب را خلق سلاح می نمایند و به کمک پیشمرگان مادر روستای "تیکا نلوجه" میروند که در بین راه با آنها که حلقه محاصره را شکسته و از روستا بیرون آمده و اسیران و مقدار زیادی سلاح و مهمات را با خود آورده بودند مواجه شده و از ادامه تعرض صرف نظر مینمایند. و فقط افراد مسلح یک مقرر کوچک حزب را در روستای لگز دستگیر و خلق سلاح میکنند.

طبق آخرین اخبار رسیده تاکنون ۸ پیشمرک مادر اسارت حزب دمکرات و یکی از پیشمرگان ما شهید و حدود ۱۵ تن از افراد مسلح حزب و مسئولین با اسارت پیشمرگان کومله درآمده اند. خلق رزمنده کرد!

زحمتکشان و نیروهای مبارز و انقلابی ایران! این اولین بار نیست که حزب دمکرات به چنین توطنه ها و جنا پیتها بی دست میزنند. حملات حزب به پیشمرگان و هواداران کومله طی دو سال اخیر آنقدر تکرار گشته که از شمار به بدر رفته است.

حزب دمکرات همه این کارها را برای اعمال

حاکمیت دیکتاتوری خود بر زحمتکشان کردستان و چپاول و غارت زادانه آنها انجام میدهد. از طرفی دیگر میخواهد با اینگونه اعمال ضد انقلابی به حکومت جمهوری اسلامی نشان دهد که تنها یار وفادار است.

پیشمرگان انقلابی کومله!

اکنون زمان آن فرا رسیده است که برای دفاع از دستاوردهای دمکراتیک قیام و جنبش مقاومت خلق کردستان خود را چند برابر کنیم.

گلوله ای که نتوانست از تفنگ ویا سدار و جاش برسینه کاک علی شهید بنشیند! کنسول از



تفنگ حزب دمکرات بر تن این رفیق ما نشست. این گلوله حزب دمکرات، در حقیقت گلوله رژیم جمهوری اسلامی، حزب توده مزدور و چریکهای خائن اکثریت است که رفیق پیشمرگ ما را از میان ما بیرون برده است.

ما زمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) به تمام پیشمرگان خود اکیدا یادآوری میکنیم که:

در صورت تعرض افراد مسلح حزب دمکرات، پیشمرگان ما موظفند که با تمام نیرو تعرض آنها را درهم شکسته و چنان درسی به آنها بدهند که دیگر هوس اینگونه اعمال تجاوزکارانه را بخود راه ندهند. حزب دمکرات با شهید کردن رفیق انقلابی ما کاک علی هیچ راهی جز مقاومت بلکه به مثل برای ما باقی نگذاشته است. بنا بر این در صورت درگیری، پیشمرگان ما باید با قاطعیت انقلابی، گلوله های خود را مستقیماً به طرف آنها شلیک نمایند.

ما زمان مبارز دیگران اعلام میکنند که مسئولیت درگیری بین دمکرات و کومله را بر عهده حزب دمکرات میداند. ما یکبار دیگر آشکارا به مردم مبارز کردستان اعلام میکنیم که خواهان برخورد نظامی با حزب دمکرات نیستیم. در عین حال خاطرنشان میکنیم که ما زمان مادر را بر سر تهدیدات نظامی و اعمال تجاوزکارانه حزب دمکرات فقط به دفاع اکتفا نمیکنیم، بلکه به وظیفه انقلابی حتمی خود عمل کرده و با نهایت شدت تعرض متقابل خواهیم نمود.

ما زمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) ۱۳۶۰/۲/۶

بقیه از صفحه ۴ یادداشتها...

بهر حال حوادث اخیر و روش های متفاوت دو جناح اصلی رژیم را در برخورد به این مسائل با زهم در برابر هم قرار داد. این امر بخودی خود نشان میدهد که تمایزات این دور و روش از یکسو دامنه بحران سیاسی در حکومت را افزایش می دهد و از سوی دیگر امکان مانور آنها را در اعمال سیاست یکپارچه سرکوب انقلاب، کمتر میسازد. این چنین است برخی از مهمترین ویژگی ها و نتایج حوادث سیاسی هفته گذشته.

بقیه از صفحه ۳ توطنه اخراج...

هما هنگی "دادن اطلاعات به ونا مه های مختلف میخواهد یکوید که گویا مشکل رژیم نداشتن برنا مه برای راه اندازی مجتمع است و لذا میخواهد این مشکل را با کمک سایرین حل کند! اما واقعیت این است که در شرایط فعلی سیستم سرمایه داری وابسته ایران دچار بحران عمیق اقتصادی است و رژیم جمهوری اسلامی که وظیفه پاسداری از این سیستم گندیده را بر عهده گرفته است مذبح خانه میکوشد تا با اخراج و بیگار کردن کارگران، فقر و فلاکت توده های زحمتکش را افزایش داده و با شین آوردن سطح زندگی شان، بحران را موقتاً به نفع طبقه سرمایه دار حل نماید. بنا بر این هدف رژیم از شامی این حیل ه های رنگارنگ و عوام فریبیها اخراج کارگران است. این شیوه ای است که نظام پیرش در اغلب مراکز صنعتی نظیر ذوب آهن، مفاها نیز جریان دارد و تنها مبارزات متحدانه و یکپارچه طبقه کارگر میتواند مانع به سرانجام رسیدن این حیل ه های فداکاری رژیم گردد.

کارگران مبارز باید بدانند که مبارزه شان بر علیه اخراج تنها بدین جنبه محدود و پراکنده داشته باشد. گام نخست برای پیروزی کارگران در جلوگیری از اخراج تنها به آشکارا شوراهای واقعی شان و هما هنگی هر چه بیشتر با مبارزات سایر کارخانجات عملی است و برای حل بحران اقتصادی به نفع توده های زحمتکش تنها مبارزه در راه وسایل بسیم و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق، چاره ساز است!

اعتصاب غذای

زندانیان انقلابی در زاهدان

زندانیان سیاسی انقلابی زندان زاهدان برای اعتراض به شرایط طاقت فرسای زندان و تحقق خواسته های شان از روز ۶ اردیبهشت ۱۳۶۰ دست به اعتصاب غذا زده اند.

این اعتصاب غذا تا روز شنبه ۸/۲/۶۰ همچنان با مقاومت و دلالتی انقلابیون در بند ادامه داشته است!

افتخار بر پایداری فرزندان دلاور خلقهای ایران در زندانهای جمهوری اسلامی!

بقیه از صفحه ۱

تظاهرات کمونیستها در اول ماه مه

مینسک "اکثریتی" ها و حزب توده
خائن و باصلاح دفاع از حرکت های
"فائون" سوکران خود، چهره عوام -
فریبنا نه بخود گرفته و خود را مدافع
"آزادی" جلوه دهد! بسیج چند هزار
نفری رژیم، به سرای دره هم -

- شکستن مقاومت شرکت کنندگان در راهپیمایی
اول ماه مه نیروهای انقلابی، چیزی جز وحشت
رژیم از آگاهی هر چه بیشتر توده های میلیونی
نیست. رژیم جمهوری اسلامی از یک طرف به
سرکوب شدید و وسیع نیروهای انقلابی میپردازد
و از طرف دیگر به جیره خواران خود، تکه تکه
خنکی بنام آزادی، ارزانی میدارد.

در رابطه با سیاست فوق رژیم جمهوری
اسلامی به باری ایادی و اعمال مرتجع از قبیل
پاداران، گاردشهریانی، بسیج و فالانژها،
با ردیگر به تلاشی ضد مردمی در جهت جلوگیری از
راهپیمایی انقلابی اول ماه مه در تهران برخاست
رژیم که به گفته بسیاری از سردمداران، دشمن
اصلی خود را، کمونیستها، انقلابیون و توده های
آگاه میداند، و علاوه بر تهدیدات
فراوانی در مورد سرکوب مراسم و به اصطلاح
"برخورد قاطع" با آنان پرداخته بود، از ساعت
قبل از شروع مراسم اول ماه مه، به وسیله
مزدورانش پرداخته و بدون اینکه بتوانند حتی
اندکی از توده های مردم را بر علیه کمونیستها و
شرکت کنندگان در مراسم بسیج کند، با انسداد
وسایل سرکوب به جلوگیری از برگزاری جشن
اول ماه مه برخاست.

از ساعتی قبل از شروع مراسم، انبوهی از
کسانی که بدعت سازمان پیکار در راه آزادی
طبقه کارگر و سازمان چریک های فدائی خلق برای
شرکت در این جشن آمده بودند، در میدان جمهوری
خیابان جمهوری، نواب (از انقلاب تا آذربایجان)
و خیابانهای اطراف این محل تجمع نمودند. با
ساعت ۱۰/۵ میزان جمعیت به بیش از ۲۵ هزار نفر
رسیده بود. لیکن به دلیل تصرف خیابان نواب
و میدان جمهوری توسط مزدوران رژیم، جمعیت
گروه گروه، لیکن بطور سراسری در تمام منطقه

هجوم واقع شده با مخالفت ها و مقاومت -
های خویش به افشاکری وسیع ارتجاع
میپرداختند.

دسته های فالانژ به شرکت کنندگان
که در کنار پها ده رو ها ایستاده و با
نشسته بودند و حتی نه حمله برده و به ضرب
و شتم آنها می پرداختند. حملات فالانژها

و بسیجی ها به شرکت کنندگان
مراسم و حتی ساکنان خانه های اطراف که در
مقابل منازلشان اجتماع کرده بودند بسیار
وحشیانه بود. آنها ناگهان سرعه ای از مردم
ریخته و آنها را زیر باران شتم و لگد خود می -
گرفتند. دستگیری ها شدت ادا مه داشت بنحوی
که بهر کس شک میبردند که کمونیست یا ندیا برای
شرکت در راهپیمایی آمده با ندضمن ضرب و شتم
دستگیر کرده و با خود میبردند. آنها حتی از
دستگیر کردن عابری که به وحشیگری های

تجمع کرده بود و امکان تمرکز وسیع از قبیل
نداشت در ضمن قبلا خبر گرفته شده بود
که چندین اکیب سپاه پاداران و بسیج قراست
میدان جمهوری، تقاطع نواب آزادی و خوش -
آزادی را اشغال نمایند.

از حدود ساعت ۹ دسته های فالانژ و بسیج با
پشتیبانی فعال پاداران و سپاه ها مگهان
مسلح به حمله و سرکوب کمونیستها و دیگر شرکت -
کنندگان مراسم و حتی مردم عادی پرداخته و با
کابل و شتم و لگد سعی در پراکندن آنها از حوالی

میدان جمعه - سوری
داشتند. علاوه
رژیم برای ایجاد
رعب و هراس،
مذبوحانه به بازرسی
بدنی و دستگیری
وسیع شرکت -
کنندگان در مراسم
و بخصوص دختران
میپرداخت. دسته -
های فالانژ به همراه
دختران فالانژ
(خواهران زینب)
جلوی زنان را
گرفته و سر طبق



آنها اعتراض میکردند با شای ندا شدند. مثلاً
موقعی که فالانژها بجان یکی از کسانی که
در آن حوالی ایستاده بود افتاده بودند، دوتنفر
عابری اعتراض میکنند که چرا میزید؟ و فالانژها
دوره تان کرده و آنها را هم مورد هجوم خود قرار
میدهند.

عمال رژیم حتی از آمبولانسها نیز که ظاهراً
برای حمل زخمی های احتمالی آورده شده
بودند استفاده کرده و دستگیر شدگان را به داخل
آنها انداخته و با خود میبردند!

کلا برنا مه رژیم این بود که - با صرف میدان
جمهوری - با حملات دسته های متعدد فالانژ و
بسیجی، کتک زدنها و دستگیری ها و جستجوهای
بدنی و حتی هجوم و بدوی به کوئی به عابریین
و - ساکنان کامل منطقه بوسیله پاداران و
سپاه ها مکان مسلح، از یک طرف امکان برگزاری
مراسم را زمین ببرد و از طرف دیگر با ایجاد یک
جو خفقان و اختناق شدید، در محیط، امکان
هرگونه حرکت مشکلی را منتفی سازد و با لایحه

دستوری که به آنها داده شده بود به زور به بازرسی
کیف ها و لباس آنها میپرداختند. آنها در
موافقی هم که از خواهران زینب خبری نبود
از اینکه خودشان به جستجوی دختران میپرداختند
با شای ندا شدند. این جستجوها با ضرب و شتم و
فحش های رکیک همراه بود و مثلاً یکا رکه دوتنفر
از دختران را دستگیر کرده بودند که کمیته
بهیند در مقابل اعتراض مردم، جواب میدهند
که اینها دختران نمیری (رئیس
معدوم ساواک) هستند!

در ابتدا دختران و زنان
را در صورتیکه همراه خود نشویدند
اعلامیه ای داشتند دستگیری -
کردند ولی بتدریج اگر در داخل
کیف آنها جا درهم میبافتند
دستگیرشان میکردند و حتی در
حدود ساعت ۱۲ سیدیدون هیچ
بازرسی و مدرکی فقط صرف شک
و سو ظن دستگیر کرده و با خود
میبردند. در تمامی این موارد عناصر مورد



زنده باد سوسیالیسم!

اجازه استخدام مستشار برای ارتش

نگهبان کداز طرف ولایت فقیه سرروست
نوده ها حکومت میکند دریا سخی به تقاضای
وزارت دفاع، اجازه استخدام کارشناس خارجی
را "بطور موقت" صادر نموده است. ارتجاع همیشه
به میل خود قوانین - و در شرایط کنونی قانون
ارتجاعی حاکم را - تغییر می نماید.
ارتشی که دست پرورده امپریا لیسم آمریکا است،
برای ادامه حیات، حتما به کارشناس خارجی نیاز
دارد و اگر "ممنوعیت قانونی" در میان باشد میتواند
با اگرها و شاید با "بطور موقت" آنها از بین برد.
رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیتش نمی -
تواند بی نیاز از امپریا لیستها باشد هر چند
در باره "سپاه رزده" امپریا لیسم دولتی -
هیاهو دروغین برآه اندازد.

خیانت های رژیم جمهوری اسلامی را
هرچه گسترده تر افشا کنیم!

رؤی می که سرمایه داری وابسته را به تنگ، ارتش ارتجاعی و دیگر ارگانهای اداری-نظامی حفظ و مستحکم می سازد، نمیتواند بی نیاز از کارشناسان خارجی باشد. رژیم جمهوری اسلامی با استخدام مستشاران خارجی و وارد کردن انواع تجهیزات برای ارتش جمهوری اسلامی، وابستگی خود را به امپریالیسم جهانی فزونی می بخشد. هر چند در قانون اساسی ارتجاعی "خبرگان" برای فریب توده ها، استخدام کارشناس خارجی در ارتش ممنوع گردیده (اصل ۱۴۵) ولی شورای

در صورت هرگونه حرکتی، آنرا با کنترلی که
به وسیله عناصرمسلح بر منطقه اعمال کرده بود،
در منطقه خفه سازد.

در همین رابطه بود که با داران در ابتدای
اغلب خیابانهای فرعی که از تواب منشعب
میشدند گمارده شده بودند. به علاوه مزدوران رژیم
برای قدرت نمایی مرتباً دست به راهپیمایی
- هائی با تعداد حدود ۱۰۰۰ نفر میزدند. همچنین
از مدت‌ها قبل از ساعت ۱۰/۳۰ (شروع مراسم)
بلندگوشی که بر روی یک چلوکبابی در ضلع
شمال غربی میدان جمهوری (مقابل کمیته)
نصب شده بود مرتباً با صدای بلند به پخش
سرودها و برنامه‌های ارتجاعی میپرداخت.

در سایه یک چنین جو فغانی مردمی که از خانه‌هاشان بیرون آمد بودند و همچنین رنگدازان با مشاهده وحشیگری‌های مزدوران رژیم، امکان اعتراضی وسیعی را نداشته‌اند. غالباً سرکان دادن وقایع فاشی خشکیست و برخی مواقع با اعتراض به درنده‌خوئی‌های مرتجعین، کینه خود را نسبت به چنین اعمالی نشان می‌دادند. زنی با اشاره فالانژها می‌گفت: "امروز اینا فقط برای کتک زدن آمدن از چاشن خون مبارزه". و پیرزنی اعتراض می‌کرد: "همه‌ها اینجا نمی‌راکت‌نوی جبهه به کشتن دادن اینها را هم که می‌کش پس دیگه چکار می‌خوان بکنن".

در ساعت ۹/۳۰ نیز پلاکارها در پارچه‌ای بزرگی که به تعدادی با دنگ بسته شده بود از حدود خیابان‌های خوش - آذربایجان به آسمان فرستادند. که بروی آن با خط درشت نوشته شده بود: زنده باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران - زنده باد کمونیسم (ما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) - این پلاکار در مورد توجه مردم قرار گرفته بود.

اما با وجود تمام این وحشیگری ها و دردتد
- خوشی های ارتجاع، کمونیستها نشان دادند
که با اعتقاد به روزاول ماه مهر و جشن جهانی
کارگران، باز هم مراسم خود را میتوان برگزار
کنند. در همین رابطه بود که از ساعت ۱۱ صبح
بخشی از جمعیت از خیابان اسکندری به سمت
پاشین دست پدها هیما می زدند و با شعار "اتحاد
مبارزه، پیروزی" حرکت خود را آغاز کردند. اما
در خیابان آذربایجان مورد حمله عمال رژیم
مبارک گرفته و با این وجود، حرکت خود را تا نواب
سینا ادامه دادند. در جلوطا هر کنندگان
پلاکار دهنی و با رنگ سرخ قرارداد اشت و طاهر-
کنندگان تا آخر مسیر مورد هجوم مسلحانه عوامل
رژیم قرار داشتند.

همچنین از چهار راه انکسار هیپما می دیگری
آغاز می شود که تا میدان قزوین ادامه پیدا
می کند. در این راه هیپما می بیش از هزار نفر
با پلاکا و درشکرت داشتند. این عده با شعارهای
"نه باغی، نه تسلیم، نه دباغ خلق، نه دباغ"

تجاع
فتن
ان
کی
دام
وب
و!!



اترش جمهوری اسلامی ایران

بِسْمِ اللَّهِ

صدا: ۱۳۸۹

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۴

پہلو سے نکال دے

شیرای رنگ‌ها

وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران

[illegible]

موضوع شیانی در تصویر: نگهبان صلح و نظرش بر اشرار و زهر اعلام میگردد :

* پتارگرفتن کارشناسان خارجي. واستفاده از تخصص آنان بطور موثرت در دانشش.

حضرت آیت الله که در اصل ۱۴۵ قانون اساسی ممنوع شده محسوب نمی گردد . —

طبیعی است طبق اصل ۸۲ قانون مزبور استخدام کارشناسان خارجی در موارد

ضرورت؛ انجمن مجلس شهرای اسلام امکان پذیر است. بزر

و بهر عمر ای نگهبان لطف اله صاف

دستگیر میشوند .
بعد از این راهپیمایی چند هزار نفر دیگر از
شرکت کنندگان در مراسم از میدان جمهوری
آمده بودند به میدان قزوین میرسانده به علت
استقرار وسیع پاسداران در میدان، موفق به
برگزاری راهپیمایی نشدند .

این راه‌پیمایی در سطح وسیعی از شهر انعکاس یافت مدای شلیک تیروگاز اشک‌آور توده‌های بسیاری راه‌پیمایان کشتید. در همه جا تظاهرات کنندگان با استقبال مردم روبه‌رو میشدند. درهای خانه‌ها بروی تظاهرات کنندگان گشوده میشد و مردم برای تظاهرات کنندگان آب آورده و آنها را در خانه‌های خود می‌آوردند. بارها متا هده شکمه مردم در مقابل عمل مسلح رژیم تظاهرات کنندگان پشتیبانی کردند و دشمنان وفرت خود را از باران و عمل رژیم بشنا میداشتند. رژیم در این روزیکبار دیگر ما هیت خود را اشک را نشان داد و بونی خود را در مقابل رشادگی ما توده‌ها بنمای گذاشت.

آمریکا"، "کاگران"، زحمتکشان، اتحاد، علیه سرمایه‌دار، علیه امپریالیسم"، "اتحاد، مبارزه پیروزی"، "اتحاد، اتحاد، علیه سرمایه‌دار" و "کاگر قهرمان، رهبر زحمتکشان، درود خلق ایران بر تو باد". به میدان قزوین رسیده و در آنجا جمعیت حاضر در میدان به آنها پیوسته و تظاهرات علیه غم‌شلیک پیاپی گلوله و گاز - اشک‌آور در میدان قزوین توسط عامل رژیم با حدود ۲۵۰۰ شرکت‌کننده حرکت خود را تا تقاطع مخصوص - قزوین ادامه داده در این جا بار دیگر مزدوران رژیم مستقیماً بسوی تظاهرات‌کنندگان شلیک کردند که حداقل ۲ نفر با گلوله زخمی شدند. یک شاخه از تظاهرات به خیابان مخصوص کشیده شد و تظاهرات‌کنندگان در حین پخش اعلامیه شعار دادند تا نابیش رفتند.

در این راهپیمایی که با سرکوب وحشیانه ارتجاع روبرو شده بود حداقل ۳ نفر از راهپیمایان با شلیک گلوله زخمی شده و دهها نفر مجروح و مدوم میگردند. علاوه بر عده زیادی

اخبار مبارزات توده‌ها



سرکوب و دستگیری زحمتکشان گرمدره

یورش وحشیانه پاداران مسلح رژیم ضد-
خلفی جمهوری اسلامی به زحمتکشان گرمدره و
خراب کردن حدود ۶۰۰ خانه که از دسترنج زحمت-
کشان ساخته شده بود، یکبار دیگر چهره فدخلقی
رژیم جمهوری اسلامی را برای توده‌ها افشا کرد و
نشان داد که رژیم نه میخواد و نه میتواند کاری
غیر از سرکوب و کشتار و دستگیری زحمتکشان
انجام دهد. رژیم فدخلقی پس از خراب کردن خانه
ها و آلودن آنها هنگامیکه با مقاومت اهالی
گرمدره روبرو میشد با پرتاب گاز اشک‌آور
و شلیک گلوله چندین تن از زحمتکشان را زخمی
میکند. اهالی گرمدره با شعارهای چون: "تا
خون در رگ ماست، اینجا خانه ماست" و "دولت
سرما به دار خانه خراب میکند" و "دست به
مقاومت زده و با بستن جاده گرج، این جنا بیست
مزدوران مسلح رژیم را نزد توده‌ها افشایم بایند.
مزدوران به این جنایت اکتفا نکرده و در
حدوده ۲۰۰ تن از اهالی را دستگیر کرده و با خود
میرند. در روز ۶۰/۱/۲۹، در حدود ۲۵۰ نفر از
اهالی گرمدره جهت آزادی زندانیان خود که در
محل سپاه عظیمه کرج بودند، به طرف آنجا حرکت
میکند. مزدوران سپاه با افترا و عواغری بی-
سعی میکنند هدف متحد و یکپارچه اهالی را بهم
برند اما با اتحاد و یکپارچگی و هوشیاری اهالی
زحمتکش راه به جایی نمیبرند.

با اواخر بهارستان چند مزدور خود (دختر و
پسر) بداخل مفا اهالی، عده‌ای از آنان را با
خود بدرون ساختمان برده و عده‌ای را نیز همانجا
دستگیر می‌زنند.
اما مبارزه و مقاومت اهالی گرمدره هم-
چنان ادامه دارد.

تنگ و نفرت پر رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی!

دستگیری رفقای فروشنده 'پیکار' در زنجان

هواداران سازمان در زنجان طی اعلامیه‌ای
به افشاء سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی در
رابطه با دستگیری وسیع انقلابیون و کمونیست‌ها
پرداخته‌اند. در قسمتی از این اعلامیه آمده است:
"..... بدنبال فعالیت انقلابی هواداران
نیروهای انقلابی و کمونیست و افشاگری‌های
آنان، ارتجاع حاکم هراسناک از رشد آگاهی
توده‌ها، به شیوه‌های مختلف متوسل میشود.

اعتراض زحمتکشان حلبی آباد و وعده‌های سرخرمن رژیم جمهوری اسلامی

فرا دمیکند "آ حق مسلم ماست"، "ما حقان
را می‌خواهیم نه چیز دیگر". در این موقع-
مستولین اداره‌سی شرمانه زن را به "تفهم
بودن" متهم میکنند و به آنها میگویند "شما که
ادعای حقان را میکنید اسلام را خراب کرده‌اید".
مسئله اعتراض زن در اداره، به گوش سردمداران
رژیم میرسد و آنها که همیشه از اعتراض توده‌ها
وحشت زیادی دارند، در همان شب، یکی از به-
اصطلاح نمایندگان مردم شیراز در مجلس را با
پاداران مسلسل بدست به مسجد محل میفرستند
تا سخنرانی کند. اما با زهم‌فریبی‌های همیشگی
که "میرداشته‌اید، وائل انقلاب است، جنگ
است، اعتراض نکنید، به حرف‌های خدا نقیصه
(بخوان نیروهای انقلابی و کمونیست) گوش
ندهید... بگیرید و تحویلشان دهید، نگذارید
اعلامیه پخش کنند" و از این حرف‌ها (حتی یکی از
زنان محله عنوان میکرد که ما همین آب و
برق هم که داریم از صدقه سر کمونیست‌ها
داریم).

کارگران و زحمتکشان حلبی آباد!
ما در زندگی دوا له گذشته خویش بخوبی
بقیه در صفحه ۱۰

...همانطور که میدانیم در رژیم شاه خاش-
بخشی از کارگران و زحمتکشان ما از اغتشاش-
بوده و از آب و حما موبه‌داشت و مسکن مناسب و
سایر حقوق اولیه خویش محروم بوده‌اند. در رژیم
جمهوری اسلامی نیز اینها را غنشین هستند...
هر بار که کارگران و زحمتکشان در دفاع از حق
خود اعتراض کرده‌اند، رژیم سعی کرده که صدایشان
را در گلو خفه کرده و با حد اقل فربشان دهد...
این با ریزش نوبت به زحمتکشان حلبی آباد
رسیده است:

عده‌ای از اهالی زحمتکش (حلبی آباد) که
از مسئله بی‌آبی رنج می‌برند، از لوله‌شهرداری
به خانه‌های خود لوله‌کشی میکنند. بدنبال این
عمل ما موران اداره آب به آنجا آمده و لوله
اصلی را می‌شکنند و بی توجه به اعتراضات
مردم بازمیگردند. در پی این عمل بی‌شرمانه
ما موران اهالی جمع میشوند و به اداره آب رفته
و شکایت میکنند ولی به آنها وعده سرخرمن-
میدهند. روز دیگر برای بار دوم (به تاریخ
۶۰/۱/۱۹) به اداره آب رفته و دوباره همان آتش و
همان کاسه زحمتکشان اعتراض کرده و مسئولین
هم‌اعتنائی نمی‌کنند. یکی از زنان زحمتکش

رژیم یکی از انقلابیون کرد را در بندر عباس اعدام کرد

بود که قبلاً شش ماه در زندانهای رژیم در سنندج
اسیر بوده و رژیم بطرأ را نشاء کمونیسم، وی را
از شغل معلمی اخراج کرده بود و با لاف در روز
امسال خون پاکش را بر زمین ریخت و بر جنايات
خود علیه زحمتکشان و خلق کرد افزود. ارتجاع
حاکم بارها و بارها نشان داده است که از آگاهی
توده‌ها وحشت دارد، چرا که مرگ خود را در آگاهی
توده‌ها می‌بیند و از بنیاد رژیم ضد مردمی
اسلامی کمونیست‌ها و انقلابیون را اعدام میکنند...
با تلخیص نقل از پیکار خلیج (۱) - نشریه
هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه
کارگر - بندر عباس

خبر کوتاه بود. ساعت ۱۲ روز دوشنبه ۱۶/۱۰
را دیوار ارتجاعی رژیم در بندر عباس خبرتربازان
سيف الله فیض الله بیگی را اعلام کرد و با بیشرمی
تمام آنها مواهی "فروش مواد مخدر" را نیز به وی
نسبت داد. صداهای کمونیست در زیر طبقه‌ای
با مزدوران سرمایه‌داری جان خود را از دست
داده‌اند و ارتجاع که میدانند شهادت کمونیست‌ها
نشانه‌دهنده خفایت راه آنهادر پیشگاه توده‌هاست
مذبوحانه اعلام میداد که سيف الله فیض الله
بیگی فروشنده مواد مخدر بود. زهی بیشرمی!
سيف الله فیض الله بیگی هوادار سازمان
انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومله

به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتابیم

شهادت چند تن از مجاهدین در یورش پاسداران



سمیه (پری) نقره خواجا فاطمه (روبا) ارجمی



ودود پیراهنی



در یورش او با شان ارتجاع به نیروهای انقلابی در قائم شهر که با همراهی و حمایت پاسداران جهل و سرما به صورت گرفتار، دو مجاهد سمیه نقره خواجا ۲۲ ساله و فاطمه ارجمی ۱۶ ساله را شترپانازی پاسداران ارتجاع بشهادت رسانید و عسده زیادی زخمی شدند.

انقلابیون ما در ادامه راه شهیدان بسته اند، بخون کشیده شدن را هیمنه ای شکوهمند ما دران هواداران زمان مجاهدین خلق در تهران کسبه منجر به شهادت دو مجاهد خلیل اجاقی قلسی زاده و ودود پیراهنی و زخمی شدن تعداد زیادی گردید، تنها نمایانگر وحشگری ارتجاع حاکم میباشد.

هواداران مجاهدین در اعتراض به جنایات اخیر پاسداران تظاهرات مشابهی در کرج، آمل، زنجان، شهرکرد، اراک، نهاوند و... برگزار کردند که با یورش وحشیانه پاسداران و فلولهای رژیم مواج گردیدند.

ولی علیرغم مبارزات سرکوبگرانه رژیم مبارزات انقلابی توده ها اوج بیشتری میگردد. یاد شهیدان مجاهد و دیگر شهیدان راه آزادی و استقلال را گرامی میداریم!

رژیم جمهوری اسلامی که از گسترش و جگریده توده های خلق وحشت مرگ گرفته است، سر اسیمه و از روی درماندگی به وحشیانه ترین صورتی به نیروهای دمکرات، انقلابی و کمونیست حمله کرده و گمان میکند که با گشتار توده های انقلابی خواهد توانست جنبش انقلابی توده ها را سرک کرده و سرنوش محتوم خود را تغییر دهد.

خون سرخ انقلابیون دمکرات و کمونیست تپلورا رانده استوار خلقهای ایران در پیدوش کشیدن سرفرازان به پرچم سرخ انقلاب است. مبارزات تعریفی و گسترده مردم مبارز و زحمتکش در شهرکرد، بابل، اصفهان، قزوین، تهران و... که با نگرانی چشمگیر در اعتراض به جنایات اخیر ارتجاع با فربا دختم خود کوچه ها و خیابانها را بلرزه درآوردند، بیانگر میثاقی است که

بدین منظور ابتدا کودکان ناآگاه را کشته مستقیماً از طرف سپاه هدايت ميشوند، جهت برهم زدن بساطها و پاره نمودن نثریات، بسیج می کنند. چرا که دخالت مستقیم پاسداران سرمایه با اعتراض و عکس العمل توده ها مواجه خواهد شد دادستان کل "انقلاب" اطلاعیه میدهد و دادستان زنجان نیز طی اطلاعیه ای برای فروشندگان نثریات انقلابی خط و نشان میکند. ماهیچکدام از شیوه ها راه به جایی نمیرسد. سرانجام سپاه پاسداران زنجان خود مستقیماً وارد عمل شده و در تاریخ ۶۰/۱/۲۵، هنگام فروش نثریه، با مینی بوس از راه رسیده و حدود ۸ نفر را که شامل فروشندگان "پیکار" و نیز افرادی که در اطراف بساط بودند، دستگیر نموده و به شیوه ساواک به سرعت آنها را با خود میبرد. ما ضمن محکوم کردن دستگیری فروشندگان "پیکار" و نیز افراد که در این رابطه دستگیر شده اند، خواهان آزادی هر چه زودتر دستگیر شدگان بوده و در این راه از کلیه مردم مبارز زنجان نیز میخواهیم که تا مدای اعتراض خود را علیه دستگیری فرزندان انقلابی خود بلند کرده و توطئه های رژیم جمهوری اسلامی را برملا سازند.

بقیه از صفحه ۹ اعتراض...

در پیافته ایم که ما همشکایت و التماس بدرگاه رژیم و سازمانها و اداره های بجای نرسیده و گاهی از کارمانی گشاید و این با نیز دیدیم که تنها با اعتراض و اتحاد خود ما بود که توانستیم آنها را در اداره آب و بحشت انداخته و سپس این خود ما بودیم که اقدام به گرفتن حق خود (کشیدن و استعاده مجدد لوله های آب) نمودیم و در این بین چند چیز را نیز یادگرفتیم:

اول اینکه این رژیم به هیچ وجه قادر به پاسخ دادن به حقوق اولیه ما نبوده و تنها خود ما هستیم که میتوانیم حق خویش را بگیریم و نا مه نویسی و چانه زدن به جایی نخواهند رسید.

دوم اینکه برای اعتراض و گرفتن حق خویش با یستی دسته جمعی و متحدان عمل کرده و هر چه بیشتر همه هم محلی ها و کلیه مردم محروم را همراه خود نموده و به مقابله و کسب حقوق خویش بکشانیم.

سوم اینکه این رژیم علاوه بر سرکوب و زحمتکشان و انقلابیون مخصوصاً در موقع درماندگی خویش، اقدام به صحبت و سخنرانی و فریب دادن (تظلم سخنرانی نماینده مجلس در محل) نیز میکند و این دو (سرکوب و فریب) در واقع دوروی یک سکه اند.

بهوش باشیم و فریب دروغهای سردمداران رژیم حافظ سرمایه داران و مفتخوران را نخوریم. بتوانیم با فربادهای اعتراض کارگران و زحمتکشان برقرار با جمهوری دمکراتیک خلقی با اندکی تلخی بنقل از اعلامیه: هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر-دباغی

۶۰/۱/۲۴

عوام فریبی های سازمان سیاسی - ایدئولوژیک ارتش را هر چه بیشتر افشا کنیم!

۳ خانه معمولی دار دولتی خدانقلاب! بنا به کرده است که بهشتی در اصفهان یک کاخ دارد و... "جناب حجت الاسلام! پرسنل آگاه ارتش و توده های زحمتکش بخوبی فهمیده اند که آبست، الله بهشتی فقط بعنوان حقوق یکی از مشاغل چندگانه اش در دادگستری، ماهانه ۲۵ هزار تومان از بیت المال "مستضعفین" را به جیب گشاده خود می ریزد و ما هیت سرمایه دارانه ایشان و حزبان دیگر برای اکثریت توده های مردم روشن شده است...

اعلامیه پس در افشای عوام فریبی های وی در مورد زندان سیاسی با این جملات به پایان میرسد: "ولی اینرا حداقل پرسنل پادگان ارتش سوم هر روز چشم خود می بیند و می شنود که فرزندان انقلابی خلق چطورا اعتراض خود را به شکنجه در رژیم سرمایه داری و ارتجاعی جمهوری اسلامی با شعارها و سرودهای انقلابی نشان می دهند و پرچم مبارزه را در زندانهای قرون وسطایی رژیم برافراشته نگاه میدارند و دیروز نیست آن زمان که توده ها با رهبری طبقه کارگر این رژیم ارتجاعی را نیز به زباله دان تاریخ افکند.

پرسنل نظامی هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - شیراز، اخبار اعلامیه ای انتشار داده اند که در آن به افشای سخنرانی فریبکارانه حجت الاسلام بهشتی حاکم شرع و رئیس به اصطلاح دادگاه انقلاب - که از طرف سازمان سیاسی - ایدئولوژیک ارتش دریادگان ارتش سوم در شیراز ترتیب داده شده بود پرداخته اند، در قسمتی از اعلامیه چنین میخوانیم: "حجت - الاسلام بهشتی پس در مقامی به وضع سربازان در دورژیم، به گماشتگی اثار کرده و گفت: "در رژیم گذشته از سربازان در منزل افسران، بعنوان گماشته استفاده میکردند و ولی اکنون این وضع وجود ندارد و ولی اگر سربازی از روی علاقه برای فرمانده اش خریدی بکنند و ما شین او را بشوید هیچ مسئله مهمی نیست!" سربازان میدانند که هم اکنون نیز در رژیم جمهوری اسلامی به طرق مختلف آنها را به بیگاری برای فرماندهان و می دارند و یا در جبهه ها آنها را گوشت دم توب سرمایه داران میکنند، جناب حجت الاسلام که در ضمن نیابت امامت جمعه اصفهان را نیز به عهده دارد گفت: "آیت الله بهشتی در اصفهان و تهران

دستاوردهای دومین کنگره سازمانی کومله را گرامی بداریم!

خبرنامه کومله، شماره ۱۲۰، خبرگزاری
موفقیت آمیز دومین کنگره این سازمان را اعلام
نموده است.

بنا بر خبر اعلام شده، رفقای کومله در این
کنگره به ارزیابی تحلیلی و انتقادی از "پیش
- های انحرافی گذشته" خود جنبش کمونیستی
پرداخته اند. همچنین این کنگره خطوط کلی
برنامه سازمان و دیگر مواضع آنها را تصویب
و بصورت قطعیانه ماهی فرمولبندی و تنظیم
کرده است. علاوه بر این، کنگره ضمن انتخاب
"هیئت مرکزی" کومله، انتشار یک ارگسان
مرکزی را تصویب کرده و بر ضرورت آن در "امر
ترویج، تبلیغ و سازماندهی و در امر مبارزه
ایدئولوژیک و وحدت ایدئولوژیک" تاکید کرده
است.

نقش برگزاری این کنگره، رهبری مسائل
مورد بحث در آن و همچنین نتایج نهایی این
کنگره، که بطور مختصر در این اطلاعیه مورد اشاره
قرار گرفته است، نشان میدهد که رفقای کومله
کامیابی را در جهت زدودن انحرافات گذشته
خویش برداشته اند. این موضوع که رفقای
کومله پس از دو سال برکناری از جریان فعال
مبارزه ایدئولوژیک درون جنبش کارگری و
کمونیستی، به تلاشهای درخور ستایشی در این
زمینه دست زده اند، خود از اهمیت فراوان بر -
خودداراست و از این لحاظ جنبش کمونیستی
نمی تواند ادعای خود را ابراز ندارد. همچنین
این موضوع که رفقای کومله از دایره تنگ و
محدود جنبش انقلابی کردستان و مسائل مربوط
به آن بیرون آمده و در فضای گسترده جنبش
سراسری ایران و مسائل پیش روی آن گام
نهادند، بخودی خود موفقیت بزرگ و حرکت
شادی آفرینی است.

علاوه بر این تاکید بر ضرورت یک نشریه
سراسری، گام ارزنده ای است در جهت ارتقاء و
تکامل مبارزه ایدئولوژیک درون جنبش
کمونیستی و تأمین شرایط ذهنی وحدت صفوف
آن. رفقای کومله، خود بدستی در کنگره دوم
خود بر اهمیت "ایجاد حزب طبقه کارگر" و مبارزه
ایدئولوژیک برای تحقق آن، تاکید کرده اند و
اشاره نموده اند که نشریه خود را در خدمت این
امر قرار خواهند داد. ما این حرکت و درک نوین
رفقای کومله را، دستاورد مهمی میدانیم که
میتواند نقش ارزنده ای در تأمین شرایط ذهنی
وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب طبقه کارگر

سالروز تولد کارل مارکس آموزگار کبیر پرولتاریا و رهگشای سر سیالکس و کمونیسم

آلمان چشم به جهان گشود پس از ۶۷ سال زندگی
که ستم محکومیت دنیای سرمایه داری را اعلام
داشته و جهانی نوین در پیش پای کارگران به
زنجیر کشیده ترسیم کرد، در شهر لندن دیده از جهان
فرو بست.

اگر با وجود گذشت یک قرن از درگذشت مارکس
سرمایه داران و غارتگران جهان نخواهند همچنان
در تبلیغات پرده خود بر نام کارل مارکس و
زندگی و آثارش می تازند، بخاطر جادوی بودن
آنها و بخاطر راهی است که مبارزه و آثار مارکس
در پیش پای پرولتاریای جهانی گشوده است
مارکس انقلابی بزرگ و آموزگار کبیر طبقه
کارگر بود. او به طبقه کارگر نشان داد که چگونه
میتوان با توسل به انقلاب قهرآمیز پرولتاریائی
سرمایه داری را نابود ساخت و سوسیالیسم را
برقرار نمود. مارکس ما را کسیر بنیان نهاد
و بدین طریق در پیچ و خم روشنائی بخش کمونیسم را
بروی کارگران و همه به زنجیر کشیدگان جهان
گشود.

کارل مارکس در قلب کارگران جهان زنده است!
برافراشته تر بپرچم شکست ناپذیر ما کمونیسم!



۵ مه، سال ۱۸۱۸، اردیبهشت ۱۲۵۰ و
سومین سالگرد تولد آموزگار بزرگ کارگران
جهان و بنیانگذار سوسیالیسم علمی کارل مارکس
میباشد. مارکس در سال ۱۸۸۳ در شهر "تربس" -

خطاب به رفقای خارج از کشور

رفقا! یادآوردهای کمونیستی
اهمیت آکسیونهای دفاعی بویژه از
زندانیان انقلابی مسالهای نیست که از دید
شما پنهان باشد. هم اکنون مبارزه کمونیستها و
دیگر انقلابیون در زندانهای رژیم جمهوری
اسلامی ایجاد گسترده و حمله انگیزی بخود
گرفته است و مقاومت قهرمانان این فرزند ان
دلبر خلق در برابر شکنجه ها و فشارهای جسمی و روحی
که در زندانهای رژیم بکار میبرد بسیار افتخار آمیز است.
رفقا! بر شماست که در فضای هر چه بیشتر
جنايات رژیم جمهوری اسلامی و دریدن ماسک
"انقلابی" و "فدا میریالیستی" و یگوئید و بیا
بر انگیزتن فریاد اعتراض نیروهای انقلابی
و مترقی در سطح جهان علیه این جنایتها،
مقاومت قهرمانان زندانها را با سیاهی
کمونیست و انقلابی را توان بیشتر بخشید.
انتخاب شیوه ها با خود شماست. برای افشاکری
از مطالبی که در پیکار (و نیز دیگر نشریات
کمونیستی و انقلابی) آمده میتوانید مدد بگیرید.
پیروزی باشد.

بمطابق وظیفه اصلی جنبش کمونیستی در شرایط
حاضر، ایفا نماید.

دستاوردهای کنگره دوم کومله، بویژه از آن
جهت حائز اهمیت است که در شرایط تهاجمات
وسیع رویزیونیسم بر جنبش کمونیستی میتواند
نقش مهمی در قوام بخشیدن به ما رکیسم - لنینیسم
در برابر این تهاجمات و تثبیت دستاوردهای
آن ایفا نماید.

ما ضمن ارج نهادن به دستاوردهای این
کنگره و آرزوی موفقیت برای رفقای کومله
به منظور تحقق بخشیدن به وظایفی که کنگره دوم
در پیش روی آنها نهاده است، ضمن اعلام این
مطلب که این موفقیت را دستاوردی برای کل
جنبش کمونیستی ایران میدانیم، بر خود
دقیقت بر این دستاوردها و مضامین آن را به بعد
از انتشار قطعنامه های کنگره دوم رفقای
کومله موقوف می نمائیم.

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر بداریم!
پیش سوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

زنده باد کمونیسم!

زن در جمهوری اسلامی و سوسیالیسم

نگاهی به لایحه قصاص، پیشنهادی شورای عالی قضائی

نا بودی تما یزات اقتصادی بین زن و مرد است که آزادی و برابری حقیقی را برای زن — ارمغان میآورد. و این مهم هرگز و هرگز بدون شرکت فعالانه زنان زحمتکش در انقلاب امکان — پذیر نیست. لنین میگوید:

"ما میگوئیم آزادی کارگران با پدیده خودآنان تحقق پذیرد، بهمان ترتیب آزادی زنان زحمتکش نیز با پدیدت زنان زحمتکش انجام پذیرد". (لنین) — وظایف جنبش زنان زحمتکش در جمهوری شوروی

این بودگیدهای از علت اسارت زن و راه رهایی از آن در بینش ما رگبستی. بنا بر این می بینیم که ما کارگران و زنان زحمتکش میگوئیم طبیعی است که رژیم جمهوری اسلامی قوانین مزاجانه و وحشیانه ای — که نمونه هائی از آن ذکر شد — وضع نماید و با "غیرمنتظره نیست که آشکارا زن را "نیمه انسان" محسوب کند. وقتی که بورژوازی علیرغم پیشرفت عظیم تاریخی اش نسبت به دوران بزه داری و فئودالیسم بدلیل ماهیت طبقاتی اش قادر نیست حتی تساوی زن و مرد را در قانون بورژوازی اش عملی کند، از قوانینی که محصول دوران برده داری و فئودالیسم هست بیش از این انتظار نیست و نباید باشد. ما کمونیستها با پذیریم که کمرا که میکوشد قوانین اعمال گذشته را از دل گورستان تاریخ بیرون بکشد و بر خلقتی که ما تحمیل کند، شدیداً افشا نماید و علت اسارت زن را از دیدگاه ما رگبست لنینیسم به آنها بگوئیم. با پدیدت آنها نشان بدهیم که فقط و فقط در جامعه سوسیالیستی است که زن میتواند آزادی واقعی و عملی کاملاً بردارد. با پدیدت آنها بیا موزیم که "زادی واقعی زنان" (کمونیسم واقعی) تنها موقعی به تحقق خواهد پیوست که مبارزه توده ای وسیعی (بهره بری پرولتاریا که بقدرت رسیده است) علیه "اقتصاد کوچک خانگی به حرکت درآید، بیا بهتر بگوئیم تنها با تبدیل اقتصاد کوچک خانگی به اقتصاد عظیم سوسیالیستی این آزادی قابل وصول خواهد بود. (لنین) — "ابتکار رزورگ" (همچنین ماکونیستها با بدین امر حیاتی را بخوبی درک کنیم که "پرولتاریا نمیتواند بدون آزادی کامل زنان، به آزادی کامل دست یابد" (لنین) — "به زنان کارگر" پس بگوئیم که زنان زحمتکش کارگر و دهقان کشورمان را آگاه و متشکل کنیم و با سازماندهی آنها و نشر ایده های انقلابی ما رگبست لنینیسم در میان آنها پیروزی پرولتاریا را تا بین و تضمین کنیم.

"پایان"

وجود داشته و امروز در جامعه سرمایه داری نیز با کمی رنگ و لعاب پیروزی آن وجود دارد. بدین — ترتیب زنان بطور کلی تحت ستم مردان قرار دارند و زنان زحمتکش تحت ستم دوگانه میباشند. آنها از یک طرف توسط طبقات استثمارگر مورد استثمار واقع میشوند و از طرف دیگر بوسیله مردان خود به استثمار رگشیده میشوند. بطوریکه بقول انگلس:

"مرد، در خانه بورژوازی است و زن پرولتاریا است."

آری، تا زمانی که برده داران، فئودالها و بورژواها در رأس کارند و قدرت را بدست دارند آزادی و تساوی زن و مرد حتی در مقابل قانون نیز صورت تحقق بخود نخواهد گرفت. تنها آنجائی که خبری از مالک، سرمایه دار و نازنا جرنبا شد، جایگاه حکومت زحمتکشان زندگی نوینی بدون وجود استثمارگران بنا میکنند. آنجا در مقابل قانون بین زنان و مردان تساوی برقرار میآید. اما این کافی نیست. بین تساوی قانونی و تساوی اجتماعی فرسنگها فاصله است. (لنین) — "به زنان کارگر" — تاکیدا (زما ست) آری، وقتی که زحمتکشان به رهبری طبقه کارگر قدرت را در دست بگیرند، میتواندند قانونی تدوین کنند که طبق آن زن و مرد از حقوقی کاملاً مساوی برخوردار باشند (همانطور که در قانون اساسی شوروی در زمان لنین و استالین صورت گرفت). "اما این کافی نیست" زیرا تا زمانی که تفوق اقتصادی مرد بر زن وجود دارد، برابری زن و مرد در عمل غیرممکن است. در برتر چینی شرايطی و تنها شرکت فعالانه زن در تولید و

در یک دوره از جامعه اشتراکی اولیه، زن به عنوان کنترل کننده تولید و مبتا به عنصری که فرزندان، بنام او خوانده میشوند و... نسبت به مردان قدرت بیشتری برخوردار بود، بدون آنکه این قدرت بیشتر منجر به استثمار مرد توسط زن شود و با سادار جامعه اشتراکی اولیه استثمار در میان نبود. با رشد نیروهای تولید و فروپاشی نظام اشتراکی اولیه و سربرون آوردن جوانه های نظام برده داری از دل آن، مرد بواسطه نقش مهمتری که در تولید بدست آورد اهمیت و قدرت افزونتری نسبت به زن برخوردار گردید و بتدریج توانست نه تنها "حق مادری" زن را را فلوکند و او را با توجه به عقب پدیری تقسیم کند، بلکه حتی توانست زن را کاملاً بزرسلطه خود بکشد. هنگامیکه نظام برده داری مستقر شد، زن که روزگاری قدرت فراوانی را دارا بود، به مهره ای در دست مرد و به شیئی ای بی ارزش تنزل یافت. انگلس در خصوص تقارن آغاز تبیین بین زن و مرد و شروع ستم طبقاتی در کتاب ارزشمند "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت" بطور مینویسد:

"اولین تناقض طبقاتی که در تاریخ وجود میآید مقارن با تکامل تناقض بین مرد و زن در ازدواج تک همسری است و اولین ستم طبقاتی مقارن است با ستم جنس مذکر بر مؤنث."

آری، حذف زن از پروسه تولید اقتصادی، حذف او از زمینه های مختلف اجتماعی بدنبال داشت. وابستگی اقتصادی او به مرد دیگر جانش را برای اظهار وجود زن در پهنه سیاسی — اجتماعی باقی نگذاشت. نابودی برده داری و استقرار نظام فئودالی توانست (و نمیتوانست) تغییر در ماهیت استثمار مرد از زن بدهد. فقط شکل این استثمار به مقدار بسیار کمی تغییر یافت. اما با زهم زنان اسیر مردان و مبتا به عنصری است اجتماع بشری باقی ماندند و با زهم مردان مقام بربرستی و قیمومت خود را نسبت به زنان حفظ کردند. با اضمحلال نظام فئودالی و ظهور سرمایه داری، تبلیغات و شعارهای فریبکارانه زیبادی از طرف بورژوازی در خصوص آزادی زن و تساوی حقوق آن با مرد شروع شد، تبلیغات و شعارهایی که هنوز هم تداوم خود را حفظ کرده است اما واقعیت چیز دیگری بود و جز این نمیتوانست باشد. واقعیت این بود که جامعه سرمایه داری هرگز نمیخواست و نمیتوانست به زن آزادی بدهد بورژوازی نه تنها نمیتوانست به زن آزادی واقعی بدهد، بلکه حتی از وضع قانونی که در آن حقوق زن و مرد مساوی باشد نیز بدلیل ماهیت استثمارگرانه خود ناتوان بود. لنین میگوید: "جایگاه مالکین، سرمایه داران و تجار وجود دارند، تساوی بین زن و مرد، حتی در مقابل قانون نیز نمیتواند وجود داشته باشد. (لنین) — به زنان کارگر

ستم مرد بر زن محصول تفوق اقتصادی مرد بر زن و وابستگی اقتصادی زن نسبت به مرد میباشد و این ستم در جامعه برده داری و فئودالیسم

بقیه از صفحه ۲۳ مقصود...

حیرت و امید است.

آخرین نمونه این در بوزگی را که بدجوری "خطی" برای حزب توده بپارژ و در موضوع بیانیه وزارت خارجه علیه حبیب شلی بود. اینکه حبیب — شلی نماینده کشورهای ارتجاعی کنفرانس اسلامی است و وزارت خارجه ایران هم چندان دست کمی از آنها ندارد و مورد بحث نیست صحبت بر سر "انجام وظیفه" حزب توده است که سر به در "مردم" ۲۲ نیرو دین به تحسین این بیانیه وزارت خارجه ایران پرداخت. حالا خود وزارت خارجه به "غلط کردم" افتاده اما حزب توده البته "غلط" نکرده است مگر نه این است که گفته اند: "المأ مور معذور؟! در واقع برای حزب توده "رضای مسکو" مطرح است و بقول شالو غرم مقصود توشی کعبه و بتخانه نه پناه!

دمکراتیسم پیگیر

"دمکراتیسم پیگیر" آنجا که در میان دمکراتیسمی است که تمامی خواهان (حاکمیت مردم) باشد. کدام طبقه چنین میخواهد؟

برای درک این مسئله مهم، می باید به مناسبات میان استثمارشوندگان و استثمارکنندگان بازگردیم. تا زمانی که مناسبات بهره‌کشی موجود است، سخن گفتن از حاکمیت مردم، چیزی جز فریب و شیرینک نیست. جامعه به طبقاتی، از تسلط طبقه مسلط است. تنها آن کس میتواند خواهان (حاکمیت مردم) بطور واقعی و نه ظاهری باشد که خواهان نابودی مناسبات طبقاتی و ایجاد برابری واقعی میان تمامی افراد جامعه باشد.

کدام طبقه در جامعه سرمایه داری، نابودی مناسبات سرمایه داری و نابودی طبقات را طلب می کند؟

فقط و فقط طبقه کارگر میتواند نخواهان نابودی کلیه طبقات باشد، چرا که این طبقه از آنجا که مالک هیچ چیز جز نیروی کارش نیست، هیچ نصیب و بهره‌ای در حفظ مالکیت خصوصی ندارد، و هیچ نفعی از ادامه مناسبات طبقاتی نمی برد. بلکه برعکس، نابودی سرمایه داری و نابودی مناسبات طبقاتی تنها راه رهایی طبقه کارگر است.

بر مبنای چنین پایه‌های اقتصادی - اجتماعی است، که دمکراتیسم طبقه کارگر، پیگیرترین دمکراتیسم است. دمکراتیسم پرولتاریائی تنها آنجا پیگیر است که در هیچ حدی از دمکراسی متوقف نمیگردد، بلکه از تحقق دمکراسی کامل نیز فراتر رفته و خواهان زوال دولت و هرگونه دمکراسی میگردد، تا آزادی کامل تحقق یابد چگونه و از چه طریق این دمکراسی تحقق می یابد؟ دمکراسی پرولتاریائی بر چه پایه ها -

هایی استوار است؟ در بحثهای گذشته، آموختیم که "دموکراسی" بعنوان شکلی از دولت، روبنایی است که بر اساس زیربنای جامعه، یعنی شیوه تولید مسلط استوار است. حال برای درک محتوای "دمکراسی کارگری" به بررسی زیربنای این دمکراسی می پردازیم.

پایه های اقتصادی دمکراسی کارگری: اقتصاد مطلوب طبقه کارگر که در برگیرنده منافع واقعی تمامی کارگران و زحمتکشان است، مناسبات اقتصادی سوسیالیستی است. در اقتصاد سوسیالیستی همراه با نابودی کلیه امتیازات طبقه سرمایه دار، وسایل تولید مالکیت خصوصی افراد جداگانه و یا دولتها سرمایه داری خارج میشود و تمامی افراد جامعه متعلق میگردد. اساس جامعه سوسیالیستی عبارت است از مالکیت اجتماعی بر تولید و کلیه ثروت های اجتماعی مسلم است که در درون چنین مناسباتی، استثمار فرد از فرد غیر ممکن خواهد بود، چرا که تحسنت

مقاله آموزشی

بحثی پیرامون دموکراسی (۵)

دارد دموکراسی کارگری بر توده های وسیع مردم زحمتکش منگی است در چنین دمکراسی از قدرت متمرکز دولتی بورژوازی، با ارگانهای سرکوبگر آن نظیر ارتش، دادگاه، پلیس، بوروکراسی، مقامات قضائی و... خبری نیست. تمامی این دستگاه ارتجاعی درهم شکسته میگردد و به جای آن ارگانهای حاکمیت زحمتکشان برقرار میشود.

بدینگونه برخلاف دمکراسی بورژوازی، دمکراسی کارگری، دمکراسی مستقیم است. یعنی توده زحمتکش خود مستقیماً در راه اداره امور سیاسی و اجتماعی شرکت دارند و در واقع این امور بدست آنان انجام میگردد.

اهرمهای اعمال این دمکراسی کدامند؟ شوراها - قوانین کامل دمکراتیک اداره امور - ارتش مسلح خلق.

نقش شوراها:

به جای سلسله مراتب گندیده بوروکراسی بورژوازی که در آن بالای سر کارگران و زحمتکشان که تمامی تولید را می چرخانند و کارها را انجام میدهند، بوروکراتهای بورژوا، گمارده شده اند، موسسات کامل دمکراتیک پدید می آید که در آن اصل انتخابی بودن و برابری بودن بطور واقعی پیدا میگردد. چگونه و چطور؟ در این موسسات (شوراها) تمامی صاحبان مثلاً غل، انتخابی و قابل تعویض هستند، حقوق تمامی آنان بدون استثناء به سطح دستمزد اداری یک کارگر میرسد و انتخاب کنندگان آنان یعنی کارگران و زحمتکشان، میتوانند در هر زمان آنان را تعویض کنند. این قوانین ساده و دمکراتیک، منافع کارگران و زحمتکشان را کاملاً برآورده میسازد.

در دموکراسی کارگری، جدائی قوه مقننه از مجریه که از اصول و قوانین بورژوازی است از میان برداشته میشود. بدین معنی که کسانی که در موسسات شورائی و کمون، از جانب توده به نمایندگی انتخاب میشوند، باید خود کارکنند، خود قوانین "خود" را اجرا نمایند و مستقیماً در مقابل انتخاب کنندگان خود، مسئول باشند. در واقع "تصویب کنندگان" خود تبدیل به "اجرا کنندگان" میگردند. در نتیجه با رهایی از پارلمان بورژوازی که موسسه ای پرحرف و بی عمل و در واقع در "خدمت فریب مردم به نفع بورژوازی" است شوراها بمنابر نمایندگان واقعی مردم و بعنوان موسسه ای فعال جایگزین میگردد، به این ترتیب، در دمکراسی کارگری "موسسات

حاکمیت طبقه کارگر یعنی دیکتاتور پرولتاریا ابزار تولید و ثروت های جامعه اجتماعی شده و در اختیار کلیه طبقات زحمتکش میباید.

تحت چنین مناسباتی، که در آن تولید بطور برابری همه ریزی شده و با شرکت تمامی افراد جامعه صورت میگردد، از همه با شدیدی و پراکندگی تولید، هر چه و هر چه به پایان میرسد. تقسیم کار اجتماعی بر طبق برابری همه و تحت رهبری طبقه کارگر صورت میگردد و جامعه آنگونه حرکت میکند که هر نوع وجه تمایز و تقسیم، مانند تقسیم کاریدی و فکری، تقسیم کار میان شهر و روستا و... میان بر داشته شود و اقتصاد سوسیالیستی به اقتصاد کمونیستی تحول یابد.

بر اساس چنین شیوه تولیدی، نحوه توزیع نیز تفاوت بنیادی با جامعه سرمایه داری میباید همچنانکه در شیوه تولید سوسیالیستی، اقتصاد جامعه نه بر اساس اصل سرمایه دارانه سودآوری، بلکه بر پایه نیازهای جامعه برابری می شود و چرخهای تولید بدست همه افراد جامعه می چرخد، ثروت حاصله از کار اجتماعی نیز مشترکاً تقسیم میگردد. هزینه های موجود در جامعه نظیر کشورداری، مدارس، بیمارستانها و... نیز از این ثروت اجتماعی تامین میشود. اصل حاکم بر توزیع در اقتصاد سوسیالیستی چنین است: به هر کس به اندازه کارش. این یک اصل سوسیالیستی است که در دمکراسی کارگری انجام میرسد. اما در آن زمان که اقتصاد سوسیالیستی به (کمونیسم کامل) تحول یابد، یعنی در آن زمان که نیروهای مولده تحت رهبری طبقه کارگر و در درون مناسبات سوسیالیستی آنقدر رشد نمایند که ثروت اجتماعی فراوان گردد، نقش کار از وسیله معاش به یک نیاز اجتماعی تبدیل گردد... این اصل سوسیالیستی به اصل توزیع کمونیستی تبدیل خواهد شد. در آن زمان جامعه میتواند بر پرچم خود بنویسد: به هر کس به اندازه نیازش.

مختصات دمکراسی کارگری چیست؟

مشخصات دموکراسی کارگری چیست؟ سیستم سوسیالیستی همچنان که "دموکراسی اقتصادی" یعنی "عمومی شدن" و "همگانی شدن" وسایل تولید و ثروت اجتماعی را پایه ریزی میکند، در شکل حکومتی نیز کامل ترین دمکراسی را برقرار مینماید.

دستگاه دموکراسی پیگیر درست در نقطه مقابل دستگاه دولت "دموکراتیک" بورژوازی که نهادی (بوروکراتیک - نظامی) و کاملاً ارتجاعی است، قرار دارد. برخلاف بوروکراسی بورژوازی که به ترک کردن سرمایه داران

آزمنده اقلیتی تا چیز علیه اکثریت انبوه مردم لازم دارند. طبقات استثمارشونده، سیاسی را برای محو کامل هرگونه استثمار، یعنی برای منافع اکثریت هتک مردم، علیه اقلیت ناچیزی از برده داران معاصر - ملکان و سرمایه داران باشند لازم دارند.

انقلاب و درهم شکستن قدرت سیاسی سرمایه - داری، طبقه سرمایه داران را کاملاً نابود نمی - کند. سرمایه داران حریف که امتیازات باد آورده خود را از دست داده اند، بکف و بیاری سرمایه داری جهانی، و با چنگ و دندان مبارزه بر علیه "دمکراسی کارگری" می پردازند، تا سلطه سیاسی خود را دوباره به چنگ آورند. از طرف دیگر، سوسیالیسم در قدمهای اولیه خود نمیتواند بلافاصله هرگونه مالکیتی را نابود کند، تولید - خرده مالکی که از آینده سرمایه داری است تا مدت ها باقی خواهد ماند و این خود زمینه ای برای رشد و قدرت گیری مجدد بورژوازی است. بر این اساس دوران دمکراسی پیگیر، دوران مبارزه طبقاتی بی نهایت شدید و شکل های حادث این مبارزه است. از این رو، پارتی را در این مبارزه مرکز زندگی، دموکراسی نوین بزرگتری برای کارگران و زحمتکشان و دیکتاتوری علیه سرمایه - داران است. دیکتاتوری پرولتاریا، شکل لازم دولت کارگری است.

دمکراسی کارگری در جهت زوال خود گام بر میدارد:

دیکتاتوری پرولتاریا، یعنی دولت کارگری از همان اولین قدم خود در جهت زوال خود حرکت میکند. در واقع "نخستین اقدامی که دولت، واقعاً بعنوان نماینده تمام جامعه به آن دست میرسد - یعنی ضبط وسائل تولید بنام جامعه - در عین حال آخرین اقدام مستقل وی به عنوان دولت است. در آن هنگام دیگر دخالت قدرت دولتی در شئون مختلف مناسبات اجتماعی یکی پس از دیگری زایل شده و بخودی خود به خواب می رود جای حکومت بر افراد را اداره امور اشیاء و رهبری جریان تولید میگیرد. دولت "ملفی" نمیشود، بلکه زوال می یابد." (انگلس) دیکتاتوری پرولتاریا در جهت نابود کردن طبقات گام بر میدارد. در آن هنگام که طبقات نابود شوند، وجود دولت نیز که چیزی جز ابزار سلطه طبقاتی نیست، غیر ضروری میگردد. و به همراه زوال دولت، هرگونه دمکراسی نیز زحمت برمی بندد. "دمکراسی" مقوله ای طبقاتی است در جا معبدون طبقات، "دمکراسی" وجود نخواهد داشت. همچنانکه در جا معبدون که فقر در آن نابود شده است از گرسنگی و سیری سختی در میان نخواهد بود.

به همراه نابودی طبقات و زوال دولت، هرگونه دمکراسی نیز نابود خواهد شد و جای آن آزادی کامل جایگزین خواهد گشت.

تحقق این امر در نظام (کمونیسم)، امکان پذیر است. برای زوال کامل دولت، کمونیسم لازم است. لازم است که هرگونه حقوق بورژوازی

کردگان بورژوازی خرد آنها میکوشند تا تحقق دمکراسی بگیرند و خواب و خیال جلوه دهند. اما تا رنج و واقعیت، بوجی این سلفینات و سیرنگهای بورژوازی را بروشنی نشان داده است. طبقه کارگر در تجربیات تاریخی چون کمون پاریس و انقلابات سوسیالیستی و فدا میربالیستی، بوز سرمایه داران راه خاک مالیده و نشان داده است که همچنانکه جرخ تولید را معبر و شاهی کارگران و زحمتکشان میگردد، آنان قادرند بیکسرتترین دمکراسی و رفاه را برای توده زحمتکشان که در زیر جرخهای برجم سرمایه داری له شده است، بسا دستهای توانای خود بسازند. اصولاً خود شیوه تولید سرمایه داری امکان ندارد تا تحقق دموکراسی بگیرد کارگری را میسر کرده است و زمینه آن را فراهم نموده است. تمدن سرمایه داری تولید را اجتماع کرده است. کارخانجات تراه آهن، پست و تلفن، ... همگی بصورت موسسات عمومی اداره میگردند. تقسیم کار در این موسسات آنقدر پیچیده و تخصصی شده و وظایف آنچنان منظم شده است که هر فرد عادی با سوادی نمیتواند آن را انجام دهد و کنترل کند. رشد تکنیک و گسترش تقسیم کار در تمدن سرمایه داری، کارها را برای سوسیالیسم خیلی ساده کرده است. در چنین سیستمی بر اجتناب میتوان وظیفه "ریاست" را، که در حقیقت چیزی جز یک مقام بوروکراتیک بورژوازی برای کنترل کارگران و زحمتکشان که در واقع کاراملی را آنان انجام میدهند، نیست. حذف نمود و کنترل را بدست توده زحمتکشان سپرد که "خود" کار را انجام میدهد. کارشناسان و متخصصین نیز در اداره امور، شرکت دارند اما با حقوق برابر و امتیازات مساوی. "وظیفه ریاست ویژه مستخدمین دولتی را میتوان و باید در ظرف یک امروز با فردا به وظایف ساده" - سر - کارگران و حسابداران "یعنی به وظایف فنی تبدیل نمود که هم اکنون کاملاً از عهده افرادی که بطور کلی دارای سطح اطلاعات شهرنشینان هستند بر خاسته است و در مقابل "دست مزد یک کارگر" کاملاً میتوان آن را انجام داد" (۳) در چنین برنامه ریزی، یک دره خیالی و وجود ندارد، بلکه تنها در آن جایی برای استثمار - کران و آقا زاده ها نیست.

آباد مکراسی شورائی به معنای محو هرگونه دیکتاتوری است؟

آن زمان که طبقات وجود دارند، از دمکراسی خالص سخن نمیتوان گفت. دمکراسی شکلی از دولت است و دولت جزا رگان سلطه طبقه ای طبقات حاکم نیست. پس هر زمان که از دمکراسی سخن میکوشیم معنای آن دیکتاتوری برای طبقه ای است که "دمکراسی" متعلق به آن نیست. همچنانکه "دمکراسی بورژوازی" به معنای دیکتاتوری برای کارگران و زحمتکشان است، "دمکراسی پرولتاریائی" به معنای محو هرگونه دمکراسی برای سرمایه داران و استثمار - کران است. "طبقات استثمار رگر، سلطه سیاسی را برای حفظ استثمار، یعنی برای حرص و طمع

استخاسی سر جای خود باقی میمانند و لوسی پارلمانا رسم به عنوان یک سیستم خاص و تقسیم کار مقلد و مخیره و سر خورداری نمایندگان از یک موقعیت ممتاز دیگر در اینجا وجود ندارد" (۱) در چنین دموکراسی سخن گفتن از آزادی عقیده و بیان، دیگر فریب و دروغ نیست بلکه عملاً تحقق می پذیرد. مطبوعات، اسگاههای رادیو و تلویزیون، تالارهای اجتماعات همگی در مالکیت زحمتکشان و در دسترس کلیه شوراها قرار میگیرند تا آن استفاده کنند.

حق فضاوت در دمکراسی کارگری با دادگاه های حلقی و علیی است. با چنین اقدامات بیکسری است که وسیع ترین دمکراسی برای توده های زحمتکش پدید می آید.

تعویض ارتش بورژوازی با مردم مسلح

در دمکراسی کارگری، بجای ارتش مسلح بورژوازی که با قوانین بوروکراتیک و اطاعت کورکورانه اداره میشود و ابزاری در دست طبقه مسلط برای سرکوب خلق است، ارتش توده ای خلق مسلح جایگزین میگردد. در چنین دموکراسی هیچگونه نیازی به ارتش بورژوازی نیست. چرا؟ دستگاه ارتش و نیروهای مسلح برای سرکوب دشمنان حکومت ساخته میشود. طبقه بورژوازی برای سرکوب اکثریت انبوه کارگران و زحمت - کسان و با من سلطه طبقه خود که اقلیتی ناچیز است نیاز به ارتش مسلح خاص خود دارد. اما در نظام سوسیالیستی، حکومت نماینده اکثریت جامعه یعنی نماینده زحمتکشان است و مخالفین آن تنها اقلیت ناچیز سرمایه داران و قدرت - مندان هستند. بنابراین هیچ وجه نیازی به یک "ماتیس ویژه سرکوب" نخواهد بود. شورا های مسلح کارگران و زحمتکشان بدون احتیاج به دستگاه سرخ و سبزه و ارتش بورژوازی، دشمنان دمکراسی شورائی را سرکوب خواهند کرد و از منافع کارگران و زحمتکشان دفاع خواهند نمود. شورا های مسلح زحمتکشان تنها ارگانها یی هستند که از دمکراسی کارگری حفاظت میکنند.

این است دمکراسی کارگری: قطع دست سرمایه داران، برابری تمام افراد جامعه بعنوان کارکنان یک "سندیکای بزرگ"، یعنی تمام دولت و تابع کردن کامل تمام کارایی "سندیکا" به دولت و افعاد دموکراتیک، یعنی به دولت شورا های نمایندگان کارگران و زحمت -

کیان (۲) آیا یک دموکراسی قابل تحقق است؟

دانشمندان بورژوازی نماینده مکتش خود را بکار نمی برند، برای آنکه به توده زحمتکش چنین تلقین کنند که بر فراری این چنین دمکراسی امکان ندارد و جرخ جامعه معبدون سرکردگان بورژوازی، ماشین مناسب و مهارتها و تحمیل -

از میان رفته و طبقات کاملاً نابود شده یا شد. اما دولت چه زمانی میتواند کاملاً زوال یابد؟ هنگامی که کاملاً اصل "ازهرکس طبقه" استعدادش، به هرکس طبقه نیازش را عملی کرده باشد. یعنی هنگامیکه افراد آنقدر به رعایت قواعد اساسی زندگی اجتماعی عادت کرده باشند و کاملاً آنها آنقدر بهره‌بخش باشد که داد و طلبا به طبقه استعدادشان کار کنند." (۴)

بنابراین "دموکراسی شورائی" تنها یکی از مراحلی است که در گذرگاه سرمایه‌داری به کمونیسم قرار دارد. طبقه کارگر پیگیرانه از این مرحله میگذرد و با (محو هرگونه دموکراسی) به "آزادی کامل" قدم میگذارد و از برای صورتی به "برابری واقعی" دست می‌یابد.

در حقیقت "دموکراسی کارگری" یا "دموکراسی بورژوازی" هیچگونه وجه مشترکی ندارد بقول لنین:

"در اینجا کمیت به کیفیت تبدیل میشود و "دموکراسی" در چنین درجه‌ای دیگر از چهارچوب جامعه بورژوازی خارج شده و تحول سوسیالیستی آن آغاز میگردد". در روند این تحول است که لحظه‌ای که این "دموکراسی" غیر لازم باشد، فاسد می‌شود "دموکراسی کارگری" که در حقیقت دیگر دولت به معنای (خاص) کلمه نیست، به نفعی هر گونه دموکراسی "میرسد و هرگونه دولتی زوال می‌یابد. این است ما هیت دمکراتیک پیگیر طبقه کارگر. دمکراتیک یعنی که این پیگیر است که خود، خوشتن را از آدمی سازد.

مبارزه پیگیر طبقه کارگر در راه تحقق آرمان دموکراسی شورائی:

طبقه کارگر که در مبارزه بر علیه سرمایه‌داری هیچ چیز جز "زنجیرهای پایش" را از دست نمیدهد و کوچکترین منافع در حفظ مناسبات سرمایه‌داری ندارد، تنها طبقه‌ای است که تا آخر، یعنی تا زمان نابودی سرمایه‌داری مبارزه را ادامه میدهد. خود به خود، قابل فهم است که بورژوازی غارتگر، به آسانی مواضع محکم خود را تسلیم نخواهد کرد و از منافع سرشارش نخواهد گذشت.

مبارزه طبقه کارگر بر علیه سرمایه‌داری مبارزه‌ای خونین و بی‌امان است که بر نداشتن تاریخی آن چیزی جز شکست سرمایه‌داری بوسیده و پیروزی طبقه کارگر پیشرو نیست.

در جوامعی نظیر جوامعی که مناسبات سرمایه‌داری وابسته در آن حکومت میکند، راه رسیدن به سوسیالیسم از انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی میگذرد. در مسیر انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی، طبقه کارگر در کنار سایر طبقات و اقشاری که خواهان نابودی سلطه امپریالیسم و درهم شکستن سیستم سرمایه‌داری وابسته می‌باشند، گام بر میدارند. هدف این انقلاب تحقق "جمهوری دمکراتیک خلق" است که منافع واقعی تمامی زحمتکشان را برآورده می‌سازد.

"جمهوری دمکراتیک خلق"، حاکمیت زحمتکشان برهبری طبقه کارگر و برای رسیدن به دیکتاتور پرولتاریا و برقراری نظم سوسیالیستی است. "جمهوری دمکراتیک خلق" که بر مبنای حاکمیت شورائی زحمتکشان بنا میشود، در حقیقت دیکتاتور کارگران و دهقانان تحت رهبری طبقه کارگر است که سرمایه‌داری وابسته را در آغوش می‌سازد. این "جمهوری دمکراتیک خلق" "تجنان اقتصادی را پایه میریزد که به سوی سوسیالیسم سمت بگیرد و در روند مناسبات دمکراتیک این جمهوری، طبقه کارگر به مقتضیات و رشد لازم برای تحول اداره سوسیالیستی جامعه دست می‌یابد. مبارزه طبقه کارگر برای تحقق "دموکراسی واقعی" مبارزه - ای قهرآمیز است:

پیگیری بودن مبارزه طبقه کارگر بر علیه دموکراسی کاذب بورژوازی، به مبارزه پرولتاریا برای کسب "دموکراسی شورائی" و نابودی سلطه سرمایه، خصلتی قهرآمیز و ناشی از پذیرمی بخش، بورژوازی هیچگاه به آسانی از منافع سرشار استعمارگرانه خود دست برنخواهد داشت و در نتیجه هیچگونه تکیه‌های ملحق آمیزی به سوی سوسیالیسم در نظام سرمایه‌داری نمیتواند انجام پذیرد. این است واقعیتی که اعمال قهر طبقه کارگر و زحمتکشان را بر علیه بورژوازی، اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. تنها راه نابودی سلطه امپریالیسم و داغان کردن سرمایه‌داری وابسته، سرنگونی بورژوازی از طریق انقلاب مسلحانه، مبارزه با لکیت خصوصی بورژوازی در هم شکستن تمامی دستگاه دولتی (بوروکراتیک - ارتجاعی) بورژوازی و برقرار کردن حاکمیت زحمتکشان تحت رهبری طبقه کارگر است. در جهت تحقق چنین هدفی است که طبقه کارگر رهبری زحمتکشان را در مبارزه قهرآمیز بر علیه سلطه امپریالیسم و حکومت سرمایه‌داری وابسته در دست میگیرد و با هرگونه مصالحه و سازشی با دشمن طبقاتی سرخشان مبارزه می‌نماید. چرا که کارگران آرزوی هیچگونه آشتی با بورژوازی را در سر ندارند و نمیتوانند داشته باشند. مصالح و منافع طبقه کارگر و سرمایه‌داری، متضاد و آشتی‌ناپذیر است.

نتیجه‌گیری می‌کنیم:

- ۱ - دموکراسی شورائی کارخیز بر مبنای شیوه تولید سوسیالیستی استوار است و برای این اساس کاملاًترین دموکراسی سیاسی را برپا می‌دهد.
- ۲ - دموکراسی اقتصادی "میسازد."
- ۳ - دموکراسی شورائی، دموکراسی مستقیم است، بدان معنی که توده زحمتکشان در این دموکراسی با مشکل شدن در اراکلهای مسلح خویش، حاکمیت خود را مستقیماً برقرار می‌سازد.
- ۴ - دموکراسی کارگری، آنچنان پیگیر است که در روند تحول خود با حرکت در جهت نابودی طبقات، به نفعی هرگونه دولت و در نتیجه هرگونه "دموکراسی" میرسد. با زوال هرگونه دموکراسی

در جامعه کمونیستی، آزادی کامل تحقق می‌یابد.

- ۱ - در جوامع تحت سلطه امپریالیسم، انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی، تحت رهبری طبقه کارگر می‌است در جهت رسیدن به سوسیالیسم و تحقق آرمان نابودی طبقات "جمهوری دمکراتیک خلق" که دموکراسی نوین زحمتکشان است، بر اساس پیروزی این انقلاب یعنی سرنگونی دیکتاتور بورژوازی و کسب قدرت سیاسی زحمتکشان تحت رهبری طبقه کارگر و نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته در جوامع سرمایه‌داری وابسته مثل ایران برقرار میگردد و به سوی نظام سوسیالیستی سمت میگیرد.
- ۲ - مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان بر علیه سلطه سرمایه‌داری وابسته، خصلت مبارزه‌ای قهرآمیز است. سرنگونی قدرت سرمایه‌داری و نابودی سلطه امپریالیسم جز از طریق مبارزه قهرآمیز و مسلحانه امکان پذیر نیست.

به این سئوالات پاسخ دهید:

- ۱ - رابطه مناسبات تولیدی و دموکراسی چیست؟
- ۲ - منظور از "دموکراسی مستقیم" چیست؟ و با "دموکراسی غیر مستقیم" چه تفاوتی دارد؟
- ۳ - دموکراسی کارگری چه مشخصاتی دارد؟ آیا به اقتصادی و اجزاء مشکله آن را بشکافید.
- ۴ - دموکراسی کارگری چگونه به نفعی خود می‌انجامد.
- ۵ - زوال دولت و زوال دموکراسی در چه شرایطی امکان پذیر است؟
- ۶ - راه رسیدن به دموکراسی شورائی چگونه طی میشود؟ در باره تفاوت این راه در کشورهای امپریالیستی و کشورهای تحت سلطه امپریالیسم بحث کنید.
- ۷ - معنای "دمکراتیک پیگیر طبقه کارگر" چیست؟ نقش طبقه کارگر را در این رابطه در انقلابات دمکراتیک و ضد امپریالیستی و در انقلابات سوسیالیستی بیان نمائید.
- ۸ - آیا مفهوم دموکراسی منطبق بر مفهوم "آزادی" است؟

- (۱) - دولت و انقلاب - لنین
- (۲) - نقل به معنی از (دولت و انقلاب) لنین
- (۳) - دولت و انقلاب - لنین
- (۴) - دولت و انقلاب - لنین

بقیه از صفحه ۲۵ معرفی...

یورش به اجتماعات، مراکز تجمع و راهپیمایی‌های کمونیست‌ها و دیگر انقلابیون میباشند. اینان در پشت "هیئت"‌های بظا هر مذهبی در خانه "حاج عدالت خواه"‌ها جمع میشوند و برای خدمت به ارتجاع و یورش به نیروهای کمونیست و انقلابی "آموزش" می‌بینند. این سبک نشان میدهد که در یورش فاشیستی به صفوف پیکارگران کمونیست، افراد وابسته به حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی بطور سازمان یافته شرکت مینمایند. تنگ‌شان نباشد!

هرچه گسترده تر باد مبارزه انقلابی کارکنان آواره صنعت نفت

دربی مصادره انقلابی بلوکهای ملک شهر توسط کارکنان جنگزده صنعت نفت، مسئولین رژیم برای جلوگیری از این حرکت انقلابی، تعهدنامه ای کتبی به آوارگان میدهند مبنی بر اینکه مصادره کنندگان ۵ روز در هتلها می باشد تا استناداری در اختیارشان قرار داده میشود اسکان با بندن رژیم دویلک دردناک کار (واقع در شاهین شهر) در اختیارشان قرار دهد. بعد از اتمام مهلت، در روز دوشنبه ۶۰/۱/۱۷، نمایندگان کارکنان جنگزده برای اتمام حجت با مسئولین رژیم، به محل فضای سبز (پشت مغارات) میروند. اما در آنجا "حمزه" شیان پور "مسئول بنیاد جنگزدگان در کمال وقاحت میگوید که ما بلوکها را به شما نمیدهیم. کارکنان جنگزده که این بشر می را از رژیم میبینند، یکپارچه و متحد، بلوکهای دانشگاه کار را مصادره انقلابی مینمایند. هنوز ساعتی از استقرار کارکنان نگذشته بود که ما موریس زاندار می به همراه سرگرد "تفکری" مزدور به محل آمده و خواهان تخلیه بلوکها میشوند، "تفکری" مزدور به کارکنان میگوید: "من دستور دارم همه شما را دست بند بزنم و به استناداری ببرم!" اما کارکنان صنعت نفت با اتحاد و یکپارچگی در مقابل وی می ایستند. یکی از زنان آواره به تفکری میگوید: "این بلوکها را اربابان برای آمریکا شپا ساخته بودند و این دوسال خالی بود. نکته حائز اهمیت منتظرید که آمریکا شپا بزرگ در توی این خانه هایشیند. آواره دیگری در جواب تفکری که میگفت: "این منازل مال دانشجویان است" میگفت: "مگر شما دانشجویان در این مملکت باقی گذاشتید؟ همه را با کشتید یا بزدان انداختید و دیگر توی این مملکت دانشجویی نمانده؟" در همین حین، چند نماینده از "بنیاد شهید" برای تحویل گرفتن دویلک اشغال شده، آمده و میخواهند که بلاک را رد "بنیاد شهید" را بر سر لای با ختمان نصب کنند که با مقاومت مصادره کنندگان روبرو شده و موفق به انجام این کار نمیشوند. نمایندگان "بنیاد شهید" با نشان دادن سندی به امضای "حمزه شیان پور" مدعی مالکیت دویلک بودند و روشن شد که سیاست "حمزه شیان پور" مزدور این است که با رودر قرار دادن کارکنان جنگزده با "خانواده شهدا" آنها را به جان یکدیگر انداخته و سرانجام بلوکها را به هیچکدام تحویل ندهد. در روز اول مصادره کارکنان برای مقابله با حمله احتمالی رژیم "کمیته حفاظت" تشکیل داده و حفاظت بلوکها به

جنگ و آوارگان

عهده این کمیته گذاشته شد. در روز سه شنبه ۶۰/۱/۱۸، تعداد دیگری از کارکنان جنگزده بدانگاه آمدند و با کمک آوارگان دیگر در بلوکها اسکان یافتند. در همین روز از طرف زاندار می از آوارگان خواسته میشد که زمانی را برای مذاکره با مسئولین استناداری تعیین کنند و قرار میشد روز چهارشنبه ۶۰/۱/۱۹ به شهرداری بروند. نکته قابل توجه اینکه زاندار می سعی داشت با حمایت دروغین از آوارگان از موقعیت استفاده کرده و برای خود کسب وجهه نماید. اما در روزهای بعد در اثر هوشتیاری و آگاهی و مقاومت کارکنان آواره، ناچاران نشان دادن چهره پلید و ضد مردمی خودش. در روز چهارشنبه چند تن از آوارگان به شهرداری میروند اما از مسئولین گذاشتن رژیم خبری نمیشود و آنها بازمیگردند. آوارگان که از روحیه مقاومت و یکپارچگی خوبی برخوردار بودند، برق بلوک ۶ را که رژیم از وصل کردن آن سر باز زده بود، وصل میکنند. حرکت انقلابی کارکنان جنگزده در شاهین شهر، درس آموزنده ای بود برای سایر جنگزدگان، بطوریکه در همان هفته، ۲۰ بلوک در فولادشهر و تاسیسات و بیلای باقیمانده در دانشگاه کار، توسط آوارگان جنگ ارتجاعی مصادره انقلابی میگردد. رژیم که از اتحاد و یکپارچگی کارکنان به وحشت افتاده بود، تصمیم به قدرت نمایی گرفته و در روز پنجشنبه ۶۰/۱/۲۰ که میون سر باز به اتفاق ۴ جیب را به سراغ آوارگان مستقر در دانشگاه کار میفرستد. اما آوارگان شروع به هو کرده و اطراف سر بازان جمع شده و شروع به افشاکری مینمایند. یکی از آوارگان خطاب به سر بازان میگوید: "اگر رژیم مردمی است، چرا شما را رودر روی ما قرار داده است؟ پیرمرد آواره ای خطاب به "تفکری" مزدور میگفت: "جناب سرگرد لادامب با آلتوناب در رادیو و تلویزیون - یون خواهی گفت: اطلاعاتیه ۴۵۰ ستاد ارتش، صبح امروز ارتفاعات شاهین شهر از مزدوران جنگ زده پاکسازی شد!" بهر حال تا ظهر پنجشنبه زاندار می رودر روی کارکنان بوده و خانه ها را محاصره کرده بود اما در مقابل نیز جنگزدگان همچون تنی واحد، در مقابلشان ایستاده بودند و یک لحظه دست از افشای رژیم و مزدورانش برنمیداشتند. پیرمرد

عربی در پاسخ "توکول" نماینده استناداری که میگفت: "با بندنایندگان مجلس بکار شما رسیدگی کنند"، میگوید: "نمایندگان مجلس اینقدر از خون مردم خورده اند که گردنشان را تیر هم نمیزند و تا زنده نمانند ما نیستند. آنها نماینده حزب جمهوری هستند. کارکنان در جواب "تا ج" مزدور کثیف و نماینده دیگر استناداری که مدعی بود "اگر ۲ نفر از جنگزدگان را تیرباران کنند بقیه جنگ زدگان ساکت خواهند شد"، گفتند اگر قرار بود با تیرباران کردن مردم ساکت شوند که الان رژیم متغیر بهلولی هم باید بر سر کار باشد تفکری مزدور به آوارگان میگوید: "من برای برقراری نظم و امنیت آمده ام و در این راه هر تعدادی هم که کشته شوند برای من مهم نیست. جنگ زده ای در پاسخ میگوید: "خسرو داداویسی هم میخواهد استناداری را برقرار کند که تفکری مزدور جواب میدهد: "من افتخار میکنم که استادانی همچون او بیسی و خسرو داداویسی را داشته باشم."

آری، اظهارات این مزدور به کارکنان نشان میدهد که چگونه ارتش اسلامی همان ارتش شاهنشاهی است که فرماندهان شاهنشاهی را جلاد - شان افتخار کرده و چنانچه این مزدوران دست در دست پا سداران جنایتکار، جنبش آوارگان را سرکوب میکنند.

"تفکری" مزدور که در مقابل مقاومت کارکنان عاجز شده بود، زاندار را در محوطه مستقر میکند در روز جمعه "تفکری" را دیگر سراغ کارکنان آمده و به آنها میگوید: "در اعلامیه ها (۸) که در ملک شهر پخش شده کمیونستها گفته اند من مزدورم. اما شما این خانه ها را بزرگرفته اید، شما همه جیبی هستید و چون گروه های کمیونست میخواستند اراده شان را بدولت تحویل کنند، ما با پدشما را بیرون کنیم و اراده دولت را مستقر کنیم. کارکنان نیز در پاسخ میگویند: "اگر دولت مردمی است باید اراده مردم و دولت یکی باشد. اما بدانید که این ما مردم بودیم که اراده مان را بدولت تحویل کردیم و حالام اراده مان را تحویل کرده و در اینجا خواهم ماند."

تفکری مزدور با دیدن روحیه کارکنان، دمش را روی کولش گذاشته و میبرد. رژیم در مقابل روحیه مقاومت جویانه کارکنان و متوحش از اثرات این حرکت انقلابی بر روی سایر جنگزدگان تصمیم میگیرد با رعب و فشا رواج دتوطئه و تفرقه در میان آنان، مقاومت یکپارچه آنها را درهم شکند. به همین خاطر عده ای از مزدوران را به بلوکها فرستاده و آنها سعی میکنند با پرسیدن سؤالات مختلف و ضد و نقیض از آوارگان و همچنین با برخورد های گوناگون، ضمن اینکه آوارگان را دچار دلهره و ترس از مقاومت میکنند و خود آوارگان تفرقه و بدبینی نسبت به یکدیگر ایجاد

بقیه در صفحه ۲۲

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

جاودان باد یاد سرخ رفیق کمونیست پیکارگر شهید آذر مهرعلیان

چو بگویم از این خشم خاشاک
از این بخت
با خیز و برکن ریش قهر
پیش بسو فتح فردا
پیش بسو خورشید گزاف
قسم بر ست پینه بسته
که تا گرد بر گزاف و خورشید هم بود

قطعه شعری سروده رفیق آذرکهدر
دفتر یادداشتش نوشته بوده است.



به مناسبت هفتمین روز شهادت رفیق آذر
مهرعلیان که بدست مزدوران رژیم
اسلامی در سالگرد خونین اردیبهشت ۵۹ در جلوی
دانشگاه شهید گشت، مراسمی از طرف سازمان
دانشجویان و دانش آموزان پیکار با حضور
بیش از ۵۰۰ نفر از خانواده های شهدا و زندانیان
سیاسی سازمان و دوستان رفیق شهید بر سر مزار
وی در بهشت زهرا برگزار گردید.

در ابتدای این مراسم که در ساعت ۳ بعد از
ظهر آغاز شد، رفیقای آزادگان سرخ رفقای
شهید صحبت کرد و سپس پیام سازمان دانشجویان
و دانش آموزان پیکار خوانده شد. جمعیت با
شعارهای "پیکارگر شهیدم، قسم به خون پاکت"،
راहत ادا ما دارد"، "تراستی، مهرعلیان، شهید
اول اردیبهشت، راهت ادا ما دارد" و "کشتار
دانشجویان، سرکوب زحمتکشان، سیاست رژیم
است، علیه زحمتکشان" یاد سرخ رفقا را گرامی
داشتند. سپس مادران مبارز رفقای شهید محمود
صمدی و علیرضا صداقت پناه دربار چگونگی
شهادت رفقا سخن گفته و چهره درنده و ارتجاعی
جمهوری اسلامی را بیش از پیش افشا نمودند.
آنگاه پیام خانواده های شهدا و زندانیان
سیاسی سازمان، توسط مادر یکی از رفقای
شهید خوانده شد. سپس پیام دانش آموزان هوادار
سازمان پیکار در دبیرستان عاصمی و همینطور

شعری به مناسبت شهادت رفیق آذر توسط رفیق
همرزمش خوانده شد و همرمزد دیگر رفیق درباره
حضورات انقلابی رفیق شهید صحبت کرد. جمعیت
با شعارهای "زحمتکشان بدانید، دانشگاه سال
هم شهید داد"، "اول اردیبهشت، حماسه مقاومت
بزرگ پرچم سرخ"، "از قحطی و گرانی، این جنگ
ارتجاعی مردم به تنگ آمدند" و... جنا پست
ارتجاع را برای مردمی که در گورستان بودند،
افشا کردند. در پایان رفیقی شعر "مراسم تدفین
یک کمونیست را خواند و رفیقی دیگر درباره
اول ماه مه و ضرورت برگزاری هر چه باشکوه تر
مراسم این روز، صحبت کرد و جمعیت با خواندن
سرود جاودانه انترناسیونال، مراسم را به
پایان بردند.

با شهیدان خلق همیشه در خا طره ها زند است!
بیروز با دراه سرخ رفقای شهید!



یاد پر شور رفقای کمونیست شهید گرامی باد!

بهار انقلاب

به رفیق شهید ابیج تراستی و آذر مهرعلیان
و تمامی شهدای انقلابی و کمونیست دانشگاه

بهاران

خونین بهاران

بهاران سرخ

و قتی که شب از نیمه میگذشت

مگرت دریا دنبود

که نوجا مه سبز پوشیده ای؟

شب از نیمه که میگذشت

زنجیر با زوان

خیل بیدار دلان را

هر دم تنگتر می فشرد

چگونه فضای نیمشب را

هلله ارتجاع بر میکرد

و چگونه در سپیده صبح

چکه هاشان رادشکاف سیه رفقان مافرو بردند؟

و قتی که سوز سبز

در خانه های کردستان

تیر بهاران میشود

و میلاد دوباره بنفشه زاران

در قلب کارگران اندمک

اعدام میشود،

جرا سبیز...

ای خونین بهاران،

تا ج رسال!

چگونه سبزی بنا مم

که بر دریا ی هر روز

قایق های کوچک خون روان

توسر فصل سال انقلابی

بهاران

ای خونین بهاران

بهاران سرخ!

توفان آتش که وزید

گشوده آغوش آمدند

چه پروا که التهاب سرب

بر قلب های جوانان داغ نهد.

خونتان، پرچم امروز

با ران همیشه رزم!

که دیر نپاشیدید و

از جوهر خونتان، ما

سرخ

سرخ

سرخ شد

بهاران انقلاب.

۶۰/۲/۷ رفیق ف

۲۳ سال از شهادت کمونیست قهرمان، رفیق خسرو روزبه میگذرد.

رفیق شهید خسرو روزبه به توده های زحمتکشان و انقلابی و نیروهای کمونیست تعلق دارد، او که هیفته انقلاب و سوسیالیسم بود و با سازمانکاری و فرمبم حزب توده - آنگاه که هنوز به پرتگاه خیانت نرفتاد، بود - مرزبندی قاطع داشت به وسعت یک دریا از سران حزب توده فاصله داشت.

حزب خیانت به توده نمیتواند با سوسیالیسم استفاده از نام بزرگ روزبه، خیانتهای به شمار خود را پوشانید و برای خود آبرودست و پاناماید. اعتقادات و مبارزات دلیرانه رفیق روزبه به این باند خائن چنین اجازه ای نمیدهد.

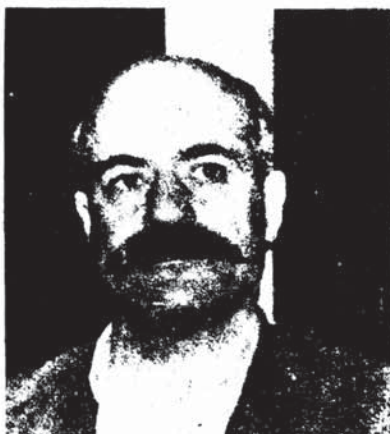
مزدوران مقاومت و پایداری کردی و یکه تار سالها بعد، استوارسانی زندان بنان جلاد قزل قلعه (که مشمول الطاف سردمداران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته و آزاد شد) از حقارت و زبونی خود و ارتباطش در برابر روزبه قهرمان یاد میکرد. خود رفیق در دفاعیاتش میگوید:

"کسانی بودند که در لحظه امتحان ضعیف از آب درآمدند و منگرا ملت عقاید و نظرات سیاسی و اجتماعی خود شدند و به همین جهت نیز زندان آزاد گردیدند، من شکستی ندارم که آنان با بیست سال به ما دروغ گفته اند یا از بیم جان به مقامات تحقیق دروغ گفته اند و به حال آدمهای دروغگو، زبون و شیاد و قه بازی بیشتر نیستند، مردانگی ندارند و برای دوقطره خون بیش از هر چیز دیگر ارزش قائلند".

با این حرفهای اصاگر، هنوز هم خائنین حزب توده که با بهشتا گوشتی آشکارا از محمد رضا شاه و رژیم وابسته اش برخاسته و انبوهی از آنان به مزدوران و متفکرین ساواک تبدیل گشتند و با زبونها نه فرار کرده و بیسلامت از ارس گذشتند تا برای ادامه خیانت جان سالم بدر ببرند، و قبحانه روزبه ها، وارطانها و... را بخود منسوب میکنند انقلابیونی چون وارطان سالانیا که پس از سالها مبارزه، به اسارت رژیم کودتا درآمده و در زیر شکنجه های وحشیانه جلادان شاه شهادت رسید (۱۸ اردیبهشت ۴۳) و روزبه و... با کبیانوری ها و طبریه ها، بهمان اندازه که کمونیست ها و بورژوازی از هم دورند، فاصله دارند.

خسرو روزبه با قلبی که در راه آزادی زحمتکشان می طپید و با ایمان به اعتقادات کمونیستی اش دلوارانه در برابر جوخه اعدا مزدوران امپریا - لیم قرار گرفته و خاطره ای جاودان از خود بیا دگار گذاشت:

"اگر زنده ماندن من مشروط به هک حیثیت، تن دادن به بیستی، گذشتن از آبرو، یا نهادن بر سر عقاید و آرمانهای سیاسی و اجتماعی باشد مرگ صدا بر آن شرف دارد" با خسرو روزبه، وارطان و دیگر شهیدان کمونیست را زننده میداریم!



میلیون نفر ملت ایران، همه مواهیب زندگی را برای هزار خانواده ممتازان مین کرده است". (آخرین دفاع)
در زمانیکه حزب توده دنیا له روانه از ملی شدن نفت جنوب و واگذاری امتیا نفت شمال به شوروی صحبت میکرد رفیق روزبه در "اطاعت کورکورانه" مینوشت:

"اگر بر فرض محال دولت شوروی برخلاف دستورات لنین و قانون اساسی خودشان که مخالف هرگونه استعمار و تاج خاک دیگران است، کوچکترین نظری به استعمار ملت ایران داشت، ما با بهمدردانه کمتر همت بندیم و با یک جنگ غیرمساوی کنه منتهی به نابودی آخرین فردا پیرانی نبود آنها مصاف دهیم".

روزبه در زندگی پراختار و سرشار از مبارزه - اش ۱۲ سال در زندان و با زندگی مخفی بسر برده و ساعت ۹ شب روز ۱۵ تیر ۳۶ بر سر قرار با یکی از سران حزب توده بنام علی متقی (که بر سر قرار حاضر نشده و از دام پلیس "گریخت") بدست دژخیمان محمدرضا شاه گرفتار شدند. رفیق خسرو روزبه با اینکه مسلح بود و با خنجر اهتزاز از آسیب رساندن به مردم کوچه و خیابان با اینکه مکان فرار و وجود داشت از اسلحه اش استفاده نکرد و اسیر دشمن شد و به دلالت و حمله و وارد زیر و حشانه ترین شکنجه های

"اگر عاشق و شیفته رژیم سوسیالیستی هستم با تمام عقل و شعور و منطق و درایت خود برتری اصول آنرا بر سایر رژیمها احساس کرده ام و محرک من در هر عملی که انجام داده ام، آزادی و تحقق این اصول و بالنتیجه ایجاد مبنای نوین برای جامعه ایران و سرانجام تامین سعادت و رفاه و سربلندی و آزادی و شرف ملت عزیزم بوده است". خسرو روزبه - آخرین دفاع در سیدادگاه رژیم شاه

رفیق خسرو روزبه، فرزند دلاور و کمونیست خلفای ایران در روز ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷، در برابر جوخه اعدا مزدوران امپریا لیم در اسارت قرار گرفت و با مرکب سرخ و شهادتی افتخار آفرین، وفاداری کمونیستی اش به انقلاب رهاشت بخش زحمتکشان و آرمان تاربخا طبقه کارگر را با خون خود با ثبات رساند. خسرو روزبه که از یک خانواده متوسط ملایر برخاسته بود با آشنائی کامل به درد و روح زحمتکشان بزرگ شد و با مشقت تمام به تحصیل پرداخت و پس از گذراندن دانشکده آفری و وارد ارشد شد، اما از همسان آغاز برخلاف جریان آب شنا کرد و با آگاهی به وظیفه یک عمنار انقلابی در راه انقلاب قدم گذاشت. شمره تلاشهای انقلابی او در درون ارتش تا هشتا هی، برای کمری تشکیلات افسران مبارز بود که بنام "تشکیلات افسران آزاد بخواه" نام گرفت و دهها شهید چون سیا مک، مخناری، و کیلی، اسوش و... در راه آزادی و استقلال مین تقدیم کرد.

روزبه از نخستین روزها شبکه و ارتش شد از یک سوبان تالیف آثار برارزش علمی و تحقیقی به بالا بردن آگاهی جوانان همت گماشته و از سوی دیگر به تبلیغ علیه رژیم خاکم و حرکت بر علیه فواین ارتجاعی ارتش پرداخته و کتاب "اطاعت کورکورانه" را نوشت.

او با سیاستهای سازشکارانه خاکم رجزب توده مرزبندی داشته و بر علیه آنها مبارزه میکرد، او میگفت "حزب توده ایران میل دارد اصلاحات خود را از طریق پارلمان انجام دهد" و "من حزب توده را اصلاح طلب یا به اصطلاح فرانسوی هاء رفرمیست میدانم... در صورتیکه من شیفته انقلاب هستم" (اطاعت کورکورانه) آری او با رژیم شاه هشتا هی مبارزه میکرد، برای اینکه در کنار توده های زحمتکش قرار گیرد و بهمت آنان توما را بن رژیم فذلخی و استوارا درهم پیچیده شود. در حالیکه تار هیران حزب توده، با سازش با مزدوران امپریا لیم چون قوام السلطنه ها و سوبکدبا دکردن به "قانون اساسی" شاه هشتا هی که "سلطنت را بدیعه الهی" می شناخته به توده های زحمتکش پشت میکردند. رفیق روزبه در سیدادگان نظامی شاه میگوید:

"من نسبت به آن رژیم تنفر عمیق و دشمنی آشتی ناپذیر پیدا کرده ام که بقیمت بد - بخنی، فقر، گرسنگی و محرومیت هج شده

درباره اتحاد عمل نیروها ومرزبندی با رونیونیسیم

رفیق ر-ض-ا ضمن اشاره به سرمقاله پیکار ۱۰۲ که در آن مرزبندی با رونیونیستهای ضدانقلابی اکثریت و حزب توده بمنابر یکی از مواد ضروری بلاتفرم انقلابی ذکر شده بود، و بسا توجه به اینکه همکاری ما و فدائیان (اقلیت) بدون موضعگیری بر سر این مسئله بود، بسا انتقاد دیردراخته و سکوت دربار این مسئله را نفی اصول خوانده است.

رفیق! همانطور که در شما ره پیش تذکر دادیم مرزبندی با رژیم ضدانقلابی برای سر-پاشی آکسیون مشترک در اول ماه مه حداقل شرط همکاری بود. و گنجاندن مرزبندی با حزب توده و اکثریت بمنابر یکی از رونیونیستی ضدانقلابی اگرچه مطلوب ما است و بد رستی می-بایست از جانب ما مورد تأکید قرار گیرد، اما نمی توانست شرط همکاری قرار گیرد. و در صورت عدم پذیرش آن از سوی فدائیان خلق (اقلیت) و یا نیروی دیگر همکاری نفی گردد (و در همین رابطه بود که در شما ره های گذشته تشریه به اشتباه هیئت تحریریه پیکار در سرمقاله تشریه ۱۰۲ اشاره کردیم). چرا؟ زیرا سکوت در مقابل این مسئله به معنی نفی اصول ما نیست با بد در نظر داشت که در هر اتحاد عمل مشخص به حول مسئله مشخص می بایست فصل مشترک مواضع به حصول آن در نظر گرفته شود.

به این ترتیب در اتحاد عمل اول ماه مه مرزبندی با رژیم ضدانقلابی، آن حداقل مواضعی است که در برابر خود به این حرکت میتوان اتخاذ نمود. سکوت گذاشتن مسئله ما هیت حزب توده و اکثریت نه به معنای نفی اصول ما، بلکه به معنای عدم موضعگیری ما در مقابل این مسئله در یک حرکت مشخص و مشترک است. اگر فی المثل ما در مورد حزب توده «اکثریت» «بندی در قطننامه می گنجا ندیم که به نوعی تحلیل ما از آنها» «دایر بر رونیونیست بودن آنها را به زیر سؤال می برد، این به معنای نفی وعد و ول» «مواضع ما بود. با اگر به زیر شما رونیونیستی "مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا" دست به حرکت میزدیم، معنای جزای رنگاری، نفی اصول و... نداشت. اما بندهای مورد توافق در قطننامه نه نافی اصول ما، بلکه جزئی از اصول ما است. بیرواضح است که تنها جزئی از اصول ما و نه تمامی اصول مواضع ما، چه اگر قرار باشد در یک اتحاد عمل کلیه اصول مواضع یک نیروی سیاسی گنجانده شود، امولا اتحاد عمل معنی خود را از دست داده و با بد و خدت به عمل آید!

طبقینا هر نیروی می گوید با اعمال همزبونی (در عمل و نه در حرف) سمت و سوی اتحاد عمل مشخص را بسوی مجموعه مواضع خود سنگینتر نماید و از این طریق به ارتقاء مواضعی بپردازد که کار با به حرکت مشترک را تشکیل میدهد.



(بدون آنکه آن را شرط اتحاد عمل قرار دهد) از این رو پیشنها ما برای قرارداد بندی در بلاتفرم که مرزبندی با حزب توده و اکثریت بمنابر یکی از رونیونیستی ضروری بوده و جهت تعمیق مواضع رادیکالی قرارداد است، اما قرارداد آن بمنابر به شرط همکاری نادرست بوده و نشانگر درک چپ روانه و سکتاریستی از اتحاد عمل میبود و با نفی همکاری با جریان ناسیونال بویگ، و در کردن آنها عمل به تقویت رونیونیستها منجر می گشت. از این روست که ما اتحاد عمل با رفقای فدائیان (اقلیت) را با بلاتفرم مورد توافق غیر اصولی ندانسته و در جهت تقویت قطب کمونیستی در مقابل رژیم ضدانقلابی، رونیونیستها و عامل موثری در جلب دموکراتها بسوی همکاری با کمونیستها می دانستیم. و از این رو اتحاد عمل نامبرده را بنفع جنبش کمونیستی و مارکسیسم انقلابی ارزیابی نمودیم و واقعیت نیز نشان دهنده نظرونق است.

نامه مادر رفیق شهید محمود صمدی از اصفهان به سازمان پیکار

به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر: بین ما و سرما به داران دره عمیقی است که خاکستر کمونیستها آنرا پرخواهد کرد (هوشی مین) برای مادری چون من که با فقر و فلاکت در یک خانواده کارگری فرزندان خود را به اینجاسا رسانده ام از دست دادن محمود ضربه بزرگی است که فقط با اعتماد و ایمان به راه سرخ طبقه کارگر قابل تحمل است میدانم محمود و اولین شهید این راه بوده است و مسلماً آخرین آنها نیز نخواهد بود و ما با یستی همچون کوههای عظیم طاقت تحمل سرمای زمستان را داشته باشیم ناگهان بهاران فرا رسید و نسیم خبش آزادی جانمان را سیراب کند من با وجود شما هزاران محمود را در کنار خود حس میکنم شما نشان دادید که هیچکس نباید دیگری به تنهایی برای عزیزانش گریه کند. ما آنچنان بهم پیوند خورده ایم که برای همه انقلابیون ما در همه انقلابیون برایم فرزندانند. و این به من قوت قلب را میدهد که محمود را در تک شک شما زنده و جاوید ببینم. افتخار میکنم که بتوانم در راه آزادی شما محمود هر خدمتی که از دستم برآید طبقه کارگر و شما می زحمتکشان انجام دهم در ضمن از رفقا تقاضا مینماید خانوادۀ خود را در جریان اموری که خود بلدان مشغولند آشنا سازند تا هم آنها خود را تا ماه سازند

و هم شما بهتر نتوانید در این راهی که میروید گامهای موثرتری بردارید. با امید پیروزی خلقمان

به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر: بین ما و سرما به داران دره عمیقی است که خاکستر کمونیستها آنرا پرخواهد کرد (هوشی مین) برای مادری چون من که با فقر و فلاکت در یک خانواده کارگری فرزندان خود را به اینجاسا رسانده ام از دست دادن محمود ضربه بزرگی است که فقط با اعتماد و ایمان به راه سرخ طبقه کارگر قابل تحمل است می دانم محمود و اولین شهید این راه بوده است و مسلماً آخرین آنها نیز نخواهد بود

مرگ بر امپریالیسم آمریکا
مادر پیکار را گرشید محمود صمدی از اصفهان

رفیق ن ۱۲ اسنادی را که فرستاده بودی مورد استفاده است. امیدواریم با زحمات رهبرای ارزشمند خود ادامه دهی. این وظیفه هر رفیق هوادار است که در عین وظایف مبارزاتی خود برای پیکار نیز اخبار و اسناد را ارسال دارد و به غنای پیکار بیافزاید. پیروزی!

سایر رفقای که نامه فرستاده اند:

ن قزوین، م-ط دانش آموزی شرق، ه-س ساری، م-تهران، ن-الف-پ پزشکی، جمع مروجین اصفهان، جاب ۲، ه-رفیق از زندان گرگان، د-اودا نزلی، س-د-دگیلان، خ-الد-ق-ما شهر، نبی دزفول، ج-دخوزستان، م-ک-هاوا، اف-تی مسئول تبلیغات خوزستان، ج-ی-از زنجان، غ-یک هوا-دار تهران، الف-سارا، نا-مه-شماره ۱۲۱-تهران، جمع تشکیل دهنده کانون شهدا و زندانیان سیاسی، توزیع د-دغرب، هسته معلمین هوادار اصفهان، نا-هید تهران، ش-ب-تهران، حوزه شرکت واحد، ر-ض-ا-۱-۲، کمال اهاوا، ج-نور، اکبر از آذربایجان، هواداران سازمان (کمیته مسئولین) در شهر کرد، ب-۳-۵ اصفهان، ز-فا اصفهان، ن-مادرین-م-م-گردستان، طلاونگ با بل، ز-غ معلمین ه از انتشارات س-د-ب-ج-ن و ا خدمت و ن دانش آموزی غرب، جمع مرکزی بندرعباس محسن شهری، نا-مرخوم آباد، م-تبلیغی، ع-از کرمان، هسته هوادار کرمان، ن-از توزیع، هسته مرکزیت هوادار، فا-شاه، م-سرباز هوادار، منطقه ۳ ع دانش آموزی شرق، مجید هسته کارمندی نفت، فرزانه تهران، ج-انتشارات و توزیع، س-دزفول

۸ مه ۱۹۴۵: روز شکست فاشیسم



سربازان ارتش سرخ شوروی سوسیالیستی، بهرچم پیروزی را بهر فراز
رایشنگ (پارلمان آلمان هیتلری) در برلن می افرازند.

شوروی لنین و استالین، چهره جنگ را تغییر داد. جنگ به جنگی عادلانه برای حفظ سوسیالیسم و دموکراسی تبدیل شد. زحمتکشان جهان و به ویژه کارگران قهرمان شوروی حماه ها افزودند. هنوز با گذشت بیش از ۳۵ سال از پایان جنگ دوم، کارگران و زحمتکشان جهان سرودرزم با بیداری قهرمانانه کارگران سربازان و نوده - های انقلابی استالینگراد را بر می دارند. حماه مقامات استالینگراد را زنده می دارند. اگرچه جنگ دوم جهانی و تجاوز فاشیست های خونخوار آلمان، ایالتی و میلیتاریستها (نظامی گرایان) ژاپنی میلیون ها نفر از مردم جهان را با خاک و خون کشید، اما، حبه شکوهمند ضد فاشیستی که با رهبری اتحاد شوروی و رفیق استالین بوجود آمده بود با خون سرخ کمونیست - ها و نوده های انقلابی، درخت انقلاب و سوسیالیسم را آبیاری کرده و دموکراسی داده ای و سوسیالیسم را در جهان باور تر ساخت.

اگرچه امروزه، اتحاد شوروی به یک کشور امپریالیستی و تجاوزگر تبدیل شده، اما دستاورد - های دوران پر عظمت لنین و استالین و پیروزی چشمگیر نیروهای ضد فاشیست در جنگ دوم که تنها در اثر رهبری طبقه کارگر و پیشانی آن حزب پرافتخار لنین و استالین میسر گشت، همچنان راهنمای زحمتکشان و پرولتاریای جهان در مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم می باشد.

جنگ جهانی دوم که فاشیسم هیتلری در سال ۱۹۳۹، تاش آتش علیه ور کرده بود، پس از ۶ سال و با بر جای گذاشتن میلیون ها کشته و ده ها میلیون آوار و بی خانمان در هشتم مه ۱۹۴۵ (۱۸ اردیبهشت) با شکست فاشیسم خاتمه یافت. جنگ دوم، در آغاز جنگی بود که امپریالیستهای گوناگون در جهت کسب منافع نفوذ بیشتر و سلطه - طلبی در سطح جهانی بر پا کردند و به همین جهت کمونیستها در زمان شروع جنگ، بر علیه جنگ، امپریالیسم و فاشیسم با خاستند، اما پس از سال ۱۹۴۱ که فاشیست های آلمانی، اتحاد شوروی سوسیالیستی، تنها کشور سوسیالیستی آن زمان را مورد یورش قرار دادند، چهره جنگ دگرگون شد. اتحاد شوروی به رهبری رفیق استالین و تمام کمونیستهای جهان برای دفاع از سوسیالیسم که در آن موقع در شوروی سوسیالیستی تیلور می یافت، بر علیه فاشیسم وارد کارزار شدند. آن زمان پس از این جنگ به مفهوم یک جنگ فاشیستی که بر جمیع دفاع از سوسیالیسم رابست کمونیستها و نوده های انقلابی بر افراشته بود، شناخته شد. کمونیستها و دموکرات های سراسر جهان برای حفظ دستاوردهای انقلاب سوسیالیسم اکثر و برای زنده نگه داشتن انقلاب سوسیالیسم بهرچم سرخ مبارزه را در کشورهای مختلف در دست گرفتند و با تشکیل حبه های میهنی نوده ای بر علیه تجاوزگران فاشیست به یکدیگر برخاستند، و رود ارتش سرخ و پرولتاریای قهرمان اتحاد

هر دم از این باغ بری می رسد...

بدنیا ل سنگسار فحیح زنان منحرف که خود قریباً نیا نظام ارتجاعی حاکم در گذشته و حال میباشند حاکم شرع کرمان، دستور قطع دست فردی را بجرم دزدی صادر کرده است.

"بحکم دادگاه انقلاب اسلامی کرمان... یک سارق سابقه دار بنام عبداللہ سعید فرزند حبیب - اللہ به اتهام سرقت محکوم به قطع دست میشود و حکم صادره روز گذشته در مورد وی به مرحله اجرا گذاشته شد و چهار انگشت دست راست نامبرنده قطع گردید." (جمهوری اسلامی - دوشنبه ۶۰/۲/۷)

رژیم جمهوری اسلامی که حافظ سرمایه داری و وابسته با تمام ظواهر ارتجاعی آن از جمله فساد دزدی و فرهنگ ارتجاعی است و خود مرکز تجمع چپا و لگراسی است که به یکباره میلیون ها تومان از دسترنج نوده های زحمتکش و ثروت و منافع ملی ما را به غارت برده و تا خرخره در گرداب فساد غوطه ورنده، برای قریب نوده ها بمعنوان مبارزه با فساد، اعتبار دودزدی که علل پیدایش و وجودی آنها را نه در قریب نیا این پدیده های پست اجتماعی بلکه در نظام حاکم و روابط اجتماعی موجودی بدستجو کرد، دست به اقدام منحرفین و قاچاقچی ها و دزدان میزند بدون اینکه بخواهد وقار دیرا شکسته ریشه اصلی فساد، اعتبار دودزدی را بشکند. رژیم حاکم در این راه، بنا به ماهیت عمیق ارتجاعی خود دست به فحیح ترین و وحشتناکترین شیوه ها میزند، زنان بدکاره را سنگسار میکند، قاچاقچیان را - البته آنها شی را که نتوانسته اند سبیل "آقایان" را چرب بکنند - در جلودیدگان مردم تیرباران می نمایند و اخیراً شروع به قطع کردن دست دزدان نیز کرده است.

دزدان و زنان بدکاره و... از بدو تولد، فاشیست دنیا نیا مده اند، آنچه که آنها را به کجراه بدبختی، فساد، جنایت و اعتبار دزدانده محرومیت آنان از حداقل ضروریات زندگی و محاصره آنها با فرهنگ ارتجاعی و امپریالیستی و حاکمیت انواع انحرافات اجتماعی است که همه این پدیده ها مستقل از خواستوارده قریب نیا اجتماع، زاشیده نظام سرمایه داری - و نیز فئودالی سالهای گذشته دور - سلطه امپریالیسم و حاکمیت رژیمهای ارتجاعی از جمله رژیم کنونی هستند و برای از بین بردن آنان ابتدا با بد ریشه اصلی سوزان فحیح سرمایه - داری و وابسته و رژیم حافظ آنرا خشکانند. در جایشگاه چپا و لگراسی چون پشته ها، بازگانها، خون زحمتکشان ما را می کشند، قطع دست یک دزد توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی جز فدا کردن "دزدان کوچک" برای حفظ و جاق تر شدن دزدهای بزرگ و کلان و آنها با روش های قرون وسطایی معنی دیگری ندارد.

★★★

درباره انتخابات فرانسه

دوره اول انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه به پایان رسید و طی آن ژسکار دستن (رئیس جمهور کنونی) ۲۸/۲۱٪ فرانسو امپتران (رهبر حزب "سویا لیست") ۲۵/۹٪ ژاک شیراک (رهبر گلیست ها) ۱۷/۹۵٪ و ژرژ مارش (رهبر حزب "گمونیت") ۱۵/۴۲٪ آراء را بدست آوردند. و بدین ترتیب ژسکار دستن و فرانسو امپتران در دوره دوم در مقابل یکدیگر قرار گرفتند در این انتخابات چه کسی پیروز شده و به مدت ۷ سال دیگر سرما به داری امپریا لیستی فرانسه را نما بندگی خواهد نمود؟

"ژسکار دستن" این نماینده انحصارات بزرگ مالی فرانسه، علیرغم اینکه در طی ۷ سال گذشته که در اسامی موربده تعداد دیپکاران نزدیک ۲۵ میلیون نفر گشته و تورم و گرانی همچنان به رشد خود ادامه داده است، به احتمال قوی به پیروزی دست خواهد یافت. او طی ۷ سال گذشته برای انحصارات بزرگ امپریا لیستی خدمات بیشماری انجام داده و حقیقتاً همین محافل مالی هستند که دوباره او را به عنوان نماینده خود انتخاب میکنند و علاوه بر تناسیب قوا و یکسری عوامل بین المللی نیز به نفع او عمل می نمایند. "ژاک شیراک" نماینده امپریا لیستهای گلیست فرانسه در دوره دوم بنفیع "ژسکار" به کنار می رود و از آن فایده بر آن در شرایط کنونی امپریا لیسم آمریکا تمایل بیشتری به انتخاب وی نشان میدهد. اگرچه اختلافات معینی میان سیاست "ژسکار" و سیاست امپریا لیسم آمریکا وجود دارد، لیکن در مجموع این دو سیاست از هماهنگی بیشتری در حال حاضر برخوردار میباشند. البته با بدگفت که سویال امپریا لیسم شوروی نیز بیشترین تمایل به انتخاب "ژسکار" میباشد. زیرا سازش های جدید میان شوروی و آمریکا و بخصوص در مورد بیمان "سالت" می طلبند تا امپریا لیسم روس در قبایل انتخابات فرانسه روشی را اتخاذ کنند تا در مذاکرات درباره سازش های جدید به سختگیری بیشتر امپریا لیسم آمریکا نیاز نداشته باشد. شوروی برای آنکه بتواند به سازش های جدیدی با آمریکا برسد در انتخابات فرانسه به آمریکا امتیاز میدهد! اخیراً هنگامی که در جزیره "کورین" دو سمب علیه "ژسکار دستن" منفجر شد، بلافاصله "برونف" "بیام محبت آمیزی" برای او ارسال داشته و انفجار سمب را محکوم ساخت و بدین ترتیب رای خود را به "ژسکار" داد!

در مقابل این جهل امپریا لیستهای "حزب سویا لیست" قرار دارند "میتران" "آبسن" سرکوبگر مریخ که دیروز دستور کشتار خلق الجزایر را صادر می نمود و امروز متحدان اشال گلدما را به شست میباشند و بخش معنسی از امپریا لیستهای فرانسوی را نما بندگی میکند

بقیه در صفحه ۲۲



سرکوب کارگران اعتصابی ترک در لیبی

در یکی دو هفته اخیر کارگران ترک که در لیبی کار میکنند دست به اعتصاب زدند. کارگران که جهت تحقق خواستهای صنفی خود اعتصاب کرده بودند با سرکوب پلیس لیبی مواجه شدند. این اولین بار نیست که هزاران زن از کارگران ترک که در لیبی کار میکنند دست به اعتصاب میزنند و هر بار به نحوی با سرکوب و اخراج و یا با وعده های توخالی با خواستهای آنها مقابله میشود.

هزاران کارگر ترک بر اساس قراردادها که بین دولت لیبی و شرکت های مفاطع کاری ترکیه بسته شده با شرایط بسیار محدود کننده و سخت (که به نوعی به بیگاری شباهت دارد) کار میکنند. کارگران و زمینشان ترک که به خاطر شرایط بسیار بحرانی اقتصاد ترکیه روز بروز فقر بیشتر می بینند و لذا به است که تا گزیر به مهاجرت بوده و هستند بطوری که یکی از منابع مهم درآمدی دولت ترکیه را دستمزد کارگرانی که در خارج از کشور کار میکنند تشکیل میدهد. مفاطع - کاران و سرمایه داران ترک با بندوبست با رژیم های بورژوازی خیل کارگران را که در انتظار فروش نیروی کار خود میباشند به کشورهای دیگر گسیل میدارند و بورژوازی ترک البته از این رهگذر غیر از چپاول قسمتی از دسترنج کارگران، در صفوف طبقه کارگر نیز تفرقه و جدائی می افکند و از شکل آنان مانع میگردد.

رژیم سرمایه داری دولتی لیبی نیز که علیرغم ادعای خائنه رویزیونیستها و ما حیای تریا صلاط "راه رشد غیر سرمایه داری" را هستی جز تحکیم موقعیت بورژوازی ندارد، در استثمار و خریداران نیروی کار زمینشان را به شرکت و پاکستانی و مصری و نوبی و سوری و فلسطینی و ایتالیایی و... شریک است. اگر توچه کنیم که به سه از جمعیت ۲ میلیونی لیبی بیش از یک میلیون کارگر و زمینکش از کشورهای دیگر در آنجا کار می کنند! اهمیت سرکوب مبارزات این زمینشان برای بورژوازی لیبی آشکار میشود. دولت

لیبی که وقتی کمپانی فیات ایتالیا می در آستانه ورشکستگی قرار میگردد با پرداخت حدود نیم میلیار دلار به عنوان حق السهم، این شرکت معظم امپریا لیستی را از نا بودی نجات می بخشد (شبه همان کاری که ایران دوره شاه در مورد شرکت آلمانی کروپ کرده بود) حاضر نیست جز با سرکوب کارگران مواجه شود. این است ماهیت بورژوازی در عمل. حرف و ادعا که خرجی ندارد!

چین: خیانت رویزیونیستها و ادامه مبارزات طبقه کار

خیانت رویزیونیستها و استقرار سرمایه داری در چین موجب پیدایش بحران، فقر و بیکاری در این کشور گردیده است. برای اولین بار در تاریخ سی ساله اخیر چین سال گذشته رویزیونیستها ۲۵۰۰ کارگر چینی را به کشورهای امپریا لیستی فرستادند تا توسط سرمایه داران خارجی استثمار شوند و بر اساس قرارداد های خائنه رویزیونیستها قرار است کارگران بیشتری جهت اجراء ۸۸ طرح بخارج فرستاده شوند. تنها در سال گذشته مرتجعین حاکم برجین ۱۵ قرارداد با کمپانیهای آمریکا، ژاپنی، ایتالیایی و... امضاء کرده اند. در مقابل این قراردادها و برای تامین سود کلان امپریالیست - رویزیونیستها، کارگران چینی را در اختیار کمپانیهای امپریا لیستی میگذارند تا آنها با دستمزد بسیار نا زل، کارگران چینی را شدیداً استثمار نمایند. بنا بر این خائنین رویزیونیست نه تنها خود به شدیدترین وجهی طبقه کارگر چین را مورد استثمار قرار میدهند، بلکه به علاوه کارگران را در اختیار انحصارات امپریا لیستی گذاشته تا بدین ترتیب خدمت بزرگی به امپریا لیستها و جناح پت بلسا بقیه های نسبت به پیروان را انجام دهند.

در ادامه خیانت های بیشمار، اخیراً خائنین سنجانی دست به خیانت تازه ای زده اند. حزب رویزیونیست در اول اردیبهشت امسال بیانیه - ای صادر نمود در آن رسماً "دیکتاتور پرولتاریا" را منحل اعلام کرد. در این بیانیه مطرح گردیده است: "نظام حکومتی چین اکنون "دیکتاتور دموکراتیک خلق" است و این بدان معناست که از این پس همه اقشار (نه تنها طبقه کارگر) میتوانند در امور کشور شرکت داشته باشند."

رویزیونیستهای چینی اگرچه با بقدرت رسیدن خود عملاً دیکتاتور پرولتاریا را خیانته کارانه لغو نموده اند، اگرچه با وضوح کامل خط مشی بورژوازی را در تمام عرصه های زندگی اجتماعی چین پیاپی کرده و سرمایه داری را احیا نموده اند، بانک رسماً و علناً نام "دیکتاتور

«ملاحظات کوتاه»

نشریه «جبهه ملی»
و «آزادیخواهی» آوی!

وقتی ملاحظه نویسی، هفته نامه جبهه ملی را دیده‌ایم بنقد این روزها با عصیانیت هارت و هورت می‌کنند بی اختیار از خود پرسید و اما پشت این لیبرال های پوسیده و فاسیل بکجا گرم است؟ آیا مثل «ناکسی که وقتی خالی است بسوق میزند» این حضرات هم به دوقال افتاده اند؟ قدر مسلم این است که این آقایان که عمر سیاسی شان سالهاست بسر آمده است، فرصت طلبانه می‌کوشند با سوء استفاده از رفاشی های عمومی و با دم زدن از آزادی و غربا علیه اختنا، به رقیبان حاکم رودست زده و با تزریق خون کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی به پیکر فرسوده خویش چند روزی دیگر به عمرا نگلی خود بیا فزایند.

آخر وقتی می بینی که پذیرندگان دکتربین آیزنها و روطراخان تیز «میرا انتظار» و کسانیکه مثل دکتر مهدی آذر (ما حب امیتا زرونا مه جبهه ملی) امروز می‌خواهد خود را پرچمدار آزادی بنا مدچای ای جزا فشاگری و دریدن ماسک از چهره این فریبکاران ننداری، این آقایان امروز بر آذینهای فردی و اجتماعی اشک تمساح میریزند و از فداکاری های (!) خود دم می‌زنند و ولی نقل این حادثه که «مشتی است نمونه خروار» «میتواند گوشه ای از «فداکاری» این حضرات «ملی» را به خواننده نشان دهد.

همزمان با ۱۵ خرداد ماه ۴۲ دکتر مهدی آذر همراه با عده ای از مخالفین سیاسی شاه و نیز جمعی از مبارزین آن سالها در زندان قمر بود. مجاهد شهید محمد حنیف نژاد میگفت که دکتر آذر مدام برا زنا را حتی میکرد و میکوشید همراه با برخی دیگر از همکارانش هر چه زودتر کوساه بیاید و «آزاد شود». دکتر آذر میگفت است: «من حداقل روزی چند صد تومان در آمد مطب خود را دارم از دست میدهم!» ضمنا همین دکتر آذروقتی یکی از زندانیان سیاسی را که در آن زمان یک دانشجوی تنگدست بود و بیزیت گرد حدود ۲۰۰ تومان از او حق ویزیت دریافت نمود!

راستی از رفقای خواننده پیکار چه پنهان وقتی ملاحظه نویسی داشت این سطور را مینوشت «شیطونه» که بشدت از «چپروی» تا راحت است، به او «نصیحت» کرد که با جبهه ملی که این روزها از آزادی دفاع میکنند و میتوان به طور «تاکتیکی» با او کنار آمد و حداقل چیزی در باره آنها نگفت! ولی پیکار که دست لیبرالها را نیز مثل دست

کارگران و گارد های سرخ انجام گرفت و در حقیقت نظرات اخیر بیا آنستکه توده های ستم دیده یوغ رویزیونیستهای خاش را هرگز نمی پذیرند. در مقابل این اعتماد و نظرات کمیته مرکزی حزب رویزیونیست چین به او کنش دست زده و دستور سرکوبی آنها را صادر نمود. و به علاوه کمیته مرکزی حزب افزوده است، در صورت تداوم این مبارزات ارتش نیز مداخله خواهد نمود. در حقیقت از زمان حاکمیت رویزیونیستهای خاش و مرتدد در چین، علیرغم کوششهای مذبوحانه رژیم، مبارزه سیاسی - انقلابی علیه قدرت حاکم شکل گرفته است و این امر ویژگی مبارزات کنونی در چین است. در حال حاضر اگر چه هر بیان کمونیست کارگران در زندانها بسر میبرند ولیکن کارگران و توده های زحمتکش آگاه و نیز زاناشجویان کمونیست و گارد های سرخ به مبارزه خود علیه بورژوا - رویزیونیستهای حاکم ادامه داده و در اشکال گوناگون و فاداری به سوسیالیسم و آرمان طبقه کارگران به تمایش می گذارند. در واقع با ندخیا ننگار «تنگ» هوا «میگوشد» مبارزه طبقه ای را خفه کند، اما مبارزه طبقه ای همچنان گسترده تر میشود و تا نبودی قطعی سرما به و کلیه نمایندگان آن ادامه خواهد داشت

انتخابات اخیر فقط ۶۶/۱۵٪ رای به صندوقها

ریخته شد. اخیرا دولت امپریالیستی فرانسه مجتمع مسکونی ۳۰۰ خانوادها را گرماجر در محله «ویتری - سور - سن» (در حومه پاریس) را تخریب نمود. «ژرژ مارش» خاش برای بدست آوردن رای بیشتر به دامن زدن افکار رشیونیستی و نژادپرستانه دامن زده و با تائید این تخریب گفت: «ما نمی خواهیم هارلم جدیدی (محله سیاه - پوست نشین نیویورک) و با سوتی دیگری در حومه پاریس داشته باشیم». «مارش» با این تبلیغات فاشیستی کوشید تا به رای دهندگان بورژوا و خرده بورژوا فرانسی القاء کند که با زهم علیه کارگران اقدام خواهد کرد و بنا بر این رای آنها به رویزیونیستها به بیراهه نمیرود! اما فراموش نکنیم که «مارش» در دوره اول بیش از ۴۰٪ رای آورد و اما سال تنها ۱۵٪ آرا را به خود اختصاص داد و بدین ترتیب اگر چنانچه «مارش» رای بخشی از بورژوا را به دست آورده باشد در مقابل رای توده وسیعی از کارگران را از دست داده است. توده های کارگر هر چه بیشتر میبرند که بر نامه و کردار حزب رویزیونیستهای فرانسی در ماهیت و اساس خود تفاوتی با احزاب بورژواشی دیگر ندارد و به همین خاطر بطور روز افزون نسبت به رویزیونیستها و راهبایر لمانی آنها بی اعتماد میشوند اما متاسفانه حزب کمونیست پرولتاریا در فرانسه موجود نیست تا بذرا انقلاب سوسیالیستی را در اذهان کارگران با شیده و آنان را برای تصرف قهر آمیز قدرت سیاسی سازماندهی نماید.

پرولتاریا «را کنار گذاشته و آشکارا دیکتاتوری طبقه ای خود را تحت عنوان «جمهوری دموکراتیک خلق» اعلام میدارند اگر در شوروی خروشچ خاش ویدنیال او بر ژنرف مرتد، دولت بورژوازی را با نام «دولت تمام خلقی» آذین نموده، هم اکنون در چین با ند «تنگ» دولت بورژوازی را با نام «جمهوری دموکراتیک خلق» پرده پوشی می نماید رویزیونیستهای چینی بدین ترتیب حاکمیت بورژواشی خود را ژسمیت بخشیده و امری پرواضح است که نه «همه اقشار» بلکه تنها بورژوازی مرتجع چین «درا مور کشور شرکت داشته» و تنها این طبقه است که به قیمت سرکوب کارگران و دهقانان اعمال سلطه طبقه ای می نماید.

اما در مقابل این همه جنایت و پستی و زحالت بورژوازی جدید چه سلاح دیگری جز مبارزه طبقه ای در دست پرولتاریا چین باقی میماند؟ چندی پیش کارگران و دانشجویان کثیری در چین دست به اعتصاب و نظرات زدند. کارگران به تشدید ستم و استثمای رمعترض بوده و دانشجویان به اشغال دانشگاهها توسط ارتش ارتجاعی رویزیونیستهای اعتراض داشتند. از پائیز گذشته در چین مبارزات وسیعی از جانب

بقیه از صفحه ۲۱ درباره...

طبقا میگوشت رای رویزیونیستها را بچنگ آورد. البته «ژرژ مارش» مرتد هیچگاه از کمک بیدریغ به او خودداری نکرده است، اما میتوان گفت «میتران» در مقابل جبهه فوق نمی تواند به پیروزی دست یابد. البته معافا فل بزرگ و با نفوذ امپریالیستی در شرایطی که بحران بشدت اوج بگیرد و مبارزات کارگری برآمدن بسیار باشد - ای پیدا نماید چه بسیار به قدرت رسانیدن «میتران» را هموار سازند زیرا «میتران» با لفاظی های عوام فریبانه «سوسیالیستی» خود می تواند در به اشعار فکشان جنبش کارگری نقش مهمی بازی کند. و فراتر از آن در شرایط شدید بحران حتی «ژرژ مارش» مرتد میتواند به مثابه یک «آلترنا تيو معقول» خود نمایی کند. لیکن مجموعه شرایط کنونی آلترنا تيو «ژیمکار» را در دستور روز قرار داده است.

آری حقیقتا قدرت سرما به در انتخابات و با رالمانتا ریسیم بورژواشی حرف آخر خواهد زد رویزیونیستهای خیانت پیشه فرانسی (مانند همه رویزیونیستها) سالیان درازی است که در ضدیت با انقلاب پرولتاریا بی به فریب طبقه کارگردست زده و با رالمانتا ریسیم را به نجات کارگران وانمود میسازند. اما سالیان درازی است که او اقیات نشان داده که سرما به حرف آخر را در انتخابات خواهد زد و توده های آگاه بیش از پیش با امتناع از رای دادن، نفرت خود را نسبت به مبارزیهی بورژوازی به نمایش می گذارند. بنحوی که در سال ۱۹۷۴ در دوره اول انتخابات ۷۱/۰۳٪ رای دادند حال آنکه در

در حالیکه بحران اقتصادی موجود، کمترین گشایش را از زیر بار شرایط طاقت فرسای زندگی خم کرده است، رژیم جمهوری اسلامی موظف منافع طبقاتی مرتجعین حاکم را به درگسترش و تحکیم بر ما به داری وابسته بری، عزارت و چپاول و استثمار بیشتر بران و زحمتکشان ایران ندارد، می تازد. با نه ایران ناسیونال - که یک کارخانه می است - برای وارد کردن قطعات کامیاب ۱۹۰ میلیارد ریال با وارد دولتی و به نرخ برای مدت پنجمال با یک کمیته یی امضاء میکند، این قرارداد در شرایطی می شود که رژیم جمهوری اسلامی شب و روزم تفرقالت اقتصادی، خودکفائی، بی نیازی برپا لیستها و... میزند ما واقعیت هاجره ی این رژیم ارتجاعی را بر ملا می سازند. ی که حافظ منافع سرمایه داران و سرمایه بری وابسته است نمیتواند و مدالبت به اهدا کند اقتصاد سالم و سبب باز سرمایه

ششمین سالگرد پیروزی خلق قهرمان ویتنام بر امپریالیسم آمریکا

خلق قهرمان خواست که "هرکس باید بداند زده و دغبر کار کند" و ادامه تلاش شبانه روزی چنین خلقی قهرمان بود که توانست امپریالیسم آمریکا را بست و آورد. آنچه که این خلق را پیروز و زنده اند به پیش میرسد حاکمیت ما رکیسم لنینیسم برحزب را هبر "جبهه آزادیبخش" بود. حیزیکه با اتکاء ما رکیسم لنینیسم و طرد ترسکیسم و پیرو تونیسیم و ریزیونیسیم جبهه انقلاب زحمتکشان را در ویتنام هدایت کرد. در تاریخ مختصر حزب زحمتکشان ویتنام میخوانیم:

"در همان زمان (منظور سال ۱۹۶۴ میلادی شد) اختلاف نظرات بزرگی بین احزاب کمونیستی و کارگری مملط شده بود. مبارزه بین ما رکیسم لنینیسم و پیرو تونیسهای راست و "چپ" و مخصوص بین ما رکیسم لنینیسم و ریزیونیسیم مدرن که بمثابة خطر عمده جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری را تهدید میکرد تشدید یافت."

(داخل پرا نتزونا کیدا زمانا ست)

مبارزه با ریزیونیسهای از طرف حزب زحمتکشان ویتنام و رفیق هوشی مین دنبال شد. "حزب پس از سومین کنگره سرتا سری وظیفه تربیت کادر ها و جنگجویان را در برابر برخورد فسادات آنها بنوا نند تفکر آزادی و استقلال خود را رنداده و ما رکیسم لنینیسم و همچنین تجربیات کشور ها ی برادر را خلایق نده را نطابق با شرایط مشخص میهنی ما بکار بر برد" (همانجا)

و با این چنین مشی و برنامهای بود که خلق قهرمان ویتنام با یک سال زمانه ی سراسری و انقلابی توانست بیش از سی سال مبارزه سهمگین را بر علیه زاردا نه امپریالیستی پیروز و زنده اند به پیش ببرد و فقط تا سال ۳۲۴۳۰۶۸ جت جنگنده و بمب افکن آمریکا را سرگون سازد و در راه استقلال و آزادی از همه چیز بگذرد.

اگر خلق ویتنام در ۳۰ آوریل ۷۵، توانست بزرگترین پیروزی را نصیب خود سازد و امپریا لیستهای تجا وزگرا آمریکا را و مزدوران داخلی اش را فراری دهد، بخاطر رهبری حزب کمونیست بر انقلاب بود. رفیق هوشی مین در سی امین سالگرد تا سیس حزب زحمتکشان ویتنام نوشت:

"برای اولین بار در تاریخ، یک کشور کوچک ضعیف و مستعمره بر کشوری قوی و استعمارگر پیروز گردید. این پیروزی با شکوهی برای خلق ویتنام محسوب میشود. این همچنین جزئی از پیروزی نیروهای ملخ، دمکراسی و سوسیالیسم در جهان میباشد. ما رکیسم لنینیسم را بر تو خود

ریخته شد! این جنگ تجا وزگرا نه امپریالیسم آمریکا، که با شرکت مزدوران رژیم دست نشانده جنوب و کمک بیدریخ امپریالیستهای غربی صورت میگرفت، نتوانست پشت خلق ویتنام را بشکند. خلق قهرمان ویتنام برای پیشبرد مبارزه متحد بر علیه امپریالیسم آمریکا و مزدور - ان داخلی اش در پایان سال ۱۹۶۰، با تلاش انقلابی کمونیستهای ویتنام، "جبهه آزادیبخش ملی ویتنام" را تشکیل داد و برای تحقق آزادی کامل ویتنام ۵ ماه بعد، "ارتش آزادیبخش



ویتنام" پدید آمد. این ارتش انقلابی با مشی توده ای خود که از جانب کمونیستهای ویتنام با رهبری رفیق هوشی مین، هدایت میشد، به بسیج، آگاه و مسلح ساختن کارگران و دهقانان زحمتکش که اکثریت جمعیت ویتنام را تشکیل میدادند پرداخت، با آنجا که این ارتش از سوی یک حزب کمونیست با مشی انقلابی رهبری میشد، توانست بدون واهمه از شکستها، دورا زهرسانی و بدون احساس ناتوانی در برابر وحشیگریهای تجا وزگران آمریکا و وزیر باران بمبها و ناپالمها که جنگلها، مزارع و کارخانه های ویتنام را به آتش میکشیدند، سرخسخته ها و متکند این ارتش، از خلق دلاوری بوجود آمده بود که انضباط انقلابی بر آن حاکم بود و هیچ چیز بر تر از آزادی و انقلاب برایش مفهوم نداشت. خلق دلاوری که از سوی حزبی آهنگین با برنامهای موشی انقلابی و بانفی تمام راههای سازگارا نه و جیونا نده و مبارزه سهمگین را بموا زات هم پیش میبرد. مبارزه در راه سوسیالیسم در شمال و مبارزه بی امان برای پیروزی انقلاب در جنوب. رفیق هوشی مین در سال ۶۴، زمانیکه ریزیونیسیم خروشقی کشور بزرگ شورا ها را مجددا بسوی سرمایه داری کشانده بود و خروشقی خاشن برای خلق قهرمان ویتنام بدم زملخی میزد که با "سازش بین آمریکا و شوروی" پدید آمد، در مجمع فوق العاده سیاسی حزب، برنامهای نوین برای حزب و دولت و در جهت پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا پیشنهاد کرد که در ضمن آن از

"وضع کنونی در جنوب نشان میدهد شکست امپریالیستهای یا نکسی در "جنگ ویزه" اجتناب ناپذیر است. "جنگ ویزه" ای که در ویتنام تجربه شده و با شکست روبرو گردید، در هر کشور دیگر نیز شکست خواهد خورد. این است مفهوم بین المللی مبارزه میهن پرستانه همیمنان ما در جنوب برای جنبشهای رها نشی بخش ملی در سراسر گیتی."

(هوشی مین - آوریل ۱۹۶۴)
آری! جنگ تجا وزگرا نه ای که امپریالیسم آمریکا برای پیشگیری از انقلاب خلق ویتنام در جنوب آن کشور برپا کرده بود، برای تجا وزگران یا نکسی و مزدوران داخلی اش جز شکست و چیردگیری ببار نیاورد. خلق قهرمان ویتنام پس از سی سال مبارزه بر علیه امپریالیستهای فرانسوی و آمریکائی و نوکران بومی شان، آن را برانورد و آورده و در سی ام آوریل ۱۹۷۵ (شب اول ماه مه - روز جهانی کارگران) با تسخیر سا یگون (امروز "هوشی مین") و برافراشتن پرچم پیروزی بر فراز کاخ ریاست جمهوری، آزادی کامل ویتنام را اعلام کردند.

پیروزی شگرف خلق قهرمان ویتنام و ارتش آزادیبخش آن بر امپریالیسم خونخوار آمریکا آن بدست نیامد. این پیروزی دستاورد مبارزه طولانی توده های مسلح برهبری "جبهه آزادیبخش ملی ویتنام" که مشی و برنامهای از سوی حزب کمونیست، "حزب زحمتکشان ویتنام" اعمال میشد، میباشد. پس از آزادی شمال ویتنام در تابستان ۱۹۴۵ و برقراری جمهوری دمکراتیک ویتنام برهبری رفیق هوشی مین که خود شمره دهها سال مبارزه شگوه مند خلق نستوه ویتنام علیه استعمارگران فرانسوی و امپریالیستهای فرانسوی واپسینی بود، مبارزه خلق ویتنام برای آزادی ساختن "جنوب" همچنان ادامه یافت. یکسال پس از پیروزی زحمتکشان ویتنام در شمال، امپریالیستهای فرانسوی با یاری امپریالیسم آمریکا، برای حفظ وادامه سلطه استعماریش یک جنگ تهاجمی را بر مردم دلاور ویتنام تحمیل کردند اما این جنگ پس از ۸ سال، با پیروزی سترگ خلق ویتنام در ۷ مارس ۱۹۵۴ در دژ "دین بین فو"، پیروزه امپریالیسم فرانسه را بکاک مالید. اما توطئه امپریالیستهای بر علیه خلق ویتنام با این نیافت و امپریالیستهای بهیچوجه حاضر نبودند هندوچین را که از نظر موقعیت سوق الجیشی و استراتژیکی اهمیت زیادی برای آنها داشت، بسادگی رها سازند. پس از شکست فرانسویها، امپریالیستهای آمریکا بی جای خالی آنها را پر کردند و تجا وز امپریالیستی بر بسوی ویتنام سرازیر شدند بطوریکه در سال ۱۹۶۸ تعداد آنها از نیم میلیون نفر گذشت. قویترین نیروی هوائی جهان، شب و روز بمباران شمال و جنوب ویتنام میداد، چندین بار بر جنگ جها نی دوم بر روی خلق قهرمان ویتنام بمب

پروژه مجتمع تولید فولاد اصفهان :

ارتیه غارتگرانه رژیم شاه و بندی دیگر در

تحکیم وابستگی به امپریالیسم

رژیم جمهوری اسلامی مذاکره برای بستن قرارداد ۲ میلیارد تومانی مجتمع فولاد با انحصارات غربی را که رژیم وابسته شاه قصد اجرای آن را داشت، ادامه میدهد

پای یک شرکت ایتالیایی نیز در بین است (وکارچرگانان اصلی آن شبانی "سرپرست" مجتمع اصفهان "شوش کامیاب کارشناس ارشد صنایع فولاد و آتشپانی مدیر عامل سابق صنایع فولاد میباشد که البته شخص اخیراً اغلب در آلمان بسر میبرد. مذاکرات و مطالعات و سفرها شیکه برای پیاده کردن این طرح انجام شده، بدون اینکه کوچکترین ثمری برای زحمتکشان ما داشته باشد، هزینه های گزافی را بپا داده است. اجرای این طرح مقدمات بلندپایه رژیم برای برگردن جیب ها بشان و خدمت به اربابان بشان، برایش لحظه شماری میکنند، قدم دیگری در تشدید وابستگی به امپریالیستهای غربی و تحکیم سرمایه داری وابسته میباشد. و علاوه بر هزینه های سنگین کنونی آن، سالها به مبلغ هنگفتی نیز برای نگهداری قطعات یدکی با پایداری جیب مردم ایران در کیسه گشادچپول - گران بین المللی ریخته شود. بطوریکه در حدود اجرای این طرح چپا و لگوانه، قراست مبلغ ۵۰ میلیون مارک برای قطعات یدکی تقدیم امپریالیستها گردد. با افشای هر چه بیشتر توطئه های رژیم جمهوری اسلامی در ادامه چپاول زحمتکشان و تحکیم سرمایه داری وابسته و استحکام بندهای وابستگی، مبارزه گسترده زحمتکشان را بر علیه رژیم کنونی و سرمایه داری وابسته و مبدعش میهن

رژیم متفور شاه، در آخرین سالهای حیاتش قصد اجرای طرحی برای نصب یک کارخانه بزرگ فولاد در بندر عباس را با نگاه یک روش جدید صنعتی و آزمایشی که با زدهی آن هنوز مورد تردید است، را داشته که قیام مهرشکوه توده های قهرمان مجالش را ندادند. اما، رژیم جمهوری اسلامی، علیرغم داد و قال های پوچ و "خدا مهربا نیستی" اش، مذاکره برای عقد قرارداد با چپا و لگوانه مزبور را که ۲۰ میلیارد ریال (۵۴۹/۶ میلیون مارک) هزینه آن بود همچنان ادامه میدهد. طرف این قرارداد یک کنسرسیوم آلمانی (غربی) بنام "گورف" و شرکت اطریشی "وست آلپین" میباشد و قرار است که طبق آن، با استفاده از احیا مستقیم سنگهای آهن بکمک گازهای طبیعی، مجتمع بزرگی - که قبلاً قرار بود در بندر عباس ساخته شود - در اصفهان برپا گردد. این روش تهیه فولاد، روش جدیدی است که هنوز مرحله آزمایشی خود را طی نمیکند و از آنجا که از بزرگترین رژیم منحصوری پهلوی ایران تبدیل به شوکچه آزمایشی امپریا - لیستها شده بود، قرار بود در ایران نیز این طرح پیاده شود و رژیم جمهوری اسلامی نیز همین قرار داد را دنبال میکند. برای اجرای این طرح در دو سال گذشته هیئت های مختلف از ایران به آلمان، اطریش و ایتالیا سفر کرده اند (چرا که

راهی را پیش پای طبقه کارگر و خلق ویتنام روشن نمود که به پیروزی مبارزه علیه تجار و زرها نشانی ملی و حفظ دستاوردهای انقلابی انجامید" اما، متأسفانه این پیروزی بزرگ و تاریخی بر متن برخی انحرافات حزب بویژه نسبت به رویزیونیسم غرضگرای تعمیق نیافت و در مبارزه درون حزبی مرز بندی بین مارکسیسم لنینیسم و رویزیونیسم در حزب ویتنام به نفع رویزیونیسم ارتداد داشته شد و رویزیونیسم بر حزب و دولت ویتنام چیره گشت. ویتنام امروز بساده گئی به تمام دستاوردهای چند دهه انقلاب و سوسیالیسم در شمال و جنوب ویتنام، با قسار گرفتن در موضع طرفداری از سوسیالیسم امپریالیسم شوروی، ورود در بازی مشترک کشورهای رویزیونیستی و سوسیالیسم امپریالیسم روس "کومکون" .. به کشوری سوسیالیستی و انقلابی، بلکه کشوری است، "پروژوا رویزیونیست" بر آن حاکمیت دارند. همانسان که از روشهای تاریخی خلق ویتنام و زحمتکشان ویتنام میآموزیم و برای رها نشی زحمتکشان ایران، آنها را یگاری نمیندیم، بهمان گونه نیز باید ارتداد حزب و دولت ویتنام به رهبری "لهدوان" رویزیونیست را افشا کرده و مارکسیسم لنینیسم را با کیزه ترا ز گذشته بکار بست

معرفی يك فالانژ!



۸
نام و نام خانوادگی: ...
عنوان: ...
پست: ...
تلفن: ...
آدرس: ...
تاریخ: ...
محل: ...

فساد یار غار جمهوری اسلامی است!

- شما "ونه روحانی" اقرار گرفته یک پاسدار "مکتبی" میباشد. (اطلاعات همانروز). آری! فساد در ارگانهای رژیم جمهوری اسلامی آنچنان بالا گرفته که گهگاهی گوشه های آن به بیرون در میزند. این مرتجعین که هزاران نهمت شایسته خود را به کمونیست ها و انقلابیون نشان میکنند در مقابل توده های زحمتکش که شایسته ترین رسوائی ها هستند چه توضیحی دارند که بدهند. اینان در برخورد به مفید بین نیز "طبقاً" "برخورد میکنند، فاحشهای که در اثر ناسامانی های اجتماعی به کجراه گشایده شده و به قربانگاه فساد و تباهی سوق داده شده است اعدام میگردد و روحانی فاسد، در اثر فشار توده ها به پیکال زندان و خلق لبای محکوم میشود و البته اگر توبه نکند و عفو نشود! این است منطق ارتجاع!

فساد اخلاق و انحرافات اخلاقی ... همچنان - که بارها گفته ایم یکی از نشانه های حاکمیت سیستم های ارتجاعی است. رژیم جمهوری اسلامی بخاطر حفظ و تحکیم سرمایه داری وابسته، تاسا وجود دارد در بطن خود فساد، فحشا و انواع انحرافات اجتماعی را خواهد پروراند. به همین دلیل است که علیرغم موعظه های پوچ و فریبنده روزی نیست که سردمداران و عوامل رژیم جمهوری اسلامی رسوائی جدیدی بالا نیاورند. به غیر زبیر توجه نمائید:

"بحکم دادگاه انقلاب اسلامی تبریزی یک روحانی نمای ساکن مرند به جرم فساد اخلاق و نیابت زشت به خلق لبای روحانیت، یک سال حبس تا دینی ۶۰ ضربه شلاق محکوم شد." (کیهان ۳۰ فروردین ۶۰).

البته فردی که مورد "سو نیت" این "روحانی

حیات احباب العجیه

صبحی صبحی سید

تاریخ: ۱۳۷۷ مطابق با ۲۷ جاری

زمان: ۹:۱۵ صبح

مکان: ...

دوستدار متعلق به یک مزدور ارتجاع است که در صف او با شان متشکل حزب جمهوری اسلامی به راهیما نشی خونین کمونیست ها در اول اردیبهشت اسامال حمله کرده بود. این سندها بپانگرمای زماندهی او با شان و پاسداران برای بقیه در صفحه ۱۵

فرار قهرمانان ۷ زندانی کمونیست از زندان دژ خیمان سپاه پاسداران شیراز



بخشهایی از انجمن «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» تشکیلات شیراز در باره
فرار قهرمانان ۷ زندانی کمونیست از زندان دژ خیمان سپاه پاسداران شیراز

دیگر به موج خروشان انقلاب توده‌های پیوسته
و سازات انقلابی خود را در کنار توده‌ها ادامه
دهند.

مبارزه انقلابیون با رژیم‌های ضد انقلابی
همچون رژیم جمهوری اسلامی مبارزه‌ای است
آنتی تأثیر که در زندان مبارزات می‌باشد.
فرزندان انقلابی خلق یکدم آزادی نمی‌شوند
و به طریق صدای اعتراض خود را بر علیه شرایط
غیرقابل تحمل زندان، از غذاهای غیرقابل
خوردن آن گرفته تا شکنجه و اعدام‌های
ساحکی آن بلند میکنند. آنها اعتراضات می‌کنند،
عذاب میکنند، آنها اعتراضات می‌کنند،

در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی از هر مورد
هجوم موج خروشان انقلاب فرار گرفته است،
مبارزه در زندان‌ها نیز هر روز بیشتر و ج میگیرد
رژیم برای جلوگیری از فعالیت انقلابی
کمونیست‌ها و سایر انقلابیون آنها را به زندان‌ها
میاندازد، اما این مبارزان زندان را نیز به
عزم دیگری برای مبارزه تبدیل و رژیم را بش
از پیش متحمل می‌شوند. مبارز قهرمانان
۷ تن از زندانیان سیاسی کمونیست از زندان
سپاه پاسداران سیرجی از مبارزه بی‌رومندان
زندانیان سیاسی انقلابی است. این رفقا
موفق شدند با طرح و اجرای نقشه‌های خود و
حاصل شده‌ای از زندان ارتجاع بر سر بردوسار

امیرا لبسم قربان تو کوبیده خوش را بر مغز آنها
بروخواهند گفت و بگویند که شلاق‌هایشان کرده
برکف‌های ما فرودمی‌بند اما مرگ آنها را نزدیکتر
میسازند.

خواستهای برحق ما را نمی‌پسند و هموطنان آگاه و
انقلابی می‌خواهیم با ستافس بداری شما،
مبارزات قهرمانان را راج بگذارند و به
دشمنان خلق بگویند تا رهایی کامل شما و قبل
از آن تارهای کامل تمامی خلقها از سوز

...

پیام رفقای زندانی در تهران به انقلابیون اسیر در زندانیهای شیراز و بندر عباس

به قهرمانانی که جفا و دشمنی را بر ملا می‌سازند
در زندان انقلابی در زندانیهای شیراز و بندر عباس!
با روحیه‌ای سرشار و ملامت از عشق به هموطنان
ستم‌خیزان

از اعتنا و اعتراض قهرمانان به شما آگاه
شدیم با خود گفتیم بگذاریم دشمنان سرخود
بلرزند و شما می‌دوستان بر خود می‌اندازید
قهرمانانی که در زیر شکنجه‌های وحشیانه رژیم
با نام مردم و با کینه به دشمنان جان می‌بازند.
آری! بگذار تا صدای زندان قروچه خشم
مرتجعین، نوای چاق‌های با سکه‌ها و قساوت
هر چه شما متر، چین و جفا را تا حاشای رابری
پیکر بیدار و استوار و مهرگویی میکنند و
بگذار تا سرخی خونت، زردی بر قنات را که در هوای
نمناک شما هم سلولت خواست تا تورا مفلوب
سازد، سراغ‌کننده ما خسته‌بیدان نیز رنگ انقلاب
بخشد. اما هیچگاه نگذار تا مرتجعین، برای
لحظه‌ای هم‌تا دشمنان. اما نگذار حتی مرگ نیز
آنها را تا دشمنان. به هنگام مرگ خونت را به لاله
های جوان خشم‌دهنده‌کن تا همراه تو بعد از تو
همیشه و همیشه بر بیکره جلالت لریزه بچینند.
در زندان! انقلابیون جان برکف!

در حالیکه شما خود بخوبی شرایط را که در
آن بسر می‌برید حس می‌کنید، دست اندر کاران با
نیرنگ و فریب بلندگو بدست گرفته اند که هیچ
شکنجه‌ای در کار نیست، اینان از ترس مبارزات
قهرمانان زندانیان حالتی تدافعی گرفته
با سازاتشان را سوزانده شده، نعل کوبی شده و
غیره می‌شما یا تندنا بلکه خلقهای قهرمان
ایران باور کنند که زندانیان سیاسی با سازات
را شکنجه می‌کنند، زهی بیشتر می‌وفاحت! لابد
محروم نمودن شما هم‌تا از هوا خسوری!! و
ریختن چاق‌ها را بدخل زندان و... جزئی
از تهدیب قلعه‌ها می‌شوند! حال از این‌ها
بخوا هیبت‌ها بند و برای یکبار هم‌تا به خود جرات
داده زندان شیراز را به مردم‌تان دهنده! ماهه!
ببر کنید، از آنها جواسی نمی‌خواهیم ما میدانیم
که جرات این را ندارند، پس رحمت را شما
انقلابیون و شما می‌ما که سینه‌ها را بریز از عشق
به توده‌هاست خواهم کشید و ما هست جفا بیکار
این آقایان را برای همگان بر ملا خواهیم ساخت.
دوستان! دردهای بی اندازه شما قلب
همگان را به درد آورده است و مبارزات قهرمانان
شما وجدان همگان را بیدار خواهد ساخت. ما
زندانیان سیاسی - انقلابی (فدا می‌باشیم -
ند ارتجاع زندان ق - ح. ضمن حمایت از

زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده‌ها آزاد باید گردد

قسمتی از: پیام رفقای اسیر در زندان سپاه
(شیراز) بناسبت اول ماه مه!

پیام به کارگران قهرمان ایران!

مایکارگران پای درختنیر، ایدرون زندان ارتجاع، دروهای کمونیستی و بیکران خویش راه مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه روز جهانی کارگر به شما عرضه می‌داریم. ما به شما و راه پرافتخارتان عشق می‌ورزیم. همین عشق است که ما را چون کوه در برابر شما تا ملایقات مقام و استوار می‌سازد.

تبعید، حبس، شکنجه و اعدام در عزم ما خللی وارد نخواهد ساخت. زیرا ما به شما می‌اندیشیم ما بدون هراس از پاداران سرمایه و سلطه‌های آمریکا، تیشان از منافع زحمتکشان دفاع خواهیم کرد. آخر مگر نه این است که به همین جرم (از نظر ارتجاع) به سبب هلال افتاده ایم. ما فدا شدن در راه آزادی طبقه کارگر را سعادت خویش و افتخار دیگر بیکارگران میدانیم بنا بر این در زندان نیز دمی از ما بزم نخواهیم آسود، چه اینکه معتقدیم زندان هم جبهه دیگری است جهت پیکار در راه آزادی طبقه کارگر.

کارگران قهرمان! ما جشن اول ماه مه را در زندان و در زیر سر نیزه‌های رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برگزار خواهیم کرد و بدینسان این جدائی مکانی را که رژیم می‌ان ما و شما ایجاد کرده و با درهم پیچیدن مداخلات و پیوند زدن قلبمان از میان خواهد برد. ما با عشق به رهبری طبقه کارگر همچنان با عزمی راسخ علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی می‌ستیزیم و با خون خود با شما پیمان می‌بندیم که تا رسیدن به آرمان‌نشان که همان سوسیالیسم و کمونیسم است دمی نیا ساشیم و اعتقاد داریم که در فردائی که نه چندان دور است با داستان توانای شما در این سبب هلال گشوده خواهد شد و ما به آغوش شما با زخوایم گشت. به امید آن روز. زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر. مرگ برای امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!

"بیکارگران اسیر در زندان سپاه شیراز"

ارتجاع بگیریزد! اگر چه پس از یک روز ما در حسین رهگذر آزاد می‌کنند، اما خواهی هروی همچنان در زندان ارتجاع بصورت گروگان نگهداری می‌شود. می‌بینیم که رژیم ناتوان از مبارزه با انقلابیون به روش سابق با یک به آزار و اذیت خانواده‌های آنها می‌پردازد و این اوج درماندگی اوست. ما فرار از انقلابی این رفقا را، بهمناب به جزئی از مبارزات زندانیان سیاسی انقلابی، به خود رفقا، به خانواده‌ها و بستگان نشان و به تمام همزمان انقلابی آنها تریک می‌گوئیم. به امید روزی که بهمت مبارزات کارگران و زحمتکشان و توده‌های انقلابی خلق از بیرون و ادامه و گسترش مبارزات زندانیان سیاسی انقلابی از درون، دیوارهای زندانهای رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی فرو ریزند و تمام زندانیان انقلابی به آغوش خلق قهرمان نشان برگردند.

گسترده تریاد مبارزات زندانیان سیاسی انقلابی! زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده‌ها آزاد باد! پدگردد! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

۱۳۴۰/۲/۲

سرود می‌خوانند و خواب راحت را از چشم زندانیان حیوان مفتشان می‌ربایند. اما ارتجاع نیز بیکار نمی‌نشیند و از هیچ کوششی برای سرکوب مبارزات زندانیان انقلابی فروگذار نمی‌کند. زندانیان را کتک می‌زنند، شکنجه می‌کنند، هوا خوری را از آنها می‌گیرند و با لایحه‌ها سداران دسته‌جمعی به سلول زندانیان می‌ریزند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند.

فرار از زندان از رفقای کمونیست از زندان سپاه پاداران شیراز جزئی است از مبارزه زندانیان سیاسی و توده‌ها برای گشودن درهای زندانهای جمهوری اسلامی، فرار این رفقا در عین حال شکستی است افتخار آمیز برای دژخیمان رژیم. ارتجاع از این شکست دندان قروچه می‌کند و مذبوحانه نتوانی خود را در آزار و اذیت خانواده‌های انقلابیون فراری به نمایش می‌گذارد. در همین رابطه خیرا خواهی رما در پیکار و در لاور حسین رهگذر از دستگیر می‌کنند. (این رفیق بجرم؟) برپا کردن چادر برای کمک به جنگ زدگان به ده سال زندان محکوم شده بود و چندی پیش موفق شد از زندان

پایان اعتصاب غذای زنان کمونیست

مقامات حاضرین زندانیان کمونیست و انقلابی در زندانهای جمهوری اسلامی نمونه‌های فراوان دارد و اعتصاب غذای ده‌ها تن از زنان کمونیست زندانی در زندان اوین که شجاعانه نزدیک ۲۰ روز ادامه یافت نمونه‌ای از آن‌هاست. در شماره ۱۰۱ خبرا اعتصاب غذای رفقای زن، زندانی در اوین در پیکار آمد و اینک خبر رسیده است که این اقدام انقلابی با موفقیت نسبی پایان یافته و رژیم مجبور شده است به برخی از خواستهای زندانیان پاسخ مثبت دهد.

پخش اخبار رادیو، دریافت روزنامه، رسیدگی به وضع رفقای بلاتکلیف از جمله نتایج موفقیت اعتصاب است. طی این اعتصاب غذا که چند نفر از رفقا شدیداً

حالتشان وخیم شده و راه خلل نا پذیر رفقای کمونیست در هر جا که باشند در زندان یا بیرون از آن - برای ادامه مبارزه به منصف ظهور رسانده شد. هم‌اکنون برخی از رفقای اعتصابی، دچار بیماری معده شده اند و از سوی مسئولین زندان رسیدگی لازم صورت نمی‌گیرد. همچنین به یکی از خواستهای زندانیان اعتصابی که جدا کردن آنان از زندانیان ساواکی و بدکاره بود پاسخ مثبت داده نشده و این شکنجه روحی همچنان رفقا را در زندان می‌آزارد. ما مجدداً از کلیه نیروهای کمونیست و انقلابی و از عموم هموطنان مبارز می‌خواهیم که فربا دا عترای خود را علیه آنچه در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی می‌گذرد بیلند و بیهوده حمایت از فرزندان دلیبر خلق بر خیزند.

بقیه از صفحه ۱۶ هر چه

نمایند. اما هوشیاری و آگاهی و یکپارچگی آوارگان تمامی این توطئه‌های رژیم را خنثی می‌کند. حتی فرستادن آخوند و استفاده از احساسات مذهبی آنها نیز، نمیتواند آوارگان را گول بزند. بدنبال همین سیاست سرکوب، در روز سوم اردیبهشت عده‌ای مزدور مسلح با لباس شخصی و با در دست داشتن حکم دستگیری ۲ تن از نماینده - گان به مجمع عمومی کارکنان جنگزده صنعت نفت در "باشگاه کارکنان صنعت نفت" حمله برده و ۲ تن از نمایندگان مبارز کارکنان را بسزور گرفته و با خود به بیرون باشگاه می‌کشاند و قصد سوار نمودن آنها را به تاکسی که از قبل آماده

کرده بودند می‌نمایند. نمایندگان در مقابل مزدوران مسلح رژیم مقاومت کرده و سایر کارکنان نیز به حمایت از نمایندگان واقعی مورد اعتماد خود برخاسته و مانع بردنشان شده و یکی از آنان را از جنگ مزدوران بیرون می‌کنند. اما یکی از مزدوران مسلح که سلاح کمری خود را کشیده و بسوی نماینده مبارز نشان نهفته بود، وی را همراه نماینده دیگر و چند تن از کارکنان مبارزی که به حمایت برخاسته بودند دستگیر کرده و با خود می‌برند.

هوادران سازمان چریکها (اکثریت) نیز با وقاحت هر چه تمامتر در شناختن عناصر

مبارز و آواره به پاداران از هیچ فرصتی کوتاهی نکرده و با این کار خود را دیگر دشمنی شان را با کارگران و زحمتکشان نشان میدادند.

آری، رژیم بخبال خود می‌خواهد با سرکوبی مبارزات کارکنان جنگزده صنعت نفت و دستگیری نمایندگان آنان، اراده مدخلی خود را بر آنها حاکم نماید. اما کارکنان جنگزده صنعت نفت با مبارزه برای آزادی نمایندگان واقعی خود و هر چه گسترده تر کردن مبارزات حق طلبانه - شان و همچنین هماهنگ نمودن این مبارزات با جنبش انقلابی آوارگان جنگ ارتجاعی، مشت محکمی بر دهان رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی خواهند زد.

★ قطعنامه ★ راهپیمائی روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)

۹- ما خواهان ۴۰ ساعت کار در هفته با دو روز تعطیل برای کارگران هستیم.
۱۰- در این روز سرخ دروهای بی پایان خویش را به تما می شهدای قهرمان و رزمندگان مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه داری و تما می بخون خفگان دلاور را آزادی طبقه کارگر جهان نشان می کنیم و سوگند می دهیم که راه سرخشان را با تمام توان خویش پیما می کنیم.

جمع ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پشتیبانی از راهپیمائی اول ماه مه

تشکیلات تهران سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر، طی اطلاعیه ای در تاریخ نهم اردیبهشت، پشتیبانی خود را از راهپیمائی اول ماه مه توسط سازمان ما اعلام نموده است. لازم به توضیح است که رفقا اگر چه در اعلامیه خود صرفاً از سازمان ما نام برده اند، ولی از آنجا که این راهپیمائی توسط ما و چریکهای فدائی مشترکاً برگزار شده است، ما این پشتیبانی را تنها به پشتیبانی از راهپیمائی هردو سازمان تلقی می کنیم.

در زیر قسمتی از این اطلاعیه را می آوریم:
"اول ماه مه یا زدهم اردیبهشت روز جهانی کارگر نزدیک است. ۹۵۰ سال پیش در روز اول ماه مه کارگران آمریکا که زیر فشار سرمایه با آنجا که به طلب آید بود برای رسیدن به هشت ساعت کار دست به مبارزه متحدانه ای زدند. از آن به بعد کارگران جهان این روز را بعنوان مظهر اتحاد و همبستگی خود در مبارزاتشان جشن می گیرند.
طبقه کارگر ایران زیر فشار خناق جمهوری اسلامی که فشار را میریالیستها و سرمایه داران وزمینداران بزرگ است و بوسیله اکثریتی های خائن و توده های نوکروسوئال امپریالیسم شوروی و سهجانی های رنجبری حمایت میشوند این جشن را برگزار میکنند و به این وسیله یک کام دیگر در جهت شکل و آگاهی خود بر میدارند.

ما این روز پرشکوهر را به تمام کارگران جهان و از جمله به طبقه کارگر ایران شادباش میگوئیم با شکوه در سبای اول ماه مه را که همه قادر است اتحاد و همبستگی کارگران در مبارزاتشان میبا شد هر روز پیش از پیش بکار بیاوریم.

تنگ و نفرت بر رژیم جمهوری اسلامی!
زنده باد همبستگی کارگران جهان!
ما در راهپیمائی که به همین مناسبت از طرف سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر برگزار میشود شرکت می نمائیم.

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

(تشکیلات تهران) ۱۳۶۰/۲/۹

۱- در این روز با ایمان به اتحاد و همبستگی کارگران جهان زیر شعار "کارگران جهان متحد شوید" گرد می آیم و اعلام میداریم که مبارزات طبقه کارگر ایران جزئی از مبارزات کارگران جهان برای نابودی امپریالیسم و همه رژیمهای وابسته ارتجاعی و محوسرما به داری است.
۲- ما توسط های امپریالیسم آمریکا و وابستگان و متحدین داخلش را بر علیه خلقهای ایران محکوم کرده و با تمام نیرو در مقابل آن خواهیم ایستاد.

۳- رژیم فدا انقلابی جمهوری اسلامی عامل سرکوب و کشتار خونین کارگران، زحمتکشان و خلقهای ایران و فقر و فلاکت توده ها و مانع تحقق انقلاب دمکراتیک و فدا امپریالیستی خلقهای ایران است.

جناحهای مختلف حاکمیت و از جمله حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها همگی فدا انقلابی و دشمن خلقها و طبقه کارگر ایرانند و اتحاد با هر یک از این جناحها برای مقابله با جناح دیگر، خیانت به طبقه کارگر و خلقهای قهرمان ایران است.

۴- انقلاب دمکراتیک و فدا امپریالیستی خلقهای ایران بدون رهبری طبقه کارگر به سرانجام پیروز نمیشود و نخواهد رسید.

۵- ما با تمامی توان خود در راه مبارزه برای کسب آزادی های سیاسی، دفاع از جنبش مقاومت خلق کرد، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، بازگشتی دانشجویان، آزادی اجتماعات و فعالیت سازمانهای انقلابی و ایجاد شوراهای انقلابی (واقعی) و افشای سرکوب، کشتار و خفقان رژیم ادامه خواهیم داد.

۶- خلق کرد بشدت در زیر حملات ارتش و سپاه پاسداران قرار دارد. ما همگی پشتیبانی از مبارزات حق طلبانه خلق کرد و پشتیبانی از حق تعیین سرنوشت خلقها، جناحیات رژیم را در کردستان بشدت محکوم می کنیم.

۷- ما جنگ ارتجاعی کنونی را که تنها در خدمت سرمایه داران دو کشور ایران و عراق قرار دارد محکوم کرده و اعلام میداریم که مسببین اصلی کشتار و فقر و فلاکت توده های دو کشور ایران و عراق، حکومتهای ارتجاعی این دو کشورند.

۸- هم اینک نزدیک به ۲ میلیون آواره جنگ در بدترین شرایط بسر میبرند و رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در بهبود شرایط زندگیشان نکوشیده، بلکه به آزار و سرکوب آنها میپردازد. ما پشتیبانی خود را از خواستهای برحق آوارگان اعلام کرده، تضییقات و سرکوب آوارگان را توسط رژیم جمهوری اسلامی محکوم می کنیم.

اینک اول ماه مه فرا رسیده است و فوج فوج کارگران جهان به استقبال عید خونین خویش شتافته اند. میلیونها کارگر از سرتا سر جهان با عزمی راسخ برای نابودی امپریالیسم جهانی و همه رژیمهای وابسته و ارتجاعی و محوسرما به داری بیبا میخیزند و نمایش عظیمی از قدرت همبستگی خویش را به نمایش میگذارند. رژیمهای ارتجاعی و حشودها از این نمایش قدرت سرخ پرولتاریا، بسیاری از نظا هر - کنندگان را به خاک و خون میافکنند و بر چرخ کارگران، سرختر می شود.

طبقه کارگر قهرمان ایران نیز بعنوان یک گردان از ارتش عظیم جهانی طبقه کارگر در حالی که زخمهای فراوانی از امپریالیسم و رژیم حاکم برتن دارد به برگزاری هر چه با نگوهر روز همبستگی کارگران میپردازد.

طبقه کارگر ایران در شرایط عید خونین جهانی اش را جشن میگیرد که بحران اقتصادی - سیاسی سرمایه داری همچنان ادامه دارد. گرانی بیکاری، فقر و فلاکت، تورم، جیره بندی مواد غذایی و سوختی گلو زحمتکشان ما را می فشارد، بر سر تن این بحران اقتصادی، مبارزات کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران روز به روز گسترده تر میشود و رژیم جمهوری اسلامی که از پا سخگوشی به خواستهای برحق توده ها ناتوان است، بیش از پیش به کشتار و سرکوب کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران پرداخته و با تمام نیرو به بازسازی و حراست از سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم پرداخته است. آزادیهای دمکراتیک سرکوب میشود، تظاهرات دانشجویان انقلابی با تارتک بخون کشیده میشود و چندین شهید و زخمی بجا میگذارد. عین همین جناحیات در شهرهای آمل، قاشم شهر و تهران و... تکرار میشود و انقلاب خون و کمونیستها زندانی، ترور و شکنجه و تیرباران میشوند. اجتماعات بخون کشیده میشود و بالاخره مطبوعات انقلابی توقیف میشوند. در چنین شرایطی، ما بعنوان بخشی از طبقه کارگر ایران در این روز از یک سو به تحکیم اتحاد خویش با طبقه کارگر جهان میپردازیم و از سوی دیگر در شرایطی که مبارزه برای آزادیهای سیاسی، برجستگی خاصی یافته است بر عزم راسخ خویش در ایستادن در مقابل خفقان، سرکوب و کشتار رژیم جمهوری اسلامی پای می فشاریم. از اینرو ما شرکت کنندگان در راهپیمائی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰) با توجه به خواستهای و شعارهای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی همدوش با کارگران ایران اعلام میداریم که:

بقیه از صفحه ۲۲ روزنامه...

"..... بهنگامی که فرخ نگهدار از مجاهدین خلق بدلیل عدم حضورشان در جبهه های جنگ شدیداً انتقاد میکردن رنجگی میان نظامی ها - کنگدگان برتاب نشود و رنجخواه افکار رنجک دوفکر گشته شدند."

روزنامه جمهوری اسلامی و دیگر همپا لکی های مرتجعش موفق نخواهند شد با داستانهای های فاشیست گونه از یکسجمله به نظامی ها و مراسم - حتی ارتجاعی - راه نیروهای کمونیست و دمکرات نیست و هدف از سوی دیگر با ایجاد زمینه ذهنی در میان مردم - یورش با سداران و اوپا شان بر علیه کمونیستها و انقلابیون را موجه جلوه دهند. توده های زحمتکش هم حزب ب ارتجاعی جمهوری اسلامی و همکاران مرتجعش را می شناسند و هم از فرزندان کمونیست و انقلابی خود و روشهای مبارزاتی آنان شناخت کافی دارند. ما سیرحانه خیانت ها و جنا بنهای ارتجاع حاکم و نوکران روبریونیت شان را همچنان افشا خواهیم کرد. و از تبلیغات هیئتلی ارتجاع در اثبات جملات مزدوران خودیسه اجتماعات کوچکترین هراسی بخود راه نخواهیم داد. چرا که این تبلیغات ارتجاعی کوچکترین راهی در دل توده های آگاه و زحمتکش ما ندارند.

"اکثریتی" های خاش نیز برای اینکه اربابان خود را ترسانند. یورش گروهی مرتجع حزب اللهی به مراسم خود را به کمونیستها و از جمله ما زمان پیکار نیست داده است اما این صله های خاشنا نه به ما نمی چسبند و خاشنا "اکثریت" همچنان تکه خودیسه ارتجاع پیوسته اند با بدستله ما نشان نیز منطبق بر تبلیغات یورژوازی باشد.

★★★

بقیه از صفحه ۳۰ آنکه...

۳۶ هزار تومانی داده است. حزب توده با داشتن چنین افرادی مزورانه به کارگران و زحمتکشان موعظه میکند که برای "لا بدین تولید" تلاش کرده و از اعتماد و تحسن جهت دریافت پاداش و دستمزد خودداری نمایند. تنک بر مرتجعین و مزدوران فریبکار!

★★★

نام	مبلغ	نام	مبلغ
آقای...	۱۰۰۰	آقای...	۲۰۰۰
آقای...	۵۰۰	آقای...	۱۵۰۰
آقای...	۳۰۰	آقای...	۱۰۰۰
آقای...	۲۰۰	آقای...	۸۰۰
آقای...	۱۵۰	آقای...	۷۰۰
آقای...	۱۰۰	آقای...	۶۰۰
آقای...	۸۰	آقای...	۵۰۰
آقای...	۷۰	آقای...	۴۰۰
آقای...	۶۰	آقای...	۳۰۰
آقای...	۵۰	آقای...	۲۰۰
آقای...	۴۰	آقای...	۱۵۰
آقای...	۳۰	آقای...	۱۰۰
آقای...	۲۰	آقای...	۸۰
آقای...	۱۵	آقای...	۷۰
آقای...	۱۰	آقای...	۶۰
آقای...	۸	آقای...	۵۰
آقای...	۷	آقای...	۴۰
آقای...	۶	آقای...	۳۰
آقای...	۵	آقای...	۲۰
آقای...	۴	آقای...	۱۵
آقای...	۳	آقای...	۱۰
آقای...	۲	آقای...	۸
آقای...	۱	آقای...	۷
آقای...	۰.۵	آقای...	۶
آقای...	۰.۴	آقای...	۵
آقای...	۰.۳	آقای...	۴
آقای...	۰.۲	آقای...	۳
آقای...	۰.۱	آقای...	۲
آقای...	۰.۰۵	آقای...	۱

کمکهای مالی رسیده

نام	مبلغ	نام	مبلغ
آقای...	۱۰۰۰	آقای...	۲۰۰۰
آقای...	۵۰۰	آقای...	۱۵۰۰
آقای...	۳۰۰	آقای...	۱۰۰۰
آقای...	۲۰۰	آقای...	۸۰۰
آقای...	۱۵۰	آقای...	۷۰۰
آقای...	۱۰۰	آقای...	۶۰۰
آقای...	۸۰	آقای...	۵۰۰
آقای...	۷۰	آقای...	۴۰۰
آقای...	۶۰	آقای...	۳۰۰
آقای...	۵۰	آقای...	۲۰۰
آقای...	۴۰	آقای...	۱۵۰
آقای...	۳۰	آقای...	۱۰۰
آقای...	۲۰	آقای...	۸۰
آقای...	۱۵	آقای...	۷۰
آقای...	۱۰	آقای...	۶۰
آقای...	۸	آقای...	۵۰
آقای...	۷	آقای...	۴۰
آقای...	۶	آقای...	۳۰
آقای...	۵	آقای...	۲۰
آقای...	۴	آقای...	۱۵
آقای...	۳	آقای...	۱۰
آقای...	۲	آقای...	۸
آقای...	۱	آقای...	۷
آقای...	۰.۵	آقای...	۶
آقای...	۰.۴	آقای...	۵
آقای...	۰.۳	آقای...	۴
آقای...	۰.۲	آقای...	۳
آقای...	۰.۱	آقای...	۲
آقای...	۰.۰۵	آقای...	۱

بزرگداشت حماسه خونین اردیبهشت ۵۹ در شهرهای مختلف

قهرمان شهر (کرمانشاه سابق)

در روز اول اردیبهشت سالگرد حماسه آفرینی دانشجویان کمونیست و انقلابی در مقابل یورش ارتجاعی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به دانش - گاهها، تظاهرات موضعی از سوی سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در خیا بان مدرس (مرکز شهر) برگزار شد. تظاهرات با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" شروع شد و در مسیر حرکت، پتین شعارهای "دانشگاه، این سنگر انقلاب، بهمت توده ها، گشوده با بدگردد، علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها" و... زنده کننده حماسه مقاومت دانش - جوین کمونیست و انقلابی و بیانگر ضرورت باز - کشتن انقلابی دانشگاه این سنگر همیشه پندیده انقلاب بود.

چند دقیقه پس از شروع تظاهرات، فالانژها با حالتی پرا فروخته و در مانده در مقابل افشا - گریهای رفقا، وحشیانه به صف تظاهر کنندگان حمله ور شده و با محاصره کردن آن از دو طرف، سعی در برهم زدن آن داشتند که با مقاومت رفقا روبرو شدند. در درگیریهای پراکنده ای که روی داد، سه تن از رفقا مجروح شدند. پس از پایان تظاهرات مزدوران رژیم به هر کسی که مشکوک میشدند به بازرسی بدنی وی میپرداختند و این خود در افشا - ما هیت آنها نزد مردمیکه شاهدگریبان بودند، تاثیر بسزائی داشت.

شیراز

سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار بمناسبت سالگرد روز مقاومت دانشجویان کمونیست و انقلابی در روز ۶۰/۲/۳، دست به یک تظاهرات موضعی زد. در جلوی صف تظاهر کنندگان تما و بر رفقای شهید احمد مودن - دانیا لسی - مهنا زمعمندی و... که قربانی ضد انقلاب فرهنگی رژیم شده بودند، به چشم میخورد. شعارهای تظاهر - ات عبارت بودند از: "انقلاب فرهنگی حمله ارتجاع است، کشتار دانشجویان خود بهترین گواهی است"، "ثانزده آذر شاه، توسط بنی صدر و بهشتی، بار دیگر زنده شد"، "دانشجوی مبارز، بهمت توده ها، سنگر خود را بگشا" و... جمعی از مردم از دو طرف خیابان تظاهر کنندگان را همراهی میکردند. بهنگامیکه یکی از فالانژها با چاقو قصد حمله به صفوف رفقا را داشت، توسط انتظامات تظاهرات حمله وی دفع شد. چندان پسرو دختر - فالانژ میکوشیدند با دادن شعار "حزب فقط حزب الله" توجه مردم اطراف را از حرکت انقلابی رفقا منحرف سازند اما صدایشان در غرش اتحاد مبارزه، پیروزی محو گردید. در خیا بان مشیر فاطمی، آوارگان جنگ ارتجاعی از درون خواب -

گاهها، ضمن نشان دادن دوا نگشت خود به سلامت پیروزی، همبستگی خود را با رفقا برآورد داشتند. تظاهرات موفق رفقا پس از ۲۰ دقیقه به پایان رسید. پس از متفرق شدن رفقا، سی الی چهل تن از فالانژها با شعار "مرگ بر پیکار" در خیا بان برآه افتاد و به ضرب و شتم مردم پرداختند و چنان از تظاهرات رفقا گنج شده بودند که آشنا ها دو نفر از همبها لگبها نشان را هم به صورترا بکنه پیکاری هستند، با چاقو زخمی کردند!

مشهد

بمناسبت سالروز مقاومت خونین دانش - جوین کمونیست و انقلابی در دفاع از دانشگاه این قلب پرورش انقلاب، رفقای سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در روز ۶۰/۲/۳ یک تظاهرات موضعی برگزار کردند و شعارهایی در افشای دوجناح ضد خلقی هیئت حاکمه و در بیا - فشاری بر سازگشائی انقلابی دانشگاه دادند. این تظاهرات چندین بار مورد تهاجم جبرندگان رژیم قرار گرفت که با مقاومت انقلابی رفقا روبرو شد. پس از تظاهرات که ۲۰ دقیقه بطول انجامید، بحثهای خیابانی در گرفت که ای - یمن بحثها تا ساعت ۹ شب ادامه داشت. همچنین رفقا چندین روزنامه پیشگاه عکس و طرح که به عکسهای رفقای شهید مودن - دانیا لسی و معتمدی همراه بود، بر پا داشتند که در روز ۶۰/۲/۳ نمایشگاه رفقا در خیا بان دانشگاه مورد یورش عوامل رژیم قرار گرفت اما رفقا دست به مقاومت زده و ابتدا با دادن شعار به مقابله پرداختند و سپس چندین تن از اواباشان توسط رفقا تنبیه شدند.

و احدثات را سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در مشهد چندین روز متوالی در خیا بان

آنکه ۳۶ هزار تومان با دأش گرفته توده ای "است"

"در پیکار ۹۹" در افشای "بنیاد مستضعفان" چهره فردی بنام بهرام سلطانی تهرانی را بر ملا کردیم که با دأش ۳۶ هزار تومان بی دریافت کرده بود. این مزدور را بهتر بشناسیم.

وی از سرسپردگان حزب خائن توده میباشد که از انگلستان، فوق لیسانس حسابداری گرفته است و از طرفداران و مبلغین علنی حزب - خارج از کشور بود. وی در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشته و در زمان اوج مبارزات توده ها، افسر وظیفه بود ولی در روزها شبکه توده های انقلابی از زندانها فرار میکردند و مرثبا به پادگان میرفت پس از سربازی استادنیمه وقت دانشکده علوم اقتصاد با بایس بود و با آنکه به مشی - خائنان حزب توده به همپاشی علیه انقلابیون پرداخته و مسئول رسانیدن شریات حزب توده به هوادارانانش بود و تحت عنوان فریبنده "خدمت به جاسمعه" در بنیاد مستضعفان استخدام شده و در اثر همین "خدمت" سی شایبه بوده است که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به وی با دأش ۳۹ قبیعه در صفحه ۲۹

تظاهرات دانش آموزان انقلابی در حمایت از همروزمان اخراجی شان

سقز

بیدنال اخراج ۲۸ تن از دانش آموزان انقلابی دبیرستان آزادی سقز و متحمل کردن برخی کلاسها که بدلیل سرود خوانی دسته جمعی به مناسبت نو و زرد مدرسه توسط مسئولین مرتجع و به کمک رویزیونیستهای خائن اکثریت و توده ای در شاناسائی آنها، صورت گرفته بود، دانش آموزان انقلابی دبیرستانهای آزادی، رثوف، قانع، بهرنگی و مصدق و... دست به اعتراض زدند.

در روز ۶۰/۱/۲۳ دانش آموزان مبارز دبیرستان رثوف با خواندن سرود "ای رقیب" تظاهرات اعتراضی خود را شروع کرده و علیرغم سمپاشی های رویزیونیستهای اکثریت و توده ای و کوشش مسئولین مرتجع مدرسه در سر کلاسی با زگردانیدن آنها، جمع کثیری از دانش - آموزان به صف تظاهرات در مدرسه میپیوندند. آنها با دادن شعارهایی چون "محمل اخراجی، همروزمان انقلابی، حمایت میکنیم" و "در پیکار خلق کرد، سازگاری محکوم است" ضمن حمایت از دانش آموزان انقلابی آخر اخی، بیونند مبارزات انقلابی دانش آموزان را با جنبش مقاومت خلق کرده اعلام داشتند. بهنگامیکه دانش آموزان در سالن مدرسه اجتماع کرده و شعارهای انقلابی را سر میدادند، خبر رسید که دانش آموزان دبیرستان مصدق نیز در ارتباط با اخراج ۲۸ تن، دست به تحصن زده اند. دانش - آموزان با شعار حمایت خود را از همروزمان دلیران بیان میدادند. همبستگی چشمگیر دانش آموزان انقلابی مدارس مختلف برای ارتجاع بسیارگران تمام شده است و مرتجعین از مسئولین گرفته تا رویزیونیستها به طرق مختلف در مدد دهستانکه به حرکات انقلابی دانش آموزان لطمه بزنند، اما خلق کرد و دانش - آموزان انقلابی و مبارز چهره کره این پا و را ن سرما به راشناخته اند. مبارزات انقلابی دانش آموزان در مدارس مختلف همچنان ادامه دارد.

انوکران بورژوازی بر علیه کمونیستها

رویزونیست های خائن اکثریت کنتاراجا پیکار را نه کمونیستها را تأیید میکنند. -ترین وجهی تحریف کرده و برای حمله به کمونیستها و اثبات نوکریشان بدو راه بورژوازی و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بدکشف بر سر شیوه های تبلیغاتی دست زده اند و "شماره ۱۰۴" بنجم "حالی آورده اند که برای کنتاراجا کمونیستها، بلکه برای "منتشج" خود دادن وضع مملکت "ترتیب این انفجار را داده اند و "پیکاری" ها یکدفعه سر زده و را همیسان کرده و "حرکات متحرکی" دیده شده است. رویزونیستها مزخرفات تبلیغاتی بورژوازی جا کرامتکاران میکنند اما طرز بیسارنا نشان!

خائن اکثریت برای گرفتن امتیازات - هر چند کوچک - جهت رسیدن به منافع فساد - انتحالی خود و وسوسال امپریالیست های روس - حاکم به در خیانت و دسیسهای هستند. آنها در پی چنین داستانهای ایالتی اند و میفکند "در میدان شکست" در دامن بورژوازی برده خسته و سرگرد خود را بصورت اجازه برگزینی میتینگ "در میدان آزادی" دریافت میدارند و در ادبوی ارتجاع سر برایشان تبلیغ میکنند. نیکان باد!

آری! نوکران رویزونیست بورژوازی برای دستیابی به "آرامش" یعنی سکوت مرکبای که ارتجاع براحتی با ستیاب و سرکوب خلقهای زحمتکش برده اند، سیاست خود را با سیاستهای روزیستی حرکت ارتجاع و قدرتمندان حاکم میزان میکنند و میگویند "اولین برکنایی علیه کمونیستها و توجیه خیانت های مردوران ارتجاع غافل نمیشوند، اما توده های زحمتکش "آرامش" آنان و آریایان را با طوفانی انقلابی درهم زده و کوشالی سخنی به آنها خواهند داد.

تقویم سال ۱۳۶۰ منتشر شد



جشن بورژوائی "توده های ها"

در حالیکه اعلام تظاهرات اول ماه مه کمونیستها، وحشت رژیم را برانگیخت و در حالیکه رژیم - اوباشان، شعبان سی مخ های جمهوری اسلامی پاسداران جهل و سرما به و شهرانی جی های چاق و دریا بطرز بسیار بیهوش نموده و بود و بالاخره در حالی که از تظاهرات کمونیستها بزور تفنگ مانع نمیشدند، رویزونیستها با کسب اجازه از وزارت کشور و در سایه "الفاظ" جمهوری اسلامی میتینگ خود را برپا کردند.

از چند روز قبل رادیو، تلویزیون روزنامه - های ارتجاع حاکم به تبلیغ برای نوکران خود پرداخته و برای منفرداختن کمونیستها توده ها را به شرکت در میتینگ رویزونیستها دعوت کردند.

در این میان میتینگ توده های ما ننشد یک جشن عروسی بورژوائی بود. در این میتینگ که منظمی ضد انقلابی - بر آن حاکم بود و نوکرانها، مدیرکل ها، زنان و مردان بورژوا - فراوان بودند. آنها با ماشین های خود، تا نزدیک در می آمدند و در حالیکه گل میخی بر سینه زده بودند خیانت خود را به یکدیگر تبریک میگفتند. محل اجتماعشان با عکسهای بزرگ خمینی و شعارهای سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی آذین شده و فضای حاکم بر جشن، با دردها، آلام و خواسته های طبقات کارگر و ملا بیگانه بود. در جشن بورژوائی رویزونیستها دیگر از پاسداران که نارنجک و گاز اشک آور به میان جمعیت بیاندازند و تیراندازی کنند خبری نبود. چرا که در سر تا سر میتینگ هیچ حرفی جز تمجید از "دولت ضد امپریالیست" و "دروغ خمینی" و خلاصه نوکری رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی خبری نبود. اینها برای بی دلیل نیست و قتیکه رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ارتجاعی خود به نوکران خویش اجازه برگزاری میتینگ میدهد اما در همان زمان فعالیت که نیستها و انقلابیون دمکرات را وحشیانه سرکوب میکنند. آخر در مقابل یک عمر خدمت گذاری و جا کسری از جانب رویزونیستها که سگان نگهبان بورژوازی هستند برتا بیک تکه استخوان امری لازم است!

"پیکار خلیج" منتشر شد

رفقای هوا دارا زمان دربند عباس اولین شماره نشریه "پیکار خلیج" را منتشر ساختند. ما ضمن تبریک به رفقا که فعالیت آگاهانه و کمونیستی خود را در میان توده های زحمتکش کناره خلیج افزایش میدهند دست رفقا را صمیمانه میفشاریم و برایشان در جهت هر چه غنی تر شدن مضمون نشریه و همچنین بهتر شدن چاپ آن، آرزوی موفقیت مینماییم.

روزنامه جمهوری اسلامی: بازهم فحاشی و تهمت بر علیه کمونیستها

رژیم جمهوری اسلامی و روزیونیستهای خائن در ادا مهساستهای ارتجاعی شان، در آستانه اول ماه مه به تبلیغات مسموم خود علیه نیروهای انقلابی و کمونیست افزودند. پس از این روز نیز حزب مرتجع جمهوری اسلامی و نوکران روزیونیستش به فحاشی و عریضه کشی ارتجاعی بر علیه کمونیستها ادامه دادند. روزی نامه جمهوری اسلامی در تبلیغاتی که از مکتب فاشیستی گوبلز و هیتلر درس گرفته اند، تجمع عده زیادی از پادشاهان و اوباشان مسلح رژیم در میدان جمهوری و خیابانهای اطراف باسج "کارگران و مردم مملکت" نامیده و وقیحا نهاده کرده است که: "در پی دستگیری گروهی از هواداران سازمان پیکار و جریکهای فدائی خلق اقلیت تعداد ۶ قیفه کلت، ۸ قیفه پنجه یکس، تعدادی چاقو و کتکسل - مولوتوف بدست آمده است" (جمهوری اسلامی ۶۰/۲/۱۲) تا به توده های مردم الفاء کند که این خود کمونیست ها هستند که برای "مظلوم نمایی" در میان نظر هر کسندگان مراسم خود کو کتسل - مولوتوف و نارنجک می اندازند و با تیراندازی میکنند. اما این توطئه های "مکتبی" های مرتجع مدتهاست که برای توده های زحمتکش شناخته شده اند. زحمتکشان ما به چشم خود دیدند که روز ۱۱ اردیبهشت امسال چگونه پادشاهان ماسک دار - که یوش اوباشان "گاردجا ویدان" محمدرضا شاه را به توده ها ندای می کردند - مسلسل بدست چهار راه های اطراف مسیر راه - پیمایشی اعلام شده توسط سازمان ما و رفقای فدائی را قرق کرده و از روی درماندگی در مقابل اراده آهنین توده های کمونیست و انقلابی و با وحشت از استقبال توده های زحمتکش از شعارهای آگاهی بخش آنان تیر - اندازی میکردند و به دستگیریهایی وحشیانه می پرداختند.

ورق پاره "جمهوری اسلامی" (۱۲ اردیبهشت ۶۰) همچنین حملاتی را که اوباشان ارتجاع به میتینگ فدائیان خائن اکثریتی نموده بودند و قیحا به نیروهای کمونیست نسبت داده و برای فریب توده ها نام آنها را در کنار نام روزیونیستهای ونجری آورده است. اینان سعی کرده اند که پرتاب نارنجک به میان شرکت کنندگان در میتینگ اکثریتی های خائن را به کمونیستها و دمکراشها نسبت دهند تا از نوکران خود "دلجوئی" کرده باشند. این روزنامه ارتجاعی نوشته است: بقیه در صفحه ۲۹

یادداشت های سیاسی هفتگی

آخرین عهده داسته است. این سازمان برای اولین بار در اعتراض به سیاست های ضد انقلابی و کشتار، سرکوب و خفقان بجای تکیه بر تضادهای جناحهای مختلف و توسل به "مقامات" و "شخصیت ها" به نیروی توده ای خود به نیروی توده ها تکیه نمود و آنها را به حرکت درآورد. این کام مشیتی است که باید از آن بعنوان یک نمونه مشخص از یک حرکت انقلابی، پشتیبانی نمود. هرچند که این تا شیدنیتواند به معنای تأکید سیاست عمومی راستروانه این سازمان در برابر کل رژیم و بطور مشخص تضادهای دوجناح رژیم و پشتیبانی آشکارا تلویحی آنها از لیبرالها در برابر جناح حزب جمهوری اسلامی باشد. این حرکت نشان میدهد که چگونه تکیه بر توده ها، در هر حرکت تاکتیکی، میتواند بیشترین نقش را در گسترش دامنه جنبش و شورا انقلابی توده ها و تضعیف ارتجاع داشته باشد.

بررسی نتایج و اثرات و جنبه های مختلف حرکات وسیع توده ای که از سوی انقلاب - سون سازمان یافت از چند زاویه ضروری و قابل تأکید است و ما میگوئیم برخی از آنها را در کمال اختصار متذکر شویم.

۱- این خیزش های وسیع توده ای، نشان داد که چگونه جامعه ما در یک بحران انقلابی عمیق بسر میبرد. بطوریکه هر حرکت ضد انقلابی رژیم حاکم، به بستری برای نوغان شورا انقلابی مردم

بقیه در صفحه ۲

تظاهرات انقلابی دو هفته گذشته: "جوب قانون" رژیم را می شکند.

پس از کشتار وحشیانه تنی چند از کمونیستها و انقلابیون توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، در تهران و قاشم شهر، در اولین سالگرد روز اول اردیبهشت، موج وسیعی از اعتراضات و حرکت های انقلابی توده ای تحت رهبری نیروهای کمونیست و انقلابی، در بسیاری از شهرهای ایران، پیاپی شده همچنان ادامه دارد. این حرکت های وسیع توده ای انقلابی، که صدها هزار نفر در آنها، بمنظور اعتراض به روند تشدید سرکوب و خفقان از جانب رژیم جمهوری اسلامی، و پیروژه حزب جمهوری اسلامی و ارگانهای وابسته به آن شرکت کردند، شورا انقلابی نوینی در پیکر ملت به جا معه، دمید و ارتجاع حاکم را در وحشت و سرا سیمگی فرو برد. رژیم سال جدید را سال "قانون" اعلام کرد، اما حوادث اخیر نشان داد که توده ها چگونه "جوب قانون" رژیم را می شکنند! در کنار تظاهرات سازمان یافته کمونیستها و از جمله سازمان ما، نظرات روز و شنبه سازمان مجاهدین خلق (هواداران آنها) در تهران، که دهها هزار نفر در آن شرکت جستند، مهمترین و برجسته ترین نمونه این حرکت های اعتراضی در دو هفته گذشته گذشته بود. این سازمان برای اولین بار، دست به حرکتی رسمی زد که قانونیت رژیم جمهوری اسلامی را به زیر پا میگذاشت و از ادایه محدود این قانونیت فرا تر میرفت. در کنار کمونیستها سازمان مجاهدین، که با توجه به وسعت نیروی اجتماعی پشتیبان خود، بدون شک نقش مهمی را در سازمان دهی این حرکات انقلابی و سیاسی در دو هفته

آغاز سومین سال انتشار پیکار

دو سال از انتشار اولین شماره نشریه "پیکار" گذشت. آغاز سومین سال انتشار "پیکار" را به کارگران و زحمتکشان تبریک میگوئیم. هیئت تحریریه "پیکار" امیدوار است بتواند با برخورد فعال و انتقادی خوانندگان و جمع بندی کار خود در خلال این دو سال، تا آنجا که در توان دارد در ارتقاء نشریه پیکار، چه بلحاظ مضمون و چه بلحاظ شکل، بعنوان یک نشریه کمونیستی و پیشرو کوشا باشد.



مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست